

هشدار امام!

قلم شیطان

((... به همه آقاییان می گویم با هم جنگ نکنید. روزنامه ها را
پر نکنید از بدگویی از هم... انتقاد غیر انتقامجویی است.
انتقاد، انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس می تواند
انتقاد صحیح بکند اما اگر قلم دستش گرفت انتقاد کند برای
انتقامجویی، این همان قلم شیطان است...))

صحیفه نور، جلد ۱۳ صفحه ۷۸



سپاسی. اجتماعی. فرهنگی

سال سی و یکم / شماره ۱۴
شماره مسلسل ۱۳۹۰
نیمه اول آبان ماه ۱۳۸۹

۱۵۰ تومان



حضرت آیت الله خامنه ای:

باید حق و باطل را با بصیرت تشخیص داد نه با چهره ها و اشخاص

صفحه ۲

مقام معظم رهبری در دیدار با علما، روحانیون و طلاب قم:

تقسیم روحانیت به آخوند حکومتی و غیر حکومتی غلطی فاحش است

صفحه ۳

آیت الله جوادی آملی:

دانشگاه اسلامی چگونه به وجود می آید؟

آیت الله جوادی آملی در درس تفسیر خود طی سخنانی به بررسی نقش عقل
پرداخت و از آن به عنوان چراغ الهی یاد کرد و گفت: عقل یک نورافکن جهانی و قوی
است که صراط او راه را به انسان نشان می دهد.

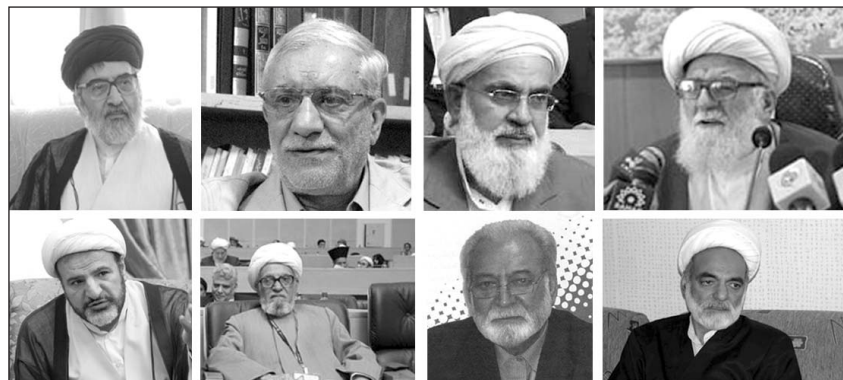
وی با اشاره به اینکه خاصیت عقل سراج منیر است بیان داشت: این سراج را خدا در
دل ما خلق و روشن کرده است اما بشر آمد و گفت این بشری است نه الهی.

آیت الله جوادی آملی با بیان اینکه ما غیر از اسلام چیزی نداریم گفت: بشر همانطور
که تعداد رکعات نماز در روایت آمده می خواهد ساختن زیر دریایی و ... هم در روایات
باشد سر این قضیه نیز در این است که عقل را بشری کرده اند. استاد برجسته حوزه علمیه
قم تصریح کرد: بسیاری از ما انسانها اسلامی حرف می زنیم و قارونی فکر می کنیم.

آیت الله جوادی آملی ادامه داد: قارون می گفت انما اوتیتم علی علم من عدی؛ یعنی من
خودم زحمت کشیدم پیدا کردم و اگر غیر از این می گفت داعیه نداشت. این مفسر قرآن کریم
تصریح کرد: ما بجای اینکه بگوئیم این نعمت از جانب خداوند آمده است عقل را مال خود
دانسته و آنچه مال خداوند است را از او قطع کرده ایم. آیت الله جوادی آملی با تأکید بر اینکه
عقل به هیچ وجه حاکم نیست بلکه کاشف است گفت: تنها کار عقل راهنمایی است.

وی همچنین اظهار داشت: دستورات طیب نیز گرچه صورت و ظاهر آن انشایی
است اما سیرت آن اخبار است و فقط راهنمایی می کند، وعاظ، مبلغان و روحانیون نیز
همین گونه هستند. استاد برجسته حوزه علمیه قم همچنین در بخش دیگری از سخنانش
مسئله حسن عدل و قبح ظلم را مورد بررسی قرار داد و افزود: همه وجوب از خداوند است
و چیزی بر او واجب نیست، هیچ چیز در جهان خارج از فعل خدا نیست که حاکم بر او
باشد بنابراین نمی شود گفت العدل حسن نسبت به خدا و غیر خدا یکسان است بلکه ما
رابط حسن و عدل را از هستی ذات قدس اله داریم. آیت الله جوادی آملی در ادامه با اشاره
به اینکه زمانی اخبار و افعال انسان متصف به حق می شود که مطابق با واقعیت و حقیقت
خارجی باشد گفت: حقیقت خارجی حقی است که به ذات اقدس الهی قائم است و به
سوی او در سیر است. وی تأکید کرد: حقیقت خارجی من الله، بالله و الی الله است.

استاد درس خارج حوزه علمیه قم با بیان اینکه انسان کامل حق محور است خاطر
نشان کرد: اینکه گفته می شود علی مع الحق و الحق مع علی مقصود حقی است که از
جانب خداوند می باشد.



ویژه نامه بیستمین سالگرد تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

گفتگوهای با آیت الله تسخیری، آیت الله واعظ زاده خراسانی، مولوی اسحاق مدنی، دکتر آذرشب

استاد خسرو شاهی، دکتر تبرائیان و حجج اسلام والمسلمین اوحدی و دکتر تسخیری

صفحات ۱۴ تا ۱۶

آیت الله مقتدایی:

عده ای به دنبال انزوای حوزه هستند

صفحه ۱۶

حجت الاسلام والمسلمین بنایی:

با شناخت دقیق جایگاه روحانیت، توطئه ها خنثی می شود

صفحه ۱۶

حضرت آیت الله سبحانی در نامه ای به شیخ الازهر:

مبلغان تقریب باید برای تقویت وحدت اسلامی تلاش کنند

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
و بعد: فقد اطلعنا علی موقفکم الرسالی بالنسبة الی عامة
الفرق الاسلامیة، وینها المذهب الشیعی الامامی، فسرنا به.
ان موقفکم هذا قد سبقکم الیه رجال مخلصون من
الشیعة والسنة - کما تذکرون انتم - وعلی رأسهم الحاج
حسین بروجردي المرجع الاعلی للشیعة فی عصره،
والشیخ محمود شلتوت شیخ الازهر رضوان الله علیهما،
فانتم خیر خلف لهما، ولجماعة دار التقرب.
لا ریب فی أن الامة الاسلامیة أمة واحدة کما سماهم
الله سبحانه اذ قال: **أَنْ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّکُمْ**
فَاعْبُدُونِ (الأنبیاء: ۹۲) وکلو اختلف علماءهم فیما روی
عن النبی، ولکنهم لم یختلفوا فی نبیهم وهذه قضیة رایبة
للمسلمین عامة.

و فی هذه الاجواء الشائكة التي یسعی فیها العدو
لاشعال نار الفرقة وتأجيج الخلاف بین الفرق الاسلامیة عن
طریق وسائل الاعلام المختلفة، یجب علی صالحی
المؤمنین ودعاة التقرب السعی الی تقریب الخطی و تعزیز
الوحدة الاسلامیة تحت ظل الاعتقاد برب واحد و کتاب
واحد و رسول واحد و قبله الواحد و شریعة موحدة، وبها
وبامثالها یرصد قول القائل ان ما یجمعنا اکثر مما یفرقنا و
نعم قال الشاعر المقلد الازهری محمد عبدالغنی (رضی الله
عنه):

انا لتجمعنا العقيدة أمة و یضمنا دین الهدی أتباعا
و یؤلف الاسلام بین قلوبنا ذهنا فی الهوی اشیاعا
وفقکم الله تعالی لنصرة الاسلام، و سدّد خطاکم علی
طریق التضامن و التکاتف بین المسلمین جمیعاً
و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

حضرت آیت الله سبحانی در نامه ای خطاب به دکتر
احمد الطیب، شیخ الازهر از مواضع وی درباره وحدت
اسلامی و مذمت تکفیر شیعیان تمجید کرد.

این مرجع تقلید در این نامه تصریح کرد: موضع شما
درباره مذاهب اسلامی از جمله مذهب شیعه امامیه باعث
سرور و خوشحالی شد.

وی با اشاره به مشی وحدت آفرین گذشتگانی چون
آیت الله العظمی بروجردي و شیخ شلتوت ابراز کرد: جناب
عالی، بهترین جانشین برای چنین شخصیت هایی و
مجموعه دارالتقرب مصر هستید.

آیت الله سبحانی تلاش دشمنان برای بر افروختن
آتش تفرقه و اختلاف بین مسلمانان را مورد توجه قرار
داد و اظهار کرد: در این فضای آشفته که دشمنان برای
اهداف خود از رسانه های مختلف تبلیغاتی بهره
می گیرند، مومنان صالح و مبلغان تقریب باید برای
همگرایی و تقویت وحدت اسلامی در سایه اعتقاد به
خدا، کتاب، پیامبر و قبله واحد تلاش کنند.

وی با اشاره به یکی از آیات شریفه قرآن گفت: خدای
متعال بر این مسأله تأکید کرده است که مسلمانان، امت
واحدی هستند.

این مرجع تقلید افزود: اگر اندیشمندان اسلامی در
روایات نقل شده از پیامبر (ص) اختلاف داشته باشند در
پیامبر خود اختلافی ندارند.

نسخه اصلی و عربی نامه آیت الله سبحانی خطاب به
شیخ الازهر به این شرح است:

سماحة الدكتور الشیخ احمد الطیب شیخ الازهر
الشریف المحترم

رهبر معظم انقلاب تأکید کردند:

هویت مستحکم و تأثیر گذار جامعه مدرسین حفظ شود

حمایت از امام خمینی (ره) و پرداخت هزینه امضای این بیانیه ها، امتحان خود را داد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز این نهاد در دوران مخلوط شدن خطوط، قاطعانه بر خط امام (ره) پافشاری کرد. حضرت آیت الله خامنه ای علت تلاش برخی افراد و جریانها در سالهای اول انقلاب اسلامی برای انحلال جامعه مدرسین را ایستادگی جامعه بر خط مستقیم امام بزرگوار (ره) و تأثیر گذاری آن دانستند و خاطرنشان کردند: مجاهدتها و روشنگریهای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در روند تاریخ و حرکت انقلاب اسلامی تأثیر مهمی داشته است. ایشان با تأکید بر لزوم حفظ هویت مستحکم و تأثیرگذار جامعه مدرسین، آن را نیازمند برخی مقدمات دانستند و افزودند: یکی از وظایف مهم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم حفظ و تقویت ارتباط با مراجع بزرگوار است زیرا جامعه مدرسین خاستگاه مراجع محترم است و برخی از آنان، از اعضای جامعه مدرسین بوده اند. رهبر انقلاب اسلامی، تقویت ارتباط با مردم بویژه بررسی شیوه های جدید ارتباط، و ایجاد اتاق

حضرت آیت الله خامنه ای با تأکید بر لزوم حفظ هویت مستحکم و تأثیرگذار جامعه مدرسین، آن را نیازمند برخی مقدمات دانستند و فرمودند: یکی از وظایف مهم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم حفظ و تقویت ارتباط با مراجع بزرگوار است زیرا جامعه مدرسین خاستگاه مراجع محترم است و برخی از آنان از اعضای جامعه مدرسین بوده اند. حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس و اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جامعه مدرسین را نهادی ریشه دار، امتحان داده در دوران نهضت اسلامی و بعد از پیروزی انقلاب، مستحکم در خط امام و انقلاب و بی نظیر در حوزه خواندن و تأکید کردند: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم باید با حفظ همان هویت مستحکم خود به عنوان یک خط شاخص برای حوزه و همچنین برای فضای عمومی کشور باقی بماند. رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به سابقه مجاهدت و مبارزه اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در دوران اختناق ستمشاهی افزودند: در آن دوران سخت، جامعه مدرسین با صدور بیانیه هایی در

حضرت آیت الله خامنه ای:

باید حق و باطل را با بصیرت تشخیص داد نه با چهره ها و اشخاص

سی سال گذشته، از جمله نقش تعیین کننده و مبتکرانه بسیج در دوران دفاع مقدس تأکید کردند: حرکت و رشد بسیج در ابعاد کمی و کیفی همواره رو به جلو بوده و بسیج توانسته است در مقابل وسوسه ها ایستادگی کند. رهبر انقلاب اسلامی سه عنصر بصیرت، اخلاص و عمل به هنگام و به اندازه را شاخص حرکت بسیج خواندند و افزودند: یکی از موفقیت های بسیج، افزایش توانایی و بصیرت خود در مقابل پیچیده شدن توطئه های دشمنان است که قضایای فتنه سال ۸۸ مؤید این موضوع است. حضرت آیت الله خامنه ای خاطرنشان کردند: در فتنه سال ۸۸ خیلی ها اشتباه کردند و از این جمع، بسیاری هم بعد از مدتی اشتباه خود را تصحیح کردند اما حرکت عظیم بسیج با حفظ پرچم بصیرت، مسیر را اشتباه نکرد و توانست در صراط حق بماند. ایشان با تأکید بر اینکه شاخص تشخیص حق، چهره ها نیستند افزودند: برخی اوقات، چهره های موجه نیز مسیر را به اشتباه می روند بنابراین باید با بصیرت، حق و باطل را تشخیص داد و نه با چهره ها و اشخاص.

رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: امام (ره) می فرمود: اگر من از اسلام جدا شوم، مردم از من روی گردان خواهند شد، پس ملاک تشخیص حق، اسلام است و باید با بصیرت، نقشه دشمن را متوجه شد. حضرت آیت الله خامنه ای در تبیین اخلاص به عنوان دومین عامل مؤثر در حرکت بسیج تأکید کردند: اخلاص به معنای حرکت با انگیزه الهی و تأثیرناپذیری از انگیزه های شخصی، گروهی، فامیلی و رودربایستی های رفتاری است. ایشان عمل بهنگام و به اندازه را نیز بسیار مهم دانستند و خاطرنشان کردند: دوری از افراط و تفریط در عمل یکی از ضروریات حرکت بسیج است زیرا به همان اندازه که عمل نکردن مضر است، عمل افراط آمیز هم ضرر دارد.

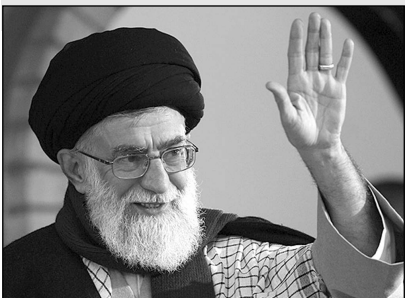
رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه نباید ذره ای از شور انقلابی جوانان بسیجی کاسته شود، افزودند: این شور انقلابی باید هر روز افزایش یابد اما باید مراقب بود که در جای خود استفاده شود.

فکر و نواندیشی را از دیگر مسائل ضروری برای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم برشمردند و تأکید کردند: جامعه مدرسین باید از طریق جذب مستمر طلاب نخبه و فضایی خوب حوزه، بدنه ای قوی، گسترده و کارآمد تشکیل دهد تا از دیدگاهها و نظرات آنان در موضوعات مختلف استفاده شود. حضرت آیت الله خامنه ای در ادامه با اشاره به مطالبی که برخی از اعضای محترم جامعه مدرسین درخصوص مسائل فرهنگی و صدا و سیما بیان کردند، افزودند: من بخشی از نقایص موجود در مسائل فرهنگی بویژه صدا و سیما و آموزش و پرورش را متوجه روحانیت و حوزه علمیه می دانم زیرا وظیفه جهت دهی صحیح فرهنگی و منطبق با ارزشها و اعتقادات دینی برعهده روحانیت و حوزه علمیه است. رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: حضور روحانیون در صدا و سیما فقط به معنای سخنرانی و وعظ و خطابه نیست بلکه باید حضوری عمیق تر و تأثیرگذارتر باشد. حضرت آیت الله خامنه ای تأکید کردند: انجام این وظیفه مهم نیازمند مجموعه ای روحانی و

مطلع از مسائل هنری بویژه چگونگی بروز انحراف در این مسائل و آشنا با راههای جلوگیری از انحراف در جهت گیریهای فرهنگی و هنری است. ایشان افزودند: لازمه تشکیل چنین مجموعه ای از مشاوران روحانی صاحب نظر و آگاه و توانا در صدا و سیما، امکان اعمال نظر و جهت دهی صحیح در برنامه ها است.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه آموزش و پرورش نیز مرکزی بسیار مهم و فرهنگی و برخلاف صدا و سیما، مسائل آن غیر آشکار است، خاطرنشان کردند: روحانیت و حوزه علمیه در این شبکه عظیم فرهنگی و تربیتی وظیفه ای مهم و حساس دارند و باید نیروهایی را تربیت کنند که توانایی تأثیرگذاری و جهت دهی صحیح فرهنگی در آموزش و پرورش را داشته باشند.

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: حوزه علمیه به عنوان قلب روحانیت شیعه، می تواند ظرفیت گسترده ای برای نظام اسلامی درخصوص مسائل رسانه ای، آموزش و پرورش و تربیتی فراهم کند.



دنیا دلیل و بی آبرو شده است در حالیکه امروز آبروی جمهوری اسلامی ایران در میان ملتهای دنیا نه تنها کاهش پیدا نکرده بلکه افزایش هم یافته است.

رهبر انقلاب اسلامی، استقبال بی نظیر مردم لبنان از رئیس جمهوری اسلامی ایران را نمونه ای از این واقعیت برشمردند و تأکید کردند: این استقبال پرشکوه برای رئیس جمهور هیچ کشوری در هیچ جای دنیا اتفاق نخواهد افتاد و موضوع سفر رئیس جمهوری اسلامی ایران به لبنان و استقبالی که انجام شد، نباید دست کم گرفته شود.

حضرت آیت الله خامنه ای خاطرنشان کردند: امروز اگر مسئولان برجسته نظام اسلامی به هر کشور اسلامی بروند و فضا برای مردم باز گذاشته شود، همانند استقبال مردم لبنان، روی خواهد داد. ایشان این قضایا را عظمت و افتخار ملت ایران خواندند و افزودند: اگر دولت، دولتی منقطع از مردم بود و میلیونها جوان با انگیزه از آن حمایت نمی کردند، قطعاً چنین اتفاقی در لبنان روی نمی داد.

رهبر انقلاب اسلامی همچنین به تبلیغات مخالفان نظام درخصوص بسیج اشاره و خاطرنشان کردند: دشمن در برهه ای، تبلیغات جهانی خود را بر بسیج متمرکز و بسیج را بمباران تبلیغاتی کرد تا آن را از چشم مردم بیاندازد اما بسیج به یک هویت درخشنده و مظهر عزم و اراده، تبدیل شده است.

حضرت آیت الله خامنه ای با تأکید بر اینکه آینده ملت ایران و امت اسلامی بهتر و درخشان تر خواهد بود، افزودند: فاصله پیشرفت ملت ایران با وضعیت کنونی قطعاً بیشتر از فاصله ای خواهد بود که امروز ملت ایران با سی سال پیش دارد.

ایشان خاطرنشان کردند: حرکت توقف ناپذیر ملت ایران در خط اسلام و قرآن، آینده ای تابناک و پیشرفته را برای ایران اسلامی نوید می دهد و این موضوع بر دنیای اسلام و بیداری بیشتر ملتهای مسلمان تأثیر گذار خواهد بود.

مقام معظم رهبری در دیدار با علما، روحانیون و طلاب قم؛

تقسیم روحانیت به آخوند حکومتی و غیر حکومتی غلطی فاحش است



فرصت آفرین است چرا که انگیزه تحرک نظری و غیرت پاسخگویی به شبهات را تقویت می کند و به شهادت نمونه های فراوان تاریخی، موجب ترویج و تعمیق معارف اسلامی می شود. ایشان در استدلالی دیگر برای رد مغالطه لزوم دوری حوزه علمیه قم از سیاست و مسائل جهانی به این واقعیت اشاره کردند که این بی تحرکی و خنثی بودن، باعث متوقف شدن دشمن نمی شود بلکه او را به

تعدی و خصومت بیشتر تشویق می کند.

نسبت دادن حکومت آخوندی به جمهوری اسلامی تهمت و دروغی آشکار است

سخنان رهبر انقلاب اسلامی در اجتماع بسیار عظیم علما، فضلا و طلاب قم با تبیین ضرورت هوشیاری در مقابل دو مفهوم غلط و انحرافی یعنی "حکومت آخوندی" و نیز تقسیم روحانیت به آخوند حکومتی و غیر حکومتی ادامه یافت.

ایشان در تشریح اهداف دشمنان اسلام و نظام در تبلیغ و پیگیری این دو مفهوم انحرافی تأکید کردند: آنها می خواهند نظام را از پشتوانه عظیم فکری، عقلی و استدلالی علما محروم کنند و به خیال خود روحانیت انقلابی و حاضر در صحنه را منزوی و بدنام سازند که باید با این اهداف، هوشیارانه مقابله کرد.

حضرت آیت الله خامنه ای برای روشن شدن ابعاد تاکتیک دشمن در طرح این دو مفهوم انحرافی به تشریح نسبت متقابل روحانیت و نظام اسلامی پرداختند و تأکید کردند: نسبت حوزه های علمیه با نظام اسلامی، "حمایت و نصیحت" و "دفاع در کنار اصلاح" است.

ایشان در همین بحث، نسبت دادن حکومت آخوندی به جمهوری اسلامی را تهمت و دروغی آشکار دانستند و افزودند نظام اسلامی، حکومت دین و ارزشهای دینی است نه حکومت افراد روحانی.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: در نظام اسلامی، صرف روحانی بودن برای به دست گرفتن مسئولیتهای حکومتی کافی نیست چرا که "روحانی بودن" به تنهایی صلاحیت آور نیست همچنانکه موجب سلب صلاحیت هم نمی شود.

تقسیم روحانیت به آخوند حکومتی و غیر حکومتی غلطی فاحش است

رهبر انقلاب اسلامی تقسیم روحانیت به آخوند حکومتی و غیر حکومتی را غلطی فاحش دانستند و خاطرنشان کردند: رفتن به سمت حکومت و مسئولیتهای حکومتی مانند هر هدف دیگر اگر برای مسائل دنیوی و هوای نفس باشد مردود است اما اگر یک روحانی با اهداف معنوی و الهی، از نظام حمایت و یا مسئولیتهای حکومتی قبول کند این کار، از برترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و مصداق بارز مجاهدت فی سبیل الله است.

سخنان مهم حضرت آیت الله خامنه ای، در این اجتماع عظیم با تبیین "دو مفهوم و حقیقت ارزش آفرین یعنی تکیه نظری و علمی نظام به حوزه های علمیه" و "عدم بی تفاوتی حوزه و روحانیت در قبال نظام" ادامه یافت.

نظام اسلامی محتاج علمای دین و حوزه های علمیه است

ایشان در باب نکته اول خاطرنشان کردند: نظام اسلامی به لحاظ نظری و علمی، محتاج علمای دین و حوزه های علمیه است و به تلاشهای آنها مستظهر

رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بسیار عظیم و پرشور علما، فضلا، اساتید، مدیران مدارس و طلاب حوزه علمیه قم در سخنان مهمی تقسیم روحانیت به آخوند حکومتی و غیر حکومتی را غلطی فاحش دانستند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بسیار عظیم و پرشور علما، فضلا، اساتید، مدیران مدارس و طلاب حوزه علمیه قم در سخنان مهمی به تبیین ابعاد مختلف تحول و مدیریت تحول در حوزه ها پرداختند و با تشریح مغالطه هایی که درباره ارتباط متقابل حوزه های علمیه و نظام اسلامی وجود دارد، تاکتیکهای دشمنان اسلام را برای تضعیف نظام اسلامی و منزوی کردن حوزه ها و روحانیت بیان کردند.

قم، پایگاه اصلی معارف اهل بیت (علیهم السلام) است

رهبر انقلاب اسلامی در اجتماع عظیم علما، اساتید، فضلا و طلاب در شبستان امام خمینی (ره)، صحن صاحب الزمان (عج) مسجداعظم و صحن اتابکی حرم حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها، شهر مقدس قم را مرکز معرفتی دنیای اسلام خواندند و افزودند: قم، امروز هم، مانند دوران پس از حضور مبارک حضرت معصومه سلام الله علیها، پایگاه اصلی معارف اهل بیت (علیهم السلام) است و می تواند مانند قلبی فعال و پرتحرک خون معرفت و بیداری و بصیرت را در سراسر پیکر امت اسلامی جاری سازد.

ایشان تلاش و مجاهدت دهها هزار طلبه را در قم برای فراگیری و ترویج معارف اسلام، پدیده بی نظیری دانستند و با اشاره به توجه نگاه جهانی به حوزه علمیه قم افزودند: قم هیچگاه به اندازه امروز در تحولات و سیاستهای بین المللی مؤثر نبوده و به علت همین موقعیت ممتاز، هیچگاه به اندازه امروز دوست و دشمن نداشته است.

حضرت آیت الله خامنه ای در همین بحث به مغالطه ای اشاره کردند که ورود حوزه علمیه به مسائل سیاسی و چالشی را باعث افزایش دشمنی ها و کاهش احترام به حوزه، معرفی و تبلیغ می کند.

رهبر انقلاب اسلامی در پاسخ به این مغالطه به تشریح این واقعیت پرداختند که هرگز هیچ مجموعه با ارزشی به علت انزوا و گوشه گیری و خنثی حرکت کردن، مورد احترام واقعی قرار نمی گیرد چرا که فقط موجودات زنده، فعال و منشأ اثر هستند که احترام حقیقی دوستان و حتی دشمنان را بر می انگیزند.

ایشان در ادامه استدلال برای رد مغالطه ای که انزوا و بی تحرکی حوزه علمیه قم را دنبال می کند حاشیه گزینی و انفعال حوزه علمیه قم را منجر به حذف تدریجی آن دانستند و خاطرنشان کردند: روحانیت شیعه در کلیت خود همواره در متن حوادث اجتماعی و سیاسی بوده است و به همین علت دارای عمق و نفوذی است که هیچ مجموعه روحانی اسلامی و غیر اسلامی در جهان از آن برخوردار نیست.

رهبر انقلاب اسلامی دومین دلیل ضرورت تحرک و پویایی حوزه علمیه در مسائل سیاسی و جهانی را تقویت دین اسلام برشمردند و افزودند: روحانیت سرباز و خادم دین است و اگر منفعلانه حرکت کند قطعاً دین ضربه خواهد خورد و این مسئله با فلسفه وجودی روحانیت در تضاد است.

حضرت آیت الله خامنه ای، حضور روحانیت در صحنه را موجب تحریک دشمنی ها برشمردند اما افزودند: باید توجه کرد که این دشمنی ها در جمع بندی کلی، و در صورتی که ما زنده و آگاه باشیم

رهبر انقلاب اسلامی برای پاسخگویی به این سؤال به حفظ استقلال تاریخی حوزه ها چه در دوران حکومتهای معارض با دین و چه در زمان حکومتهای شیعی اشاره کردند و افزودند: علمای دین حتی هنگامی که به برخی حکومتهای شیعه کمک می کردند هرگز در قبضه حکومتها قرار نگرفتند و روحانیت شیعه همچنان که در تاریخ خود مستقل بوده امروز و در آینده نیز به فضل الهی، مستقل خواهد بود.

ایشان ضمن تأکید بر استقلال حوزه ها، هوشیاری در مقابل برخی تلاشها برای ایجاد مغالطه در این زمینه را ضروری خواندند و افزودند: عده ای می خواهند به نام "استقلال"، رابطه حوزه ها را با نظام قطع کنند اما واضح است که وابستگی غیر از حمایت و همکاری است و می توان در عین استقلال، به همکاری متقابل نیز پرداخت.

حضرت آیت الله خامنه ای، نظام اسلامی را مدیون حوزه ها دانستند و افزودند: نظام موظف است بدون اینکه در مسائل حوزه ها دخالتی کند به آنها کمک نماید چرا که مسائلی در این مجموعه ها وجود دارد که جز با کمک بیت المال، حل آنها ممکن نیست.

ایشان، موضوع معیشت طلاب را از کمکهای نظام به حوزه ها، جدا دانستند و تأکید کردند: معیشت طلاب باید بر اساس همان سنت پر معنای حوزه ها از طریق وجوهات مردم اداره شود چرا که این مسئله، یکی از رموز ارتباط دلنشین و مستحکم مردم با حوزه هاست.

رهبر انقلاب اسلامی، حمایت های گوناگون نظام اسلامی از حوزه ها را فقط به کمک های مالی محدود نکردند و خاطرنشان کردند: امروز به فضل الهی و با حمایت نظام، مهمترین و عمومی ترین تریبونهای ملی در اختیار علما و مراجع معظم است و افزایش پشتیبانی های مختلف از نظام، وظیفه همه دولتهاست.

نظام اسلامی و در دل آن حوزه های علمیه، دو جریان عظیم و با یک سر نوشت هستند

حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به لزوم مرزبندی مسئله "استقلال" با ارتباط متقابل نظام و حوزه ها، خاطرنشان کردند: نظام اسلامی و در دل آن حوزه های علمیه، دو جریان عظیمی هستند که از زوایا و ابعاد فراوان به هم مرتبط و متصلند و در واقع سر نوشت آنها یکی است.

ایشان خاطرنشان کردند: اگرچه هرگونه ضربه به نظام اسلامی، موجب لطمه شدید به حوزه ها و اهل دین خواهد بود اما نظام اسلامی، زنده و قوی است و مطمئناً بر همه چالشهای پیش رو پیروز خواهد شد.

هر کسی در اجتهاد به شیوه های غیر اصولی روی آورد، کار او مردود است

حضرت آیت الله خامنه ای در آخرین بخش از سخنانشان در جمع علما، اساتید، فضلا و طلاب قم، به تبیین موضوع مهم "تحول در حوزه های علمیه" پرداختند.

ایشان در تشریح تفاوتهای اساسی تحول صحیح و مثبت با تحول غلط و انحرافی به بعضی مصداقهای روشن اشاره کردند و افزودند: اگر تحول را، به معنای تغییر خطوط اصلی حوزه ها مثلاً تغییر متد اجتهاد بدانیم این برداشت کاملاً انحرافی است و تحولی به سمت سقوط خواهد بود.

رهبر انقلاب اسلامی شیوه رایج اجتهاد در حوزه را از قوی ترین و منطقی ترین شیوه ها خواندند و تأکید کردند: امروز هر کسی و تحت هر نامی اگر در

و پشتگرم است.

رهبر انقلاب در تشریح بیشتر این حقیقت افزودند: به علت ذات و ماهیت دینی جمهوری اسلامی، نظریه پردازی در همه عرصه ها از جمله سیاست، اقتصاد - مدیریت، مسائل تربیتی و دیگر مسائل مطرح در اداره کشور، بر عهده علمای دین یعنی کسانی است که اسلام را می شناسند و متخصص این امر هستند.

حضرت آیت الله خامنه ای، خلاء نظریه پردازی دینی در عرصه های مختلف اداره کشور و جامعه را موجب نفوذ و جایگزینی نظریه های غربی و غیردینی دانستند و خاطرنشان کردند: تأکید مکرر اینجانب بر ضرورت توجه به علوم انسانی در دانشگاهها، ناشی از همین واقعیت است.

ایشان افزودند: علوم انسانی رایج، متکی بر جهان بینی دیگری غیر از جهان بینی الهی است و مدیران آینده کشور را بر اساس اهداف جهان بینی غربی و مادی تربیت می کند که لازم است حوزه های علمیه و علمای دین برای جلوگیری از این انحراف، نظریه های اسلامی را در زمینه های مختلف مشخص و برای برنامه ریزی در اختیار مسئولان بگذارند.

پاسخگویی حوزه های علمیه به شبهات مختلف از مصادیق تکیه نظام اسلامی بر علمای دینی است

رهبر انقلاب اسلامی، پاسخگویی حوزه های علمیه به شبهات مختلف را از دیگر مصادیق تکیه نظام اسلامی بر علمای دین خواندند و افزودند: هدف دشمنان نظام از تزریق مستمر شبهات گوناگون دینی، سیاسی و اعتقادی به جامعه، مخدوش کردن مبانی نظام اسلامی است لذا اقدام علما و فضایی حوزه ها در برطرف کردن این شبهات غبارانگیز از ذهن جامعه، کمک به نظام اسلامی است و نظام در واقع از این زاویه نیز به حوزه ها، متکی است.

حضرت آیت الله خامنه ای، در تشریح یک حقیقت دیگر یعنی بی اعتنا نبودن حوزه های علمیه به نظام اسلامی، روحانیت و حوزه ها بخصوص حوزه علمیه قم را "مادر و به وجود آورنده" نظام خواندند و بر این نکته تأکید کردند که یک مادر، هرگز نمی تواند نسبت به فرزند خود غافل و بی تفاوت باشد و یا در هنگام لزوم از او دفاع نکند.

ایشان در جمع بندی این بخش از سخنانشان خاطرنشان کردند: نسبت حوزه های علمیه و نظام، "حمایت، همکاری و کمک متقابل" است.

حوزه ها باید مستقل باشند اما نه به این معنا که رابطه حوزه ها با نظام قطع شود

مسئله استقلال حوزه ها از دیگر نکاتی بود که حضرت آیت الله خامنه ای با طرح یک سؤال به تبیین ابعاد مختلف آن پرداختند: آیا حمایت نظام از حوزه های علمیه، به استقلال آنها خللی و لطمه ای وارد می کند یا نه؟

اجتهاد، به شیوه های غیر اصولی و غیرمتعارف روی آورد، کار او غلط و مردود است.

حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به برخی افراد که برای رعایت پسند و عرف عمدتاً مادی دنیا و حتی برای خوش آمد استکبار، فتوا صادر می کنند افزودند: کسی فتوا داده است که تلاش صلح آمیز هسته ای ایران به خاطر اینکه مورد سوءظن قدرتهای بزرگ است مشروع نیست اما ما می گویم استکبار غلط کرده است که به ملت ایران سوءظن دارد. حضرت آیت الله خامنه ای افزودند: البته اگر اجتهاد افراد، براساس شیوه های رایج و صحیح حوزه ها به فتاوی متفاوت منجر شد هیچ ایرادی ندارد بلکه موجب بالندگی و پیشرفت حوزه ها خواهد بود.

حرکت نو به نوبی اجتهادی اساس تحول حوزه هاست

رهبر انقلاب اسلامی حوزه های علمیه را به حضور فعال در عرصه های جهانی فلسفی، فقهی و کلامی توصیه کردند و افزودند: حوزه باید با توجه به نظریات مکاتب گوناگون در مسائل مختلف، برای همه مسائل و نیازهای مطرح در جهان پاسخهای مستدل، قوی و قانع کننده ارائه کنند.

ایشان، وجود وسائل ارتباطاتی پیشرفته را فرصتی برای انتشار سریع پاسخهای حوزه های علمیه به نیازهای داخلی و جهانی دانستند و خاطرنشان کردند: تبیین "معرفت شناسی" و تفکر سیاسی و اقتصادی" اسلام، تشریح مفاهیم فقهی و حقوقی و بیان دقیق و علمی نظام اخلاقی و تربیتی اسلام از جمله مسائلی است که حوزه ها می توانند

در سطح جهانی به آنها بپردازند.

رهبر انقلاب اسلامی در ادامه بحث ضرورت تحول در حوزه ها، حرکت نو به نوبی اجتهادی را اساس این تحول خواندند و افزودند: تحول و دگرگونی امری اجتناب ناپذیر است و مراجع، بزرگان و اندیشمندان حوزه باید آن را برنامه ریزی و هدایت و مدیریت کنند. ایشان به عنوان مصداقی دیگر از برداشتهای انحرافی از مفهوم تحول، به رها کردن شیوه های سنتی بسیار کارآمد حوزه در بحث تعلیم و تعلم اشاره کردند و افزودند: این شیوه های سنتی، به تدریج مورد توجه جهان نیز قرار گرفته است و اگر کسانی به عنوان تحول، به دنبال تضعیف این شیوه ها باشند، این حرکت قطعاً ارتجاعی و نتایج آن غیرقابل قبول است.

شیوه انتخاب آزادانه استاد، اشکال گرفتن به استاد، فکر کردن، مطالعه و پرهیز از حفظ صرف مطالب، مباحثه، احترام به استاد و رعایت حقوق متقابل استاد و شاگرد از جمله روشهای صحیح و سنتی رایج در نظام تعلیم و تعلم حوزه ها است که رهبر انقلاب اسلامی برای ایجاد تحول در حوزه ها بر تقویت آنها تأکید کردند.

حضرت آیت الله خامنه ای، انطباق تلاشها و فعالیتهای علمی حوزه ها با نیازهای مردم و جامعه را از دیگر ضروریات تحول مثبت در حوزه ها دانستند و افزودند: در روند تحول در حوزه ها، باید نظام رفتاری و اخلاقی "نیز مورد توجه قرار گیرد.

رهبر انقلاب اسلامی، تکریم مراجع معظم تقلید را از نکات مثبت نظام رفتاری حوزه برشمردند و

رئیس جامعه المصطفی العالمیه :

استقلال حوزه نافی تعامل با بیرون نیست

رسمی با رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران داشتند و در این دیدار عشق و علاقه مندی خود را نشان دادند. رهبر معظم انقلاب هم در این دیدار گفتند که حضور طلاب غیر ایرانی در ایران برای کسب علوم حوزوی، حضوری شفاف و مطابق با قواعد علمی است و نمی توان به آن جنبه سیاسی داد. رهبری همچنین توصیه های اخلاقی به این طلاب داشتند و خطاب به این طلاب گفتند که شما به نمایندگی از کشورهای مختلف دنیا در قم و برای کسب علوم اسلامی آمده اید و از این رو، شما پیام آوران علم و اندیشه حقیقی اسلام به تمام نقاط دنیا و کشورهای خود خواهید بود.

فارغ از دیدار طلاب غیر ایرانی با رهبر معظم انقلاب، تحلیل و ارزیابی شما از دغدغه مقام معظم رهبری، مبنی بر اینکه طلاب نباید اقداماتی را صورت دهند، که در جامعه به افراطی گری متهم شوند، چیست؟ سخنان رهبر معظم انقلاب، مجموعه مکمل و به هم پیوسته بی است و باید به صورت مجموعه به آن نگریست؛ درباره دغدغه ایشان در زمینه دوری طلاب از افراطی گری، می توان گفت که درست است که حوزه علمیه باید مدافع نظام و انقلاب باشد و بصیرت داشته باشد، اما این را هم باید توجه داشته

افزودند: مراجع، غالباً قله های علمی حوزه ها هستند و هیچ کسی به راحتی به این موقعیت دست نمی یابد بنابراین مراجع جلیل القدر باید همواره مورد تکریم و احترام همگانی حوزویون باشند.

حضرت آیت الله خامنه ای، تهذیب نفس را از پایه های اساسی استمرار تحول مثبت در حوزه ها خواندند و افزودند: در نظام رفتاری و اخلاقی حوزه ها، باید گرایشها و احساسات انقلابی نیز مورد توجه کامل باشد چرا که دشمنان و دنباله روهای آنان می خواهند با شکسته شدن فضای انقلابی، اهداف شوم خود را دنبال کنند.

ایشان در همین زمینه خاطرنشان کردند: مخالفت فلان فرد با گرایشها و احساسات انقلابی، مسئله ای نیست بلکه مسئله این است که دشمن تلاش میکند با تکیه بر این مخالفت ها فضا سازی کند و حوزه ها باید به این مسئله توجه کامل کنند.

جوانان و طلاب پرشور و انقلابی حوزه ها، امیدهای آینده کشور هستند

ایشان منزوی کردن روحانیون انقلابی و بسیجی، تحقیر شهادت و شهیدان و زیر سؤال بردن دفاع مقدس ملت ایران را از جمله روشهای مخالفان اسلام برای تضعیف فضای انقلابی در حوزه ها برشمردند و بزرگان حوزه را به حساسیت و مراقبت کامل در این باب، توصیه کردند.

رهبر انقلاب اسلامی، جوانان و طلاب پرشور و انقلابی حوزه ها را امیدهای آینده کشور خواندند اما به آنان نیز توصیه کردند: مراقب هرگونه زیاده روی باشند و به دور از افراط و تفریط، به گونه ای عمل کنند که کسی نتواند تهمت افراطی گری به آنها بزند.

باشند که حوزه یک مجموعه منسجم و به هم پیوسته است و نباید کارهایی که به انسجام حوزه لطمه وارد می کند، خدای ناکرده در آن صورت گیرد، نباید رفتارهایی در حوزه صورت گیرد که طلاب به افراطی گری متهم شده و بهانه به دست دیگران دهند.

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی روز اول سفر به قم، روی مسأله تقویت وحدت در جامعه تأکید داشتند و علاوه بر آن در سخنرانی ۱۰ سال پیش شان در قم نیز، چنین دغدغه بی را مطرح کردند؛ تحلیل شما از این موضع مقام معظم رهبری چیست؟

وحدت از نکاتی است که امام راحل هم همواره روی آن تأکید داشتند؛ به نظر بنده محور وحدت می تواند راه و سخنان امام باشد و بهترین مفسر سخنان امام راحل نیز جایگاه ولایت فقیه و ولی فقیه است و امروز نیز همین جایگاه ولایت فقیه می تواند محور وحدت در جامعه ما باشد، تا بتوانیم به وحدت مناسبی در جامعه برسیم.

درباره استقلال حوزه های علمیه نیز، رهبری روی آن تأکید ویژه داشتند، تعریف جنابعالی از استقلال حوزه علمیه چیست؟

درباره استقلال حوزه علمیه، سه دیدگاه

ایشان افزودند: هر فرد انقلابی، ضمن حفظ شور و احساسات خود، باید بصیر و هوشیار، پیچیدگیهای زمانه را درک کند و با پایداری در برابر فشارها و مشکلات، همواره رفتاری منطقی و عقلی داشته باشد.

ایشان، پرهیز از زدن تهمت افراطی گری به نیروهای انقلابی را نیز، ضروری دانستند و خاطرنشان کردند: این تهمت، انحرافی است که دشمن مستقیم و غیرمستقیم آن را دنبال می کند. رهبر انقلاب اسلامی در پایان بحث شان درباره ضرورت تحول در حوزه ها، به لزوم مدیریت این تحولات پرداختند و افزودند: تحول پیچیده، گسترده و همه جانبه در حوزه ها، بدون یک مدیریت قوی و صحیح امکان پذیر نیست و گروهی که مورد تأیید مراجع و بزرگان و صاحب نظران حوزه است باید این مدیریت را به عهده داشته باشد.

حضرت آیت الله خامنه ای همچنین با تأکید بر اهمیت درس و رشته فلسفه، حوزه ها را به توجه بیشتر به علوم عقلی و فلسفه و کلام و نیز رشته تفسیر توصیه مؤکد کردند.

حضرت آیت الله خامنه ای در پایان سخنانشان در اجتماع بسیار عظیم اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم، حضور هزاران طلبه خواهر را پدیده ای عظیم و مبارک دانستند و افزودند: تربیت عالمان، پژوهشگران، فقیهان و فیلسوفان در حوزه های علمیه خواهران و حضور این اندیشمندان در عرصه های جهانی می تواند همچون حضور دانشمندان دانشگاهی، برای انقلاب و ایران، مایه آبروی بیشتر جهانی باشد.



متفاوت مطرح است، که دو مورد آن راه افراط و تفریط را می روند؛ یکی از این تفکرات، آن چنان روی استقلال حوزه تأکید می کند

که نتیجه ای جز منزوی شدن حوزه را در پی ندارد و دیدگاه دیگری که آن هم اشتباه است، حوزه را به سمت تبعیت تصمیماتش از بیرون از حوزه هدایت می کند؛ اما مقام معظم رهبری بهترین تعریف از استقلال حوزه که نگاهی اعتدالی بود را بیان کردند؛ همانطور که ایشان گفتند، حوزه باید مستقل باشد و تصمیمات اتخاذ شده در آن از بیرون، تأثیر نپذیرد، اما این امر معنایش این نیست که حوزه با جریانات بیرونی خود و بویژه با نظام، تعامل سازنده و اصولی نداشته باشد؛ یعنی بهترین تعریفی که برای استقلال حوزه می توان داشت این است که حوزه باید در تصمیمات خود مستقل باشد و در عین حال نیز، همواره با بیرون از حوزه تعامل داشته باشد.

رئیس قوه قضائیه:

سفر مقام معظم رهبری به قم خنثی کننده توطئه دشمنان بود

تدریس و عده ای دنبال کارهای سیاسی هستند، خاطرنشان کرد: با توجه به فرموده مقام معظم رهبری نظام ما حکومت دینی است و حکومت دینی بدون روحانیت معنا و مفهومی ندارد.

رئیس قوه قضائیه با اشاره به رهنمودهای داهیهانه و کارگشای مقام معظم رهبری درباره تبیین مباحث نظری و عملی در حوزه افزود: رهبر انقلاب با این سفر بسیاری از توطئه ها به ویژه توطئه های بعد از انتخابات ریاست جمهوری را خنثی کرد.



آیت الله آملی لاریجانی در جلسه مسئولان عالی قضایی با بیان اینکه عده ای تلاش می کنند بین

روحانیون و نظام فاصله بیاندازند، اظهار کرد: رهبر معظم انقلاب با این سفر بسیاری از توطئه های دشمن را خنثی کرد.

آیت الله صادق آملی لاریجانی، در جلسه مسئولان عالی قضایی با اشاره به سفر پرخیر و برکت مقام معظم رهبری به شهر مقدس قم گفت: استقبال باشکوه و ستودنی مردم، فضلا و روحانیون حوزه های علمیه از مقام معظم رهبری جواب عملی بود به ادعاهای واهی رسانه های مغرض که بحث فاصله گرفتن روحانیت و مراجع

دیدار مراجع تقلید و علما با رهبر معظم انقلاب

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم:

استقبال پرشور مردم قم از رهبر

انقلاب تجدید بیعت با آرمانهای

انقلاب و امام راحل بود

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با صدور اطلاعیه‌ای ضمن حمایت از رهنمودهای مقام معظم رهبری و تشکر از سفر ایشان به قم استقبال پرشور مردم ولایتمدار قم از رهبر معظم انقلاب را حماسه دیگری از حضور و تجدید بیعت با آرمانهای انقلاب و امام راحل عنوان کرد.

در این اطلاعیه آمده است: استقبال پرشور و کم نظیر مردم قهرمان و ولایت مدار قم خاصه عموم طلاب، فضلاء، اساتید و بزرگان حوزه علمیه از رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای «دام ظلّه العالی» حماسه دیگری از حضور و تجدید بیعت با آرمانهای انقلاب و امام راحل را پدید آورد.

این استقبال پرشور در حالی بود که رسانه‌های غربی و صهیونیستی از مدت‌ها پیش با القاء شایعات متعدد سعی در مایوس کردن مردم نسبت به نظام، رهبری، مراجع معظم تقلید و حوزه‌های علمیه داشتند غافل از اینکه ملت شریف ما بدون اعتنا به سخنان حامیان اسلام منهای روحانیت و اسلام منهای سیاست با نظام مقدس جمهوری اسلامی، رهبری معظم انقلاب و روحانیت معظم پیوندی ناگسستنی دارد.

در ادامه این اطلاعیه آمده است: همچنین این حماسه پرشور نشان داد که مراجع معظم تقلید، علمای اعلام و طلاب و فضلاء حوزه علمیه همواره حامی ناصح نظام اسلامی خواهند بود و بر پیوند ناگسستنی دیانت با سیاست و اسلام ناب محمدی پای خواهند فشرد و به این مسئله مباحثات می‌کنند.

در این اجتماعات پرشور رهبر معظم انقلاب همچون نگینی درخشان پرتو می‌افشاند و دل جوانان را از زلال سخنان خود سیراب می‌ساخت و یاد و خاطره امام راحل عزیز را در شهر خون و قیام زنده کرد.

در این میان سخنان بسیار مهم معظم له در جمع اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه وظیفه این مرکز را در برابر حوزه، نظام و مردم دوچندان ساخت.

در بخش دیگری از این اطلاعیه بیان شده است: سماحت و کرامت تمام در ملاقات‌های متعدد و طولانی حاضر و ضمن استماع نظرات بزرگان، اعلام، اساتید، شهروندان، مسئولان و شخصیت‌های لشکری و کشوری متناسب با هر موضوعی رهنمودهای لازم، کافی و گرانسنگی ارائه نمودند که این حاکی از اوج همراهی ایشان با اقشار مختلف مردم بود و با این رهنمودها فصل نوینی فراروی مسئولین و حوزه‌های علمیه گشوده شد.

در پایان اطلاعیه تصریح شده است: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ضمن تبریک این حماسه کم نظیر و قدردانی از بذل عنایت مقام معظم رهبری به این استان شهید پرور و بصیر مراتب حمایت کامل خود را از بیانات معظم له در دیدارهای مختلف اعلام و بر اهتمام مسئولان بویژه مسئولان حوزوی و کشوری در اجرای منویات معظم له تأکید می‌نماید و بر رهنمودهای ایشان بر لزوم تحول و پاسخ‌گویی مداوم به نیازها و مسائل زمان اهتمام می‌ورزد و همزمان برای پیگیری رهنمودهای معظم له تا تحقق کامل آنها آمادگی کامل دارد.



برای برقراری رابطه با مصر، نباید عجله کرد

مصر و رابطه آن با ایران در گفتگویی با رئیس پیشین نمایندگان سیاسی ایران در مصر

جمهوری دوره جدید در مصر، هرگونه اقدام عجولانه به صلاح نیست، چراکه ظاهراً شرایط کنونی مصر، تغییر و تحول خاصی را به دنبال دارد و ثبات و حاکمیت کنونی با توجه به فعال شدن تشکلات سیاسی مخالف، قابل استمرار نیست. رئیس پیشین دفتر سیاسی ایران در مصر همچنین به موانع برقراری مراودات گسترده دیپلماتیک میان ایران و مصر اشاره می‌کند. از نظر او سازمان امنیت عمومی مصر عامل اصلی این مشکل است و تمام مسیرها به این سازمان ختم می‌شود.

مجله "مثلت" چاپ تهران- سال دوم شماره ۴۹، مورخ ۸۹/۷/۲۵

تحریم اهانت به مقدسات مذاهب دیگر یا ناسزاگویی به همسران پیامبر و اصحاب وی، با استقبال شدید شیخ الازهر، احمد الطیب مواجه شد و ایشان در گفتاری این فتوای رهبری ایران را ستود که ظاهراً با واکنش منفی الامن العام روبه رو شد و شیخ در گفت و گویی خواستار برچیدن قبر ابولولو، قاتل عمر بن خطاب، خلیفه دوم در کاشان! برای برقراری روابط بین ایران و مصر شد!

یعنی گویا شیخ جدید الازهر ضمن عدم پذیرش ملاقات با معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان میراث فرهنگی ایران از سرگیری روابط کامل دیپلماتیک میان ایران و مصر را موکول به تخریب کامل مزار ساخته شده به نام ابولولو نمود. البته می‌دانیم که ایجاد روابط در حوزه کاری شیخ الازهر یا وزیر اوقاف یا وزیر گردشگری نیست. بویژه که موضوع مورد نظر از لحاظ تاریخی هم صحت ندارد زیرا که طبق تواریخ معتبر، قاتل خلیفه دوم، پس از ترور خلیفه، نتوانست از مسجد مدینه خارج بشود و در میان هجوم مردم گیر کرد و دستگیر شد اما او، چون از سرنوشت محتوم خود - اعدام - آگاه بود، در فرصتی کوتاه و با همان خنجری که خلیفه را زده بود، ضربتی نیز بر قلب خود زد و همانجا کشته شد و جنازه اش هم در مدینه دفن گردید.

و اصولاً منطقی به نظر نمی‌رسد که کسی در داخل مسجد و در میان مردم خلیفه را به قتل برساند و بعد بتواند از مسجد خارج شود و فرار کند و کسی هم مانع از این فرار نشود!! تا چه رسد به اینکه بتواند از مدینه تا ایران بیاید و در شهر کاشان بمیرد و مردم سنی آن زمان هم برای او آرامگاهی بسازند! که هزار و سیصد و پنجاه سال هم استوار بماند!!

آنچه که ما از بعضی بزرگان شنیده ایم این است که ابولولوء در قرن پیشین یکی از درویش اهل حق در کاشان بوده که به علت مقام عرفانی و خدماتی که برای فقرا انجام می‌داد، مورد احترام مردم قرار داشت و پس از درگذشت، آرامگاهی برای وی ساخته شد... و این شخص اصولاً پیوندی با قاتل خلیفه، جز تشابه اسمی نداشت... با اینحال برای رفع یک شبهه اختلاف انگیز، در سال ۱۳۸۶ شمسی این آرامگاه یا مزار، به دستور بزرگان علم و دین، تعطیل و برچیده شد و مایه تعجب و تأسف است که مقام محترمی در مصر، آن را از نو زنده می‌کند و مطرح می‌سازد!

اتفاقاً برادر عزیز من، دکتر عصام العریان، رئیس دفتر سیاسی اخوان المسلمین مصر، پس از شنیدن این سخنان با شگفتی گفت: من اصلاً نمی‌دانم که در ایران قبری و مزاری برای قاتل عمر بن خطاب وجود دارد یا نه؟ و چگونگی رفتن وی از مدینه تا ایران و کاشان! امر غیرمعقولی به نظر می‌رسد. بهرحال متأسفانه، با توجه به جو حاکم بر الازهر، و تأمین هزینه ها و بودجه کل مدارس و معاهد وابسته به آن و پرداخت حقوق تمام علماء و طلاب مدارس الازهر توسط دولت و وزارت اوقاف، نوعاً اغلب مشایخ عظام هم محاسبات خود

جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری خبر از انعقاد قرارداد مشترک خط پروازی ایران و مصر، پس از گذشت ۳۰ سال بین دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی مصر داد. حال اینکه آیا این گام موجب برداشتن گام های بیشتری در جهت بهبود روابط دو کشور خواهد شد یا خیر؟ و اینکه آینده روابط دو کشور چگونه خواهد شد، مسائلی است که استاد سید هادی خسروشاهی، کارشناس مسائل خاورمیانه و مصر به بررسی آنها پرداخته است. به عقیده وی، اکنون پس از سی سال صبر و پیش از برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست

منفی آن در منطقه باز خواهد شد. مبارک در انتها مطلب خود را اینچنین تکمیل کرد: ایران از ما می خواهد قرارداد صلح با اسرائیل را لغو کنیم ولی ما به این قرارداد پایبند هستیم... آیا با این اظهارات می توان باز از زمینه مساعد برای برقراری روابط حسنه سیاسی بین ایران و مصر سخن گفت یا به آن امیدوار بود؟

به هر حال من به رغم اعتقاد به اینکه برقراری روابط حسنه بین این دو کشور فواید و آثار مثبت بسیاری برای جهان اسلام و عرب دارد و در همه زمینه ها می تواند به سود مسلمانان باشد، ولی با توجه به نوع برخوردها و واکنش ها و نمونه آخر لغو سفر وزیر امور خارجه به مصر در هفته گذشته، می گویم ایران نباید اشتیاق بیش از حد برای این امر از خود نشان دهد، چون همین امر موجب ترس و هراس الامن العام می شود، به ویژه که از عمق علاقه مردم مسلمان مصر به انقلاب اسلامی ایران آگاهی کامل دارد.

به نظر من پس از سی سال صبر اکنون و پیش از برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری دوره جدید در مصر، هرگونه اقدام عجولانه به صلاح نیست. ظاهراً شرایط کنونی مصر، تغییر و تحول خاصی را به دنبال دارد و ثبات و حاکمیت کنونی با توجه به فعال شدن تشکلات سیاسی مخالف، قابل استمرار نیست. درست است که آمریکا همچنان بر بقای حاکمیت کنونی اصرار دارد و آن را مکمل بقای موجودی نامشروع به نام اسرائیل می داند اما اراده ملت ها را آمریکا و حاکمیت های استبدادی به وجود نمی آوردند.

اجرای قانون حکومت نظامی از زمان ترور انور سادات تا به امروز، خفقان سیاسی کامل، محدود شدن انتشار روزنامه های مستقل، نارضایتی عمومی، مخالفت های احزاب سیاسی، بیکاری و فقر اقتصادی مطلق و اقامت و زندگی بیش از سه میلیون نفر در مقابر قاهره طبق آمار منتشر شده در روزنامه الاهرام و... نشان دهنده آن است که مصر در آستانه یک تغییر و تحول بنیادی قرار دارد.

الازهر و شیوخ آن در این رابطه چه نقشی می توانند داشته باشند؟

الازهر و مشایخ آن، تقریباً در کلیت خود هوادار تقریب بین مذاهب اسلامی و در نتیجه علاقه مند به برقراری روابط حسنه با ایران، عراق و لبنان هستند. شیخ سابق الازهر، مرحوم شیخ محمد سید طنطاوی و رئیس کنونی آن، شیخ احمد الطیب که هر دو از دوستان صمیمی اینجانب در مدت اقامت در قاهره بودند، عمیقاً خواستار این روابط هستند اما متأسفانه با توجه به اینکه از دوران جمال عبدالناصر، تعیین شیخ الازهر به عهده ریاست جمهوری واگذار شد، آن استقلال، شکوه و عظمت معنوی و مردمی الازهر از هم پاشید. حتی برخی از مصری ها می گویند که شیخ الازهر یک "موظف" یا کارمند است و در مسائل سیاسی هم مجبور است دنباله رو حاکمیت باشد. در همین جریان اخیر، فتوای مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه ای - حفظه الله - در

مستولان آن کشور قلبا به برقراری روابط سیاسی در سطح بالا با کشور ما علاقه مند هستند. البته مردم مصر هم بدون استئنا تحقق این امر را یکی از آرزوهای خود اعلام می کردند اما در مقابل این اشتیاق و علاقه یک مانع بزرگ بر سر راه است که متأسفانه قدرت تصمیم گیری اصلی هم بر عهده آن است و آن سازمان امنیت عمومی کشور است که در واقع حتی به گفته بعضی از بزرگان مصری پرونده ایران و مصر در اختیار این سازمان است، نه در دست وزارت امور خارجه مصر! حسنی مبارک هم به رغم تمایل قلبی که خود در ضیافت کنفرانس دی - هشت به اینجانب آن را ابراز نمود، در این مسأله تابع نظریه الامن العام است که چندین بار توانسته طرح و نقشه ترور وی را در داخل و خارج خنثی کند و در واقع مبارک خود را مدیون آن می داند و از روی اعتماد به آن سازمان، تصمیم نهایی را به عهده آن گذاشته است. البته نباید فراموش کرد که این سازمان رابطه تنگاتنگی با "سیا"، "موساد" و استخبارات آل سعود دارد که هیچ کدام از آنها رضایت به برقراری روابط نمی دهند. یعنی می توان حدس زد در جایی که ایجاد خط پرواز هوایی مستقیم موجب نگرانی واشنگتن می شود و آن را رسماً هم اعلام می کنند، برقراری روابط حسنه و کامل موجب چه نوع نگرانی برای واشنگتن و تل آویو خواهد بود؟

به عقیده شما برقراری روابط سیاسی میان دو کشور نیازمند چه فاکتورهایی است و ایران باید چه گام هایی بردارد؟ مصر چطور؟

به نظر من تا مشکل اصلی با الامن العام حل نشود هیچ اقدام دوستانه ای از سوی ایران با استقبال مصر روبه رو نخواهد شد. ابراز حسن نیت های گوناگون پیشین از سوی ایران و عدم دریافت پاسخ مثبت از سوی مصر نشان می دهد که هرگونه اقدام دیگری به نتیجه مطلوب نخواهد رسید تا آنجایی که وقتی سخن از ضرورت حسن تفاهم به میان می آید، علاوه بر آقای ابوالغیط خود رئیس جمهوری مصر هم به میدان می آید و در اوج بی انصافی مثلاً در مسأله داشتن دانش هسته ای ایران، با اینکه می داند صلح آموز است همصدا با دشمنان ایران اسلامی اعلام می دارند که این امر منطقه را با خطر جدی روبرو ساخته است. حسنی مبارک یکی، دو هفته قبل در مصاحبه ای با مجله نیروهای مسلح، القوات المسلحه، درباره موانع برقراری روابط سیاسی میان ایران و مصر گفت: "فعالیت های هسته ای ایران، حضور نیروهای افراط گرا و تندرو در این کشور و اصرار ایران بر قطع روابط مصر با اسرائیل از جمله موانع این روابط است." سپس در اظهاراتی مداخله جویانه ایران را به طور ضمنی به تلاش برای دستیابی به سلاح هسته ای متهم کرد و گفت: "مشکل هم اکنون این است که رویارویی درباره مسائل هسته ای ایران کل منطقه را بر لبه پرتگاه می برد." و بعد افزود: "خاورمیانه نیازی به سلاح هسته ای ندارد، چه توسط اسرائیل و چه توسط ایران و در صورت ادامه این وضع باب مسابقه تسلیح هسته ای با همه خطر ها و عوارض

اشاره: روابط دو کشور مسلمان ایران و مصر طی ۵۰ سال اخیر تقریباً همواره با تنش همراه بوده است. در این دوران فقط یک دوره چهار، پنج ساله روی کار آمدن سادات تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روابط ایران و مصر خوب بود که می توان آن را ماه غسل روابط ایران و مصر دانست. در ۳۰ سال گذشته تقریباً همواره روابط دو کشور متشنج بوده است. اما طی ماه های اخیر و به واسطه تلاش های دیپلماتیک گسترده ای که صورت پذیرفت روابط دو کشور اندکی رو به بهبود رفت تا جایی که صبح روز یکشنبه ۱۱ مهرماه حمید بقایی، معاون رئیس

ارزیابی شما از روابط فعلی ایران و مصر چیست؟

به طور کلی باید گفت که روابط ایران و مصر از ۳۰ سال پیش تاکنون حسنه نبوده است. البته می دانیم که دفترهای حافظ منافع دو کشور ایران و مصر، در قاهره و تهران باز و مشغول فعالیت هستند ولی کیفیت و کمیت فعالیت ها متناسب با موقعیت مهم این دو کشور در منطقه، نیست. درواقع با توجه به عملکردها می توان گفت که روابط فعلی بین دو کشور نوعی عدم روابط است که ارزیابی چگونگی آن نیازمند فرصت دیگری است.

علل اصلی عدم برقراری رابطه میان ایران و مصر را در سال های اخیر چه می دانید؟

علل اصلی عدم برقراری روابط درواقع ناشی از تضاد ریشه ای در مسائل سیاسی منطقه ای و بین المللی است. روابط بین دو کشور پس از قرارداد ننگین کمپ دیوید و ایجاد روابط کامل سیاسی با رژیم غاصب صهیونیستی از سوی انور سادات که در واقع ادامه و تکمیل برنامه جمال عبدالناصر پس از پذیرش طرح امریکائی راجرز در این زمینه بود به دستور امام خمینی (ره) قطع شد که در آن زمان یک اقدام کاملاً منطقی، ارزشی و ضروری بود و پس از آن دوران، مسأله کمک همه جانبه مصر به رژیم صدام در جنگ علیه ایران اسلامی، حتی با اعزام نیروهای رزمی به میدان جنگ و سیاست غیر منطقی مصر در رابطه با مسأله فلسطین و پذیرش عملی سیاست های ضد انسانی اشغالگران قدس و امور دیگری از این قبیل باعث شده که روابط حسنه بین دو کشور برقرار نشود. البته در مواردی با توجه به شرایط خاص بین المللی و احساس اینکه باید مصر را به نحوی به اتخاذ روش های منطقی درباره مسائل سیاسی وادار نمود، ایران اسلامی حسن نیت خود را برای اعاده روابط اعلام کرد، ولی در هر مرحله ای مصر با ایجاد مشکلات غیرعقلانی، مانع از تحقق این روابط شد.

آخرین نمونه این اقدام ها نیز پذیرش برداشتن نام "خالد اسلامبولی" از یک خیابان در تهران بود که ظاهراً تنها بهانه مصر برای برقراری روابط بود و اقدامات مقدماتی هم - پس از توافقات طرفین - انجام شد. اما متأسفانه مصر با اشکال تراشی و مطرح ساختن ایرادهای بنی اسرائیلی مانع از تحقق این امر شد و حتی مقامات مسئول مصری به طور رسمی اعلام کردند که مشکل ما فقط مسأله خیابان خالد اسلامبولی نیست بلکه مسائل دیگری است که نخست باید آنها حل شود!

در داخل مصر چه اشخاص یا گروه هایی در این رابطه دخیل هستند؟

من در دوران اقامت سه ساله در مصر و ملاقات های متعدد با تمام شخصیت های مسئول آن کشور، از آقای حسنی مبارک، رئیس جمهوری گرفته تا شیخ محمد سید طنطاوی، شیخ الازهر و تمام وزرای خارجه، گردشگری، اوقاف، اقتصاد، رؤسا و مسئولان احزاب سیاسی چپ و راست قومی و اسلامی و در گفت و گوهای صریح و برادرانه با آنها به این نتیجه رسیدم که نود درصد

قبول "دولت یهودی" در سرزمین غصب شده فلسطین است. حتی در مورد موضع گیری سوریه و مقاومت لبنان و دولت فعلی عراق نسبت به آنچه اسرائیل "نام نهاده اند، معترض است و می گوید که ایران باعث موضع گیری تند و منفی آنها نسبت به اسرائیل" شده است. بنابراین نمی توان تصور کرد که روابط سیاسی ایران و مصر در این زمینه کوچکترین هم آهنگی یا توافقی را ایجاد کند مگر آنکه مصر از موضع گیری های غیرمنطقی خود در دفاع از کیان صهیونیستی غیرمشروع دست بردارد که ظاهرأ این امر هم با توجه به دیدگاه الامن العام و روابط آن با سیا و موساد عملی نخواهد بود.

دعوت می کنیم نیز اجازه سفر به ایران را نمی دهند. آن وقت چگونه به چند صد نفر مصری در هر پرواز اجازه سفر خواهند داد؟

روابط سیاسی ایران و مصر چه تأثیری بر روند مذاکرات خاورمیانه دارد؟

اتفاقاً یکی از مشکلات اساسی مصر در رابطه با ایران موضع گیری ما در مسأله به اصطلاح روند صلح خاورمیانه است. ایران اسلامی در کلیت خود موضوعی به نام صلح خاورمیانه را نمی پذیرد چراکه موجودیت کشوری به نام اسرائیل را به رسمیت نمی شناسد و در نقطه مقابل، مصر خواستار به رسمیت شناختن این رژیم غاصب و

مربوطه، من اطلاع کافی از چگونگی امر ندارم... ولی وقتی مصر حاضر نیست حتی به چهار نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای عبور از مصر و سفر به "غزه" ویزا بدهد چگونه مثلاً به چند صد نفر اجازه و ویزا خواهد داد که حتی به عنوان گردشگر یا زوار بارگاه های خاندان نبوت در قاهره عازم مصر شوند؟ آمدن مصری های مشتاق به ایران هم بدون برخورد با مشکل اساسی نخواهد بود. چراکه مصری ها برای سفر به ایران نیازمند اجازه ویژه الامن العام هستند و این سازمان حتی به شخصیت های برجسته و علمای معروف مصری که ما برای شرکت در کنفرانس های بین المللی

یک اندیشمند مصری از سفر به ایران منع شد

روابط ایران و مصر؛ توقف در فرودگاه قاهره

تلاش می کند از طریق اعمال فشار علیه شخصیت های شیعی و پیروان اهل بیت(ع) در مصر مانع تقویت و تحکیم این ارتباط فرهنگی شود. این ممانعت همچنین، در چارچوب حلقه های فشار بر پیروان مکتب اهل بیت(ع) و وحشت دولت مصر از ترویج تفکر شیعی در این کشور است، دولت مصر با این اقدامات تنها پیروان اهل بیت(ع) و اعمال فشار بر آنان را هدف قرار داده است.

گروه های شیعی مصر بر این باورند که تحرکات اخیر نیروهای امنیتی مصر در ایجاد محدودیت برای شیعیان و ممانعت از سفر شخصیت های شیعی به عراق و ایران، گامی در راستای فعال کردن پرونده هلال شیعی و دامن زدن به جنگ های فرقه ای میان شیعیان و اهل تسنن است.

مسئولان مصر تا امروز دلیل قانع کننده ای برای اتهام دخالت ایران در امور داخلی این کشور ارائه نداده اند. این در حالی است که تمامی فعالیت های فرهیختگان شیعی مصر در چارچوب قانون انجام می شود و تاکنون هیچ شکایت قانونی علیه یک نویسنده و شخصیت فرهنگی شیعی در مصر ثبت نشده است.

البرادعی:

تغییرات سیاسی مصر در راه است

محمد البرادعی، مدیر کل سابق آژانس بین المللی انرژی اتمی، از دولت مصر به عنوان دولتی مستبد یاد و تأکید کرد که تغییرات سیاسی در این کشور در راه است. البرادعی در مصاحبه با روزنامه استرالیایی کوریر گفت: این رژیم روز به روز نامحبوب تر، میزان نفرت از آن مشخص تر و مستبدتر می شود.

وی افزود: این امر در بلند مدت قابل تحمل نیست، تغییر در راه خواهد بود و این تغییر زمانی ایجاد خواهد شد که مردم بر فرهنگ ترسی که رژیم ایجاد کرده است، غلبه کنند و آن را کنار بگذارند.

البرادعی که از مخالفان سیاسی دولت مصر و خواستار اصلاح قانون اساسی این کشور است، گفت: مصری ها از دیرباز تحت حکومت استبدادی زندگی می کنند که باید با وینایدها را برای آنها تعیین می کند، از این رو، آنها حتی نمی دانند که راه های ایجاد دموکراسی و تغییر چیست.

به گفته وی، سیستم حاکم بر کشور از مدت ها قبل، به اصطلاح نخبگان را فاسد کرده است و خواستار هیچ تغییری نیست. البرادعی ضمن ابراز تاسف از فاصله گرفتن جهان عرب از دموکراسی، افزود: دموکراسی مانند قهوه قابل حل نیست که با هم زدن، آماده شود بلکه مستلزم وجود افرادی تحصیلکرده ای است که ما پرورش ندادیم.

البرادعی خواستار اصلاح قانون اساسی مصر به منظور فراهم شدن امکان نامزدی افرادی مستقل مانند او برای انتخابات ریاست جمهوری سال آینده و نیز تحریم انتخابات پارلمانی ماه آینده کشور شد.

همچنین، دستگاه های امنیتی ناشناخته مصر و مسئولان امنیتی فرودگاه قاهره، تیرماه سال جاری نیز از سفر "محمود جابر" اندیشمند شیعی و مدیر مرکز پژوهش های قرآنی "النور" قاهره به تهران ممانعت کردند.

هدف وی از سفر به تهران، حضور در همایش بین المللی "قرآن کریم و علوم انسانی" که ۲۰ تا ۲۴ تیرماه جاری در تهران برگزار شد، بود که متأسفانه نیروهای امنیتی مصر مانع این سفر شدند.

احمد راسم النفیس، در سال ۱۹۵۲ میلادی در شهر "المنصوره" مصر متولد شد؛ وی پژوهشگر و نویسنده سنی است که به مذهب تشیع گرویده است و دارای مجموعه مقالات و کتاب هایی در زمینه افکار و اندیشه های شیعی است که کتاب "الطریق الی مذهب اهل البیت(ع)" و "النبوة فی نهج البلاغة" از جمله کتاب های وی است. النفیس همچنین، از نویسندگان و منتقدان نشریات مصر محسوب می شود که با مقالات متنوع خود به پاسخ گویی شبهات و سؤالات مختلف درباره مذهب شیعه می پردازد.

دولت مصر از ارتباط و تعامل نویسندگان و فرهیختگان شیعی این کشور با محققان و اندیشمندان جمهوری اسلامی ایران هراس دارد و

ایران زیارت کنم". احمد راسم النفیس تصریح کرد: "از سوی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و مجمع جهانی اهل بیت(ع)" برای حضور در همایش وحدت اسلامی دعوت شدم، اما مقامات مصری بدون آن که علت آن را بدانم گذرنامه من را متوقف کردند و از روابط من با شخصیت های سیاسی شیعی ممانعت می کنند".

وی این اقدام نهادهای امنیتی مصر در ممانعت از سفر وی به جمهوری اسلامی ایران را نقض حقوق اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شیعیان در کشور مصر دانست و گفت: دستگاه های امنیتی مصر پیوسته محدودیت ها و مشکلاتی برای شخصیت ها و فرهیختگان شیعی این کشور ایجاد می کنند که ابراز دشمنی با پیروان اهل بیت(ع)، اعمال فشار علیه شیعیان و بحران سیاسی منطقه از دلایل و انگیزه های ارتکاب این اقدامات است.

یادآوری می شود، کشور انگلیس نیز تحت تأثیر نفوذ گروه های وهابی و ضدشیعی، از ماه ها پیش اجازه سفر احمد راسم النفیس به این کشور را نداد، در حالی که این پژوهشگر شیعی مصر در کشور انگلیس تحصیل می کند.

معرفی کتاب «جهاد اسلامی، امام خمینی، شیعه و سنی، مسأله فلسطین»



شهید شقاقی در کتاب اول، به چالش های حرکت های اسلامی معاصر، نقش امام خمینی(ره)، مبانی اندیشه تشیع، تاریخ سیاسی اجمالی ایران، بررسی و تحلیل رژیم سلطنتی پهلوی و اپوزیسیون و اقلیت های مخالف رژیم پهلوی و مواضع بین المللی در قبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران می پردازد. در کتاب دوم، به استمرار توطئه های نظام سلطه و تفرقه در

جوامع اسلامی به ویژه بین شیعه و سنی پرداخته می شود و در کتاب سوم هم اهمیت مسأله فلسطین برای جهان اسلام، ابعاد قرآنی، تاریخی و سیاسی مسأله فلسطین تبیین می شود و مسأله جهاد مسلمانان را تنها راه حل این مسأله ذکر می کند.

شهید شقاقی کتاب "الخمینی، الحل الاسلامی والبدیل" را در دوران اقامت و دانشجویی در مصر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تألیف نمود و در سال (۱۹۷۹م) از سوی دارالمختار الاسلامی - وابسته به اخوان المسلمین - در مصر منتشر کرد. نویسنده در این کتاب، راه حل اسلامی و آلترناتیو واقعی در قبال دشمن مشترک مسلمانان، را امام خمینی و روش مردم گرای ایشان می داند. انتشار این کتاب موجب دستگیری و زندانی شدن دکتر

را دارند و در اظهارات خود، نظریه دولت متبوع را هم ملحوظ می دارند. البته در مواردی خاص! استثنائاتی هم پیدا می شود مانند مفتی اسبق مصر، شیخ دکتر فرید نصر واصل که به علت صادر کردن فتاوی شجاعانه بر ضد اهداف امپریالیسم و صهیونیسم و تحریم امور و مظاهر خلاف شرع در کشور، بلافاصله! "بازنشسته" شد و دست او از دارالافتاء و معاهد الازهر کوتاه گردید...!

با توجه به راه اندازی خطوط پرواز ایران و مصر اکنون تا چه اندازه به برقراری روابط میان دو کشور در آینده نزدیک امید وجود دارد؟ متأسفانه به علت عدم اطلاع رسانی مسئولان

مسئولان امنیتی فرودگاه قاهره اول آبان ماه، از سفر "احمد راسم النفیس" پژوهشگر و نویسنده شیعی مصر و اندیشمند سرشناس این کشور به تهران ممانعت کردند.

این اقدام پس از آن رخ داد که چند هفته پیش توافق نامه ای میان ایران و مصر برای پرواز ۲۸هواپیما در هفته میان تهران و قاهره امضا شده بود.

به گزارش روزنامه مصری "اليوم السابع"، دولت مصر در ادامه ممانعت از ارتباط و تعامل نویسندگان و فرهیختگان شیعی این کشور با محققان و اندیشمندان جمهوری اسلامی ایران و اعمال فشار علیه شخصیت های شیعی و پیروان اهل بیت(ع) در مصر، صبح امروز از سفر احمد راسم النفیس به تهران ممانعت کردند.

احمد راسم النفیس در این باره گفت: "من صبح امروز در نظر داشتم پس از سفر به دبی، به تهران پرواز کنم که مسئولان امنیتی فرودگاه قاهره، گذرنامه من را در فرودگاه متوقف و اعلام کردند که نمی توانم به تهران سفر کنم".

وی افزود: بنا بود حدود ۱۰ روز را در تهران و شهرهای مختلف ایران بگذرانم و ضمن دیدار با شخصیت های دینی و سیاسی، از اماکن مقدس

کتاب "جهاد اسلامی، امام خمینی، شیعه و سنی، مسأله فلسطین" تألیف شهید دکتر فتحی شقاقی با ترجمه استاد سید هادی خسروشاهی منتشر شده است.

این کتاب شامل یک مقدمه و سه کتاب مختصر شهید فتحی شقاقی است که کتاب اول، "امام خمینی، راه حل اسلامی و جایگزین"، شیعه و سنی؛ غوغای ساختگی" عنوان کتاب دوم و کتاب سوم هم "طرح اسلامی معاصر و مرکزیت مسأله فلسطین" نام دارد که همه آن در یک مجلد، جلد پنجم از مجموعه حرکت های اسلامی معاصر را تشکیل می دهند که به همت استاد خسروشاهی منتشر می شوند.

کتاب "جهاد اسلامی، امام خمینی، شیعه و سنی، مسأله فلسطین" درباره اندیشه رهبری جهاد اسلامی فلسطین در رابطه با انقلاب اسلامی ایران، مسأله شیعه و سنی و مسأله مرکزیت فلسطین است. این کتاب به مناسبت هایی توسط شهید فتحی شقاقی که در طی چندین سال نوشته شده، نشان دهنده چگونگی اندیشه رهبری جهاد اسلامی فلسطین درباره مهمترین مسائل جهان اسلام است و لذا برای شناخت دقیق تر اندیشه جهاد اسلامی فلسطین، ترجمه و نشر آن در کشور ضروری بود که به همت استاد خسروشاهی در سال ۱۳۷۴ صورت گرفت و برای نخستین بار در سال ۱۳۷۵ از سوی انتشارات اطلاعات منتشر شد.

گفت و گو با آیت الله محمد علی تسخیری دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

آیین مقدس اسلام به وحدت کلمه توصیه می کند



موسوی، آیت الله العظمی مرحوم آقای بروجردی، اندیشمند گرانقدر سید هبه الدین شهرستانی و روحانی جلیل آقای شیخ محمدتقی قمی از علمای شیعه، طلایه داران و پیشتازان حرکت تقریب مذاهب بودند و گام های مؤثری در این راه برداشتند که هرگز قابل انکار نیست. مقام معظم رهبری مدظله العالی در راستای تحقق همین اهداف متعالی، امر به تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی فرمودند که به فرازهایی از بیانات ارزشمند معظم له به عنوان فصل الخطاب اشاره می کنیم. قبل از تأسیس مجمع تقریب فرموده اند: به منظور ایجاد وحدت و انسجام بیش از پیش میان مسلمانان و نزدیک ساختن مذاهب مختلف اسلامی از طریق بحث های کلامی و فقهی میان علما و اندیشمندان جهان اسلام، جمهوری اسلامی ایران آماده است دارالتقریب بین المذاهب را تأسیس و میزبان شخصیت های علمی اسلامی باشد. در باب تأسیس مجمع تقریب فرموده اند: هدف از تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در جمهوری اسلامی ایران، ایجاد همکاری میان مذاهب اسلامی در سطح جهان و برگزاری مجالس بحث و مشورت های علمی و فقهی می باشد. در باب هدف از تقریب مذاهب فرموده اند: غرض از تقریب بین مذاهب اسلامی، نزدیک شدن فرق مختلف اسلامی در بعد فکری به یکدیگر است و با این امر سوء تفاهم برطرف شده و اندیشه های تند تعدیل خواهد شد.

چگونه می توان وحدت گرای را نهادهی کرد؟

همان گونه که گفته شد، تمامی مذاهب و ادیان الهی، منادی وحدت بوده و بشریت را به یگانگی و وحدت فراخوانده اند، از جمله اسلام که کامل ترین ادیان آسمانی است بیش از دیگر ادیان امت خود را به وحدت دعوت کرده است. پیامبر اکرم (ص) از نخستین روزهای بعثت، برنامه های عملی وحدت را با برپایی نماز جماعت و حضور در مساجد فراهم و اجرا فرمود که آثار و برکات فراوانی به همراه داشت. آیین مقدس اسلام، آیین توحید است و به وحدت کلمه توصیه می کند. قرآن مجید خطاب به پیامبر (ص) می گوید ما به همه انبیا توصیه کردیم که دین را به پا دارند و از تفرق بپرهیزند. بسیاری از احکام عبادی سیاسی اسلام بر پایه و مبنای وحدت استوار است و با همین وحدت بود که مسلمانان توانستند در کوتاه ترین مدت، پرچم مبارک و مقدس توحید را در دیار کفر به اهتزاز در آورند. اکنون نیز اگر مسلمانان بخواهند از توطئه های استعمارگران در امان باشند و یکپارچگی و اخوت خود را حفظ کنند، راهی جز وحدت متصور نیست. به ویژه در شرایط و اوضاع و احوال بسیار حساس کنونی که جهان اسلام بیش از هر زمان دیگری به وحدت کلمه و اتحاد امت نیازمند است. در خصوص نهادهی کردن اندیشه وحدت، راهکارها بسیار است. انجام گفت و گوی سازنده با پیروان دیگر مذاهب، ادامه آن، و ترغیب

مذاهب، حتی نقاط قوت و ضعف مذهب خودمان را بهتر می توانیم بشناسیم؟

بله، شناخت دیگر آراء، به شناخت ما از مذهب خودمان عمق بیشتری می دهد. ما حتی برای شناخت مذهب خودمان و ایمان بیشتر به عمق ادله خودمان، باید نظرات دیگران را بدانیم. آنها هم همین طور. اگر انسان بخواهد به راه و خطش مطمئن باشد باید نظر های دیگران را هم بشنود. هیچ عالمی نمی تواند مجتهد باشد، مگر اینکه آرای دیگران را هم بداند. آیت الله بروجردی معتقد بودند که برای شناخت بهتر روایات خودمان باید روایات یا آرای فقهی اهل سنت را بشناسیم. برخی از روایات ما ناظر به آرای آنهاست و برخی آرای آنها می تواند قرینه ای باشد که به ما در فهم روایاتمان کمک کند. علامه طباطبائی در جایی می فرماید که آن چیزی که ضروری اسلام است، شهادتین است. بقیه مسائل، ضروری هر فرقه ای است، آن هم بنا به تفسیر خودش. ما می گوییم که ما در اصول یکی هستیم. آنچه چهارچوب امت اسلامی را شکل می دهد و مسلمانان بر آن اتفاق دارند، عبارت است از اصول؛ آنچه پذیرفتن آن به معنای ورود به حریم امت است و نپذیرفتن آن به معنای خروج از امت. در این اصول ما مشترک هستیم و اتفاقاً قرآن هم این اصول را معین کرده است: ایمان به خداوند و روز جزا، ایمان به پیغمبر اکرم (ص) و ایمان به پیامبران و کتاب های آسمانی و فرشتگان. ما در اصول با هیچ کدام از اهل قبله اختلاف نداریم.

امامان و علمای شیعه تا چه حد در پی وحدت و تقریب مسلمین بوده اند؟

بدون تردید ائمه علیهم السلام نخستین پیروان و رهروان قرآن کریم و احادیث شریف نبوی به شمار می روند و از آنجا که این دو منبع گرانسنگ، امت اسلامی را امت واحد خوانده و آنان را به وحدت و اخوت، الفت و مودت و پرهیز از تفرقه، اختلاف، نزاع، عداوت و خصومت، فراخوانده است، ائمه اطهار علیهم السلام نیز که خود در خط و مسیر قرآن و هادیان جامعه بوده اند، به تبع قرآن مجید و احادیث نبوی از نخستین منادیان وحدت و تقریب بوده اند. موضع گیری حضرت امیر مؤمنان علی (ع) در قبال تحركات و تحریکات ابوسفیان پس از سقیفه، موضع گیری آن حضرت (ع) در زمان خلفا برای تقویت دولت اسلامی، و ده ها کلام و گفتار آن حضرت (ع) در نهج البلاغه در همین راستا، موضع گیری امام زین العابدین (ع) در رابطه با اهل ثغور، موضع گیری امام محمدباقر (ع) در رابطه با ضرب سکه اسلامی، شیوه تعامل امام صادق (ع) با دیگران و... همه مؤید وحدت گرایی ائمه اطهار علیهم السلام است.

در دهه پنجاه میلادی هم در الازهر و هم در سایر اقطار اسلامی، بزرگان دین و علمای گرانقدر سنی و شیعی سعی وافری در برافراشتن پرچم تقریب داشتند، از جمله مرحوم استاد شیخ مراغی، شیخ مصطفی عبدالرزاق، شیخ عبدالمجید سلیم و مفتی اعظم مصر شیخ محمود شلتوت از اهل سنت، مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء، دانشمند بزرگ سید شرف الدین

هستند که نود درصد مساحت زندگی مسلمانان، از نظر فکری، تمدنی و رفتاری، مشترک است. گاهی بعضی از محققان این مساحت مشترک را به سطح نود و پنج درصد می رسانند و برخی هم حتی بالاتر. حالا ما بیایم هشتاد و پنج درصد را در نظر بگیریم که این خود مساحت عظیمی است که باید کشف شود. ما با این هدف تقریباً بیست جلد کتاب از روایات مشترک را چاپ کرده ایم.

مرحله دوم، مرحله توسعه این دایره است. من احساس می کنم که مجال توسعه خیلی باز است، حتی در اصول فقه، نه فقط در فقه و جزئیاتش. در اصول فقه هم اگر همدیگر را خوب بشناسیم، می بینیم که خیلی زمینه های مشترک وجود دارد. من به عنوان نمونه، به یک مسئله از اصول فقه و یک مورد از حدیث اشاره می کنم. در خصوص اصول فقه شما به قیاس توجه کنید. اجتهادها و قیاس های ما و آنها خیلی به هم نزدیک است. در موارد کمی از قیاس ها ما با هم اختلاف داریم. در مسئله استحسان هم همین طور است. اگر تعریف های استحسان را ببینیم، بعضی از تعریف ها را، هم ما و هم اهل سنت رد می کنیم، مثل ما یستحسنه المجتهد بعقله این را نه اهل سنت قبول دارند و نه ما. برخی ها را هم ما قبول داریم و هم آنها: تقدیم اهم الدلیلین. این یکی از تعاریف استحسان است. در اجلاس بزرگی در مسقط، این مسئله در مجمع الفقه کنفرائس اسلامی مطرح شد. ما ادله مان را بیان کردیم و آنها هم ادله شان را. جلسه طولانی ای بود. بالاخره بعد از مناقشات زیاد، به یک تعریف مشترک رسیدیم و همه آن را امضا کردند. جا دارد که در اصول فقه که تأثیر زیادی در فقه دارد، ما بحث و گفت و گو کنیم

و به ایده های مشترک برسیم. اگر ما بیایم و با این منطق عقلانی برخورد کنیم، می توانیم به نتایج مشترک برسیم. پس مرحله دوم، مرحله توسعه این محدوده از راه تفهیم و تفاهم و شناخت موضع گیری های دو طرف است.

مرحله سوم، همکاری فی ما بین همه مذاهب برای تحقق این مشترکات است.

مرحله چهارم، مرحله معذور دانستن است. اگر در یک مساحتی اختلاف باقی

ماند، همدیگر را معذور بدانیم و بدانیم. ما هرگز نمی توانیم اختلاف نظر را از بین ببریم. اختلاف، امری طبیعی است. ما هیچ نصی نداریم که بگویید شما اختلاف نظر نداشته باشید یا اختلاف نظر را مذمت کرده باشد. از تفرقه منع شده، از نزاع منع شده، چون اسلام، دینی فطری است و تعالیم قرآن، فطری است. اختلاف نظر، امری طبیعی و فطری است و اسلام هم آن را به رسمیت شناخته است. بیایم این حسن ظن را داشته باشیم که همه از روی اعتقاد قلبی خودمان، روی مواضع خودمان پافشاری کرده ایم، نه از روی عناد و جنگ، و همه با هم در آن دایره بزرگ اسلام خواهیم ماند. ما باید به جایی برسیم که همدیگر را معذور بدانیم و بگوییم که من به اینجا رسیدم، شما هم به آنجا رسیدید. هر دو هم می خواهیم حقیقت را کشف کنیم. مانعی نیست که هر مذهبی بگوید که من مذهب حق هستم و باید هم این طور بگویم. ولی باید بنشینیم و مشترکات خودمان را به دست بیاوریم.

آیا می توان گفت که با شناخت دیگر

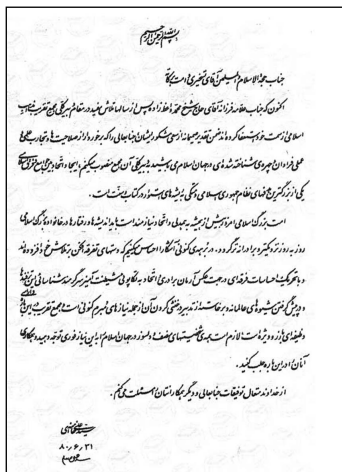
ضمن تشکر از جنابعالی که دعوت به این مصاحبه را پذیرفتید، بفرمایید که خاستگاه وحدت در قرآن و حدیث چیست؟

خاستگاه وحدت هم در قرآن مجید، هم در حدیث شریف، و هم در سیره ائمه اطهار (ع) متجلی است. اصولاً قرآن و حدیث برنامه جامعی برای بشریت به ارمغان آورده که بدون تردید حکمت های فراوانی در بردارد و هرگاه این برنامه گرانسنگ با اصول اساسی مشترک مذاهب همراه شود، نه تنها خاستگاه مطلوب را تشکیل خواهد داد، بلکه عموم بشریت از جمله مسلمانان از برکات لایتنهای آن برخوردار و منتعم خواهند بود، چه خطاب یا آنها الذین آمنوا خطاب عام است و تمامی مسلمانان را از هر گروه و فرقه و نحله شامل می شود.

هر یک از آیات و احادیث گرانقدر بر جنبه و بُعد خاصی تأکید دارند. آن هذ امتکم امه واحده در بیان اینکه وحدت از صفات امت است؛ واذکروا نعمه الله در بیان محور وحدت است؛ واذکروا نعمه الله علیکم اذ کتتم اعداء فالق بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا وکتتم علی شفا حفرة من النار فانذکم منها در یادآوری آثار و برکات وحدت است؛ خلقتکم من نفس واحده در بیان وحدت اصل خلقت و آفرینش از نفس واحده است؛ شرع لکم من الدین ما وصی به نوحاً والذی اوحینا الیک وما وصینا به ابراهیم وموسی و عیسی ان اقیمو الدین ولا تتفرقوا فیه در بیان وحدت مسیر است و ده ها آیات دیگر در باب عدم برتری انسان ها بر یکدیگر جز با معیار و ملاک علم، تقوی و جهاد و توکل و توسل به ذات ربوبی و نیز تلاش در تهذیب و تزکیه نفس و عمل به عبادات و نفی هرگونه شرک و الحاد، احساس تکلیف و مسئولیت، مماشیات و مدارا، درک ناراحتی و درد دیگران، گفت و گو با ادبیات قرآن و حدیث و... همه اینها از مصادیق خاستگاه وحدت است.

مشخصه های تقریب مقبول و مطلوب از دیدگاه جنابعالی چیست؟

ما گاهی از وحدت سخن می گویم، گاهی از انسجام و گاهی از تقریب، مقصود ما از تقریب، تقریب اندیشه هاست، یعنی تقریب بین اندیشه های مذاهب اسلامی. تقریب مقدمه تحقق انسجام اسلامی یا وحدت است. این هدف ناظر به موضع گیری های عملی است. داعیه انسجام مربوط به موضع گیری های عملی همه افراد امت اسلامی نسبت به چالش های فراوری امت است، چه چالش های خارجی و چه چالش های داخلی. مسائل بزرگ امت، مسئله فقر، حقوق بشر، خانواده، اقتصاد و... و مسائل وارداتی مثل سکولاریسم، جهانی سازی، تهاجمات فرهنگی و...، در مورد همه اینها امت اسلامی باید یک موضع منسجم داشته باشد. مقام معظم رهبری کلمه انسجام را به کار برده است، زیرا برای تحقق وحدت، راه های گوناگونی وجود دارد، اما مهم، انسجام همه این امت در قبال این چالش هاست. پس منظور ما از وحدت، وحدت موضع گیری های عملی است و راهی که این امکان را به وجود می آورد، تقریب مذاهب است. در مسئله تقریب، ما این داعیه را نداریم که مذاهب از مواضع خودشان عقب نشینی کنند، بلکه همه مذاهب باید با قوت و استدلال و منطق از موضع گیری ها و از خطوط اصلی خود دفاع کنند. ما در فراخوانی به تقریب، به عقب نشینی دعوت نمی کنیم. اصولاً تقریب در چهار مرحله انجام می گیرد: نخست، جست و جوی مشترکات است، یعنی به این سمت برویم که حوزه مشترک بین مذاهب را کشف کنیم. برخی از محققان مدعی



دست اندرکاران آموزش و پرورش گفتم که شما وظیفه بزرگی دارید و باید وحدت را در عمق جان این بچه ها جا بیندازید. مایه عکس، خلاف این را در ذهن آنها جامی اندازیم و برای او دشمن درست می کنیم. باید بگویم که تو جزو یک امت بزرگ هستی و باید به همه افراد امت به عنوان برادران خود نگاه کنی. به نظرم آموزش و پرورش و آموزش عالی می توانند نقش عظیمی را در ایجاد فرهنگ وحدت ایفا کنند. ما روی آیسيسكو، نهاد فرهنگی آموزشی کنفرانس اسلامی کار کردیم. یک شورای عالی وحدت به نام تقریب تشکیل دادند. من هم به عنوان نائب رئیس انتخاب شدم. باید خیلی کار کنیم و ایده انتقال دادن مسئله تقریب از مرحله نخبگان به توده های مسلمان را دنبال کنیم.

من معتقد هستم که جمهوری اسلامی نقش بزرگی دارد، چه در داخل و چه در خارج. در داخل می بینیم که از این روش های افراطی و خرافاتی جلوگیری می کند و جهت گیری ها به سمت وحدت است و ارشادات رهبری در این خصوص تعیین کننده است، حتی رهبری به کرات مسئله اهانت به مقدسات را مورد اشاره قرار دادند و فرمودند که از آن بپرهیزید. من معتقد هستم که حکومت ایران در قبال انسجام در داخل، خیلی کار کرده و در عرصه بین المللی هم پرچمدار تقریب و انسجام اسلامی است. البته هنوز ما در اول راه هستیم و راه های ناپیموده بسیاری را پیش رو داریم.



شد و در طول زمان کوتاهی، میلیون ها نفر از علما و مردم مسلمان عضو آن خواهند شد، اما ما این چنین فکر نمی کردیم و چنین هدفی هم نداشتیم، بلکه هدف این بود که ندایی بلند شود و نیروهای روشن فکر و فقهی که در جهان اسلام هستند و درک می کنند که اسلام و مسلمانان چقدر از این اختلافات لطمه می بینند، در یک جهت قرار می گیرند و برای از بین رفتن این وضع تلاش کنند. بحمدالله، چنین افرادی در جهان اسلام خیلی زیاد بودند و آمادگی و زمینه نیز فراهم بود. مجمع توانسته است اندیشه تقریب را به شرق و غرب عالم برساند. الآن عالمان دل سوخته و متعهد، مجمع را می شناسند و از اهداف آن باخبرند.

حضرتعالی به عنوان اولین دبیرکل مجمع تقریب و کسی که از گذشته سوز وحدت و تقریب داشته اید، از حوزه علمیه، به عنوان مرکز اصلی تأمین نیروهای فرهنگی تبلیغی، چه انتظاری دارید؟
حوزه علمیه قم قابل مقایسه با هیچ کدام از حوزه های دیگر نیست و واقعاً از لحاظ تلاش علمی و تحقیقی، مایه اعجاب است. به تعبیر مدیر کل دیانت ترکیه، در بازدیدی که از قم داشت، آدم یک سال باید آن جا بماند تا بفهمد قم یعنی چه؟ و این بهترین تعبیر بود و واقعاً همین طور است. باید توجه داشت که تغییر روش و شکل عرضه کردن مذهب، بر حسب زمان، ضروری است. باید به نیازها توجه داشت و حساسیت ها را شناخت. من نمونه ای را عرض کنم. اجتهاد در قرون اول اسلام، از سوی شیعه مورد نکوهش بود و به قول مرحوم مطهری این کلمه اجتهاد اول سنی بود، بعد شیعه شد. در زمان حضور ائمه علیهم السلام هم، اصحابشان در محدوده نصوص، اجتهاد می کردند، اما تفریع فروع نمی کردند. در قرن پنجم، شیخ طوسی بعد از چند

اساسی یعنی وحدت و هم گرایی مسلمانان کرده و برای تحقق اهداف پلید خود، از به کارگیری هیچ امکان و ابزاری دریغ نمی ورزد. برای تحقق تقریب و انسجام، راهکارهای مختلفی وجود دارد. به نظر من، امام خمینی (ره) همه راهکارها را به کار گرفت. اولاً باید تقریب را به فرهنگ عمومی مسلمانان تبدیل کنیم. هر فرد مسلمان باید به دیگر مسلمانان به عنوان برادر نگاه کند. حقوق آنها محترم است، هر چند بین ما اختلاف مذهبی وجود دارد. نگویم که چون او از فرقه من نیست، پس می توانم غیبت او را بکنم، او را کنار بگذارم و... باید فرهنگ تقریب را از علما به توده های مسلمان گسترش داد. باید همه آموزشگاه ها، دانشگاه ها، علما، منبری ها، نویسندگان و... این فرهنگ را در ذهن افراد مسلمان جا بیندازند. یکی دیگر از راهکارها، تعمیق شعائر وحدت آفرین است، مثل حج، نمازهای جمعه و جماعت و... لذا امام خمینی (رحمه الله) مسئله وحدت و مسئله برائت از مشرکین را در حج مطرح کرد و این عین هدف انبیاست. بزرگ ترین هنر امام این بود که بیداری اسلامی را رهبری کرد و رشد و توسعه داد و مقام معظم رهبری هم بر همین تأکید دارند.

آیا ترویج اندیشه تقریب را می توان در سطوح تحصیلی ابتدایی یا راهنمایی یا دبیرستان و در دروسی که مربوط به تعلیمات دینی است، دنبال کرد؟

این کار ضرورت دارد. من در جلسه ای با

نسبت می دهند. یک عالم سنی به من می گفت همه شما قائل به تحریف قرآن هستید. گفتیم از کجا این حرف را می زنی؟ گفت از کتابی که یکی از اصول شماسست. گفتیم این کتاب چیست؟ گفت کتاب 'فصل الخطاب'. این نوشته جزوه ای است که محدث نوری در نجف تهیه کرد و ضربه بزرگی هم به شیعه زد. این را آن عالم سنی به عنوان اصلی از اصول تشیع تلقی می کرد. وقتی به او گفتیم که علمای ما از گذشته تا آیت الله خویی در رد این مدعا چه گفته و چه نوشته اند، گویی این فرد سنی تازه به کشف عظیم و جدیدی رسید. ما هم گاهی تصور می کنیم که مثلاً همه اهل سنت ناصبی و دشمن اهل بیتند. بعضی از روحانیون ما هم و غمشان فقط مجادله و درگیری با اهل سنت است.

برای پیشبرد تقریب چه باید کرد؟

با اندکی تفکر و تأمل می توان دریافت که امروزه استکبار به این واقعیت پی برده که امت اسلامی همه عناصر خیزش و هم گرایی را از جمله مکتب انسانی و واقع گرا، عناصر مادی و نیروی انسانی، رهبری حقیقی که تجربه پرشکوهی را پشت سر دارد، تأییدات الهی و بنیادهای واقعی وحدت و ده ها عنصر دیگر را در خود دارد، و با توجه به اینکه توان تغییر هیچ یک از این عناصر جز وحدت را ندارد، تمام توان و نقشه های شوم و توطئه های شیطانی خود را با سوء استفاده از جهل و نادانی و ساده اندیشی برخی مسلمانان و تعصب و خشک اندیشی بعضی دیگر، متوجه همین عنصر

سایرین به این مهم؛ توجه عمیق به سیره و مرام ائمه اطهار(ع) در برخورد با پیروان سایر ادیان و آیین ها؛ تبیین واقع بینانه و بیشتر اهداف والای اسلام و اقتضائات زمان؛ اشاعه بحث های فقهی، اصولی، فکری مقارن با تکیه بر مشترکات و دوری از مفترقات؛ ارتقای سطح دانش و بینش مسلمانان نسبت به جهان اسلام و چالش های فراروی آن؛ برخی از این راهکارهاست.

موانع نظری و عملی تقریب چیست؟

موانع تقریب مذاهب چند چیز است؛ یکی عامل خارجی است. دشمنان امت اسلامی دائماً وارد صحنه شده و مانع نزدیکی مسلمانان شده اند. بعد از جنگ سی و سه روزه لبنان دیدیم که چه فتنه عظیمی را در جهان اسلام راه انداختند و بین شیعه و سنی در عراق و در کشورهای دیگر درگیری به وجود آوردند. ما در اجلاس های مختلفی حاضر شدیم و تلاش کردیم که بر این فتنه ها فائق آییم. مهم ترین اجلاس، اجلاس دوحه بود که تقریباً فتنه را خاموش کرد. عامل دوم، شناخت و آروونه از همدیگر است. شناخت معکوس خودش عواملی دارد. یکی از این عوامل، مطالعه آرای دیگران از روی کتاب های مخالفان آنها یا هر کسی غیر از خود آنهاست. روابط تاریخی گذشته همواره تأثیرات خود را داشته است. به هر نحو، شناخت و آروونه از همدیگر عامل خیلی مهمی است. سنی ها تصور می کنند که شیعه ها یک فرقه ای خارج از اجماع امت هستند، لذا برخی از آنها به ناحق عقایدی را به شیعه

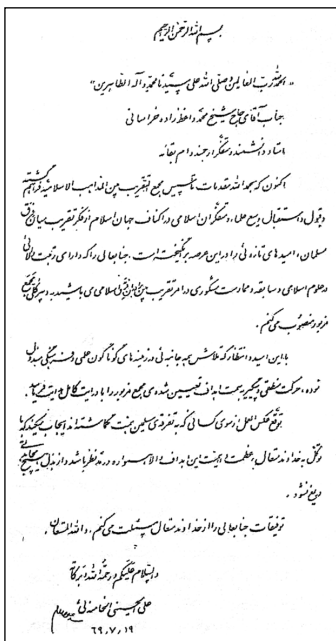
مصاحبه با آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی دبیرکل پیشین مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و عضو شورای عالی مجمع

انقلاب اسلامی ایران منادی تقریب مذاهب در جهان اسلام است

و مجله ای هم به نام رساله الاسلام منتشر کردند. این مجموعه، تا انتهای زمان فعالیت خود، بزرگترین تشکلی بود که دعوت به وحدت می کرد. مؤسسان آن از شخصیت های معروف جهان اسلام، مانند شیوخ و اساتید الازهر بودند. علامه شیخ محمد تقی قمی، هرچند از علمای طراز اول نبود ولی از لحاظ فکری و پختگی در طلیعه ایشان بود، با موافقت شخصیت ارزشمند حضرت آیت الله العظمی

بروجردی از ایران و در شامات و عراق در رأس همه مرحوم کاشف الغطاء از این فکر حمایت کردند. در آن زمان، دارالتقریب انصافاً خیلی کار کرد. امتیاز مهم این حرکت، گرایش و تأیید عالمان بزرگ و نداشتن صبغه و رنگ سیاسی بود که باعث موفقیت شد. امتیاز دیگر، جایگزینی اصطلاح 'تقریب' به جای 'وحدت' بود. این عبارت، نشانگر آن بود که اولاً این کار جنبه فرهنگی و علمی دارد و تا وقتی که یک نوع تفاهمی بین عالمان اسلام و پیشوایان مذاهب پیدا نشود، نمی شود مسلمانان را دعوت به یک نوع وحدت کرد، زیرا چنین وحدتی در حالی که تفاهم و

چه ضرورت هایی باعث شد مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ایجاد شود؟
به عقیده من، لزوم همبستگی و وحدت اسلامی، جزء ضروریات اسلام است و ما نباید به آن، به دید امری اخلاقی و مستحبی نگاه کنیم. امام کاشف الغطاء (رضوان الله تعالی علیه) می فرمودند: 'بنی الاسلام علی دعامتین: کلمه التوحید و توحید الکلمه'. اگر جامعه ما، جامعه ای توحیدی است، باید جامعه ای باشد که به 'وحدت' گرایش داشته باشد. این تفکر، کم و بیش، در جامعه ما و مسلمین دیگر بوده است، ولی از حدود صد سال پیش که کشورهای اسلامی تجزیه شدند و تعصبات فرقه ای با توطئه های گوناگون استعمار اوج گرفت، مصلحانی از بین علمای اسلام و رجال سیاسی جهان اسلام، وارد میدان شدند و به صورت گسترده مسلمانان را به وحدت دعوت کردند. در رأس همه، مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی است. ندای سید جمال الدین و شاگردان او، هر چند به وحدت فرهنگی هم نظر داشتند، اما بیشتر جنبه سیاسی داشت و وحدت سیاسی وجهه همت آنان بود. آنان پیروان مذاهب را به نفی تعصب دعوت می کردند. این جریان، پس از سید جمال، در همه کشورهای اسلامی، به خصوص جاهایی که شیعه و سنی رو به روی هم قرار داشتند، مثل شبه قاره هند و تا حدی در عراق و از آن ضعیف تر در ایران، گسترش یافت و جمعیت هایی با نام 'اتحاد اسلامی'، 'وحدت اسلامی' و نام های نظیر آن، در آفریقا و شبه قاره هند و دولت عثمانی و ایران تشکیل شد. در مصر، جمعیت اخوان المسلمین که متأثر از همین افکار و مقداری هم از فکر سلفی گری بود، پیدا شد. حسن البناء رهبر و بنیان گذار این جمعیت، و دیگر همفکرانش روی وحدت شیعه و سنی تکیه کردند و در سخنرانی و آثارشان از شیعه با احترام نام بردند. این زمینه ها باعث شد تا در حدود ۱۳۲۷ شمسی در قاهره جمعیتی به نام 'جماعه التقرب بین المذاهب الاسلامیه' تشکیل شود. آنها، مرکزی را به نام 'دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه' بنیان گذاشتند



و ایجاد کدورت نمی کند. علاوه بر آن، تفاهم و روابط بین فقه های اسلام از صدر اسلام و پیش از پیدایش مذاهب موجود بوده است.

پس از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی، امام دائماً توصیه به وحدت می فرمودند و تأکید می کردند که اختلافات را مطرح نکنید. ایشان اساس انقلاب را بر وحدت - چه در داخل و چه در خارج - گذاشتند. برای اولین بار بین علمای اسلام از مذاهب مختلف و امام، رابطه پیدا شد و گروه های مختلف از کشورهای مختلف می آمدند و در کنفرانس ها شرکت کرده و در مناسبت هایی از قبیل مراسم دهه فجر حضور می یافتند. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای، پس از رحلت امام(ره) همواره بر وحدت تأکید می فرمودند و در همان سال های اول رهبری شان به فکر ایجاد مرکزی جهت تقریب به نام 'مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی' افتادند و مسئولیتش را به بنده محول فرمودند.

مجمع جهانی تقریب چه اهدافی را دنبال کرده است؟

اهدافی را که مجمع دنبال کرده، همان هایی است که در اسانسانه آن آمده است. از جمله جمع شدن مسلمین حول کلمه توحید، ایجاد شوق و اشتیاق و جلب افکار برای مجد و عظمت اسلام، رفع تعصبات نابجا و مخرب و بالاخره دستیابی به وحدتی سیاسی و اقتصادی و علمی و فرهنگی، آن گونه که اسلام می خواهد. من عقیده ام این است که در بعضی از ابعاد، مجمع به بیش از آنچه ما فکر می کردیم، رسیده است. شاید کسانی فکر می کردند این مجمع یک حزبی خواهد

کرده اند و گفته اند: «بر اساس قرآن، مؤمن حقیقی کسی است که مجاهد فی سبیل الله باشد و در حال حاضر، تنها شیعیان هستند که پرچم جهاد را علیه اسرائیل و استعمار به دست گرفته اند». وهابیان، در حال حاضر، با صرف میلیون ها دلار، در کشورهای مختلف، دانشگاه و مسجد تأسیس می کنند و به حوزه های علمیه کمک می کنند و سعی دارند افراد و مراکز را تحت نفوذ خود در آورند. فعالیت های این فرقه از دو جهت برای عالم اسلام خطر دارد؛ اول، خطر فرهنگی است. اینان معتقدند که باید محصول تلاش فکری علمای اسلام در همه زمینه ها کنار گذاشته شود و مثلاً در فقه از فلان مفتی وهابی تبعیت شود که حتی انگشت ابوحنیفه هم حساب نمی شود. این ها فلسفه و عرفان را کفر می دانند و در نتیجه شیعه را که با بزرگان اسلام هم نواست، مشرک می دانند. دوم، خطر سیاسی است که با توجه به چگونگی ایجاد این فرقه و نوع نگرشش به مسائل و جریانات جهان اسلام، وضعیت روشن است. این جماعت، دشمن ترین افراد با تقریب و وحدت هستند.

محول فرمودند. در اولین سال فعالیت مجمع تقریب، شورای عالی این مسئله را بررسی کرد و در نهایت تصمیم گرفت آن را به صورت گسترده تر و با نام «دانشگاه مذاهب اسلامی» تأسیس کند. اساسنامه این دانشگاه تدوین شد و شامل سه دانشکده فعالیت آن آغاز گردید.

فعالیت مجمع با چه موانع و مشکلاتی مواجه بوده است؟

اولین مشکل این است که افرادی در دو طرف، چه شیعه و چه سنی، با توجه به سابقه ذهنی و فقهی شان، می گویند این کار نشدنی است و اصلاً تقریب یعنی چه؟ برای رفع این دیدگاه کار زیادی باید صورت بگیرد. اما به نظر من مشکل عمده در جهان اسلام، وهابیت است. آنان هم از جهت سیاسی و هم از لحاظ فکری، حقیقتاً انقلاب اسلامی را با محتوایی که دارد، برای خودشان خطر می دانند و سعی می کنند که در جهان اسلام همه را از انقلاب بترسانند. انقلاب اسلامی، نظرهارا متوجه کرده که تشیع چه می گوید و این مکتبی است که می تواند حکومت تشکیل بدهد. آقای نصرالله (حفظه الله) نقل می کرد، عده ای از فلسطینی ها به من مراجعه

حرفی که در دایره مذهب باشد. بنابراین، اصلاً من می گویم همان طور که در گذشته تغییر روش میدادیم و مطابق اصل حرف می زدیم، حال نیز چنین کنیم. شما شیخ طوسی را با مرحوم شیخ صدوق و پدرش (رحمت الله علیهما) مقایسه کنید، از زمین تا آسمان فرق دارند.

دنیا تشنه سیاست عدل اسلامی است که امام بنیان گذار آن بود. معارف و فقه ما جاذب است و دل ها و ذهن های مشتاق را به خود جلب می کند. ما حتی در نگارش تاریخ نیز باید دقت کنیم. بهترین روش در بیان مطلب مذهبی، روش شیخ طوسی است. ما باید توجه داشته باشیم که مباحثات علمی ما با عالمانی چون آبو زهره است. طرف خطاب ما افرادی چون ابن تیمیه و یا وهابیان که منکر مذهب هستند، نیست. با آنها نیز باید به سبک مرحوم شیخ جعفر کبیر سخن گفت نه به روش کتاب احقاق الحق.

درباره چگونگی تأسیس دانشگاه مذاهب توضیح بفرمایید.

در گذشته قرار بود دانشکده اهل سنت در ایران تأسیس شود. مقام معظم رهبری تأسیس آن را به مجمع

قرن که اهل سنت در این زمینه کار کرد، وارد میدان می شود و به رغم مخالفت هایی که با ایشان صورت می گیرد، کتاب مبسوط می نویسند، کتاب خلاف را می نویسند و با آن، شیعه را از آرا و استدلال های دیگران آگاه می کند، با آنها معامله یک مذهب می کند و دیگران این را تحمل نمی کردند، ولی او مبارزه کرد تا اینکه این روش در بین شیعه معمول گردید.

با توجه به جو امروز عالم اسلام، به خصوص با این شعار وحدت و تقریب، که در حقیقت پیش از ما، علما، این شعار را دادند و حضرت امام قدس سره مسئله وحدت را مطرح کرد، و با توجه به اینکه این انقلاب اختصاص به شیعه ندارد، بلکه اسلامی است، ما باید روش کارمان را عوض کنیم. یعنی باید به گونه ای عمل کنیم که فرصت طلبان نتوانند شیعه را به عنوان یک جمعیت مهاجم به علمای مذاهب و خلفا و صحابه بشناسانند، بلکه باید شیعه را مذهبی بشناسند که در عصر حاضر برای اداره عالم در سیاست و فقه و مسائل مستحدثه و اقتصاد، حرف دارد و حرفش هم، حرف اسلام است، نه یک

گفت و گو با مولوی محمد اسحاق مدنی مشاور رئیس جمهور در امور اهل سنت و رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

اخلاص در عمل، بهترین راه حصول موفقیت در تقریب است

را تقویت کنیم که خود به خود آن تفکرات غربی را پس می زند. اول باید تکلیف خودمان را با خودمان روشن کنیم. به نظر شما مهم ترین دستاورد مجمع تقریب مذاهب اسلامی در طول دوره فعالیتش تاکنون چه بوده است؟



اینکه خیلی دل ها را به هم نزدیک کرده است.

قبلاً راهی نبود که ما ببینیم

مثلاً علمای شیعه و سنی را یک جا ببینیم، آن موقع این ها از یکدیگر می ترسیدند! ولی امروزه در تمام کشورهای اسلامی می بینیم که علمای مذاهب مختلف با هم مراوده دارند. در مجمع تقریب، بزرگان، علمای اهل سنت، علمای اهل تشیع عضو هستند، معاون هستند، در مجمع عمومی تقریب می بینیم که اکثریت علمای اهل سنت حضور دارند. اینها دستاورد کمی نیست، ولی کافی هم نیست. یعنی این ها در واقع شروع کار است.

فکر تقریبی، بعضاً متهم می شود به تسامح و تساهل. نظر شما در این باره چیست؟

این اشتباه است. تسامح این است که شما از مذهبتان دست بردارید؛ شما به اصول مذهبتان عمل نکنید. این تسامح و تساهل است. ولی اگر به عقاید دیگر مسلمانان احترام بگذارید و توهین نکنید، وقتی به دستور قرآن عمل کنید که می گوید کسانی که غیر از خدا را ندا می کنند و صدا می کنند، آنها را فحش ندهید، به طریق اولی به یک مسلمان با عقاید متفاوت هم نباید توهین کرد؛ این می شود تقریب.

چه پیشنهادی برای شتاب گرفتن روند تقریب مذاهب اسلامی دارید؟

الان مجمع یک سری اصول دارد، اساسنامه دارد، طبق آن اساسنامه دارد حرکت می کند. ولی بزرگ ترین موفقیت در هر کاری، اخلاص است. هیچ علمی بدون عمل به درد نمی خورد و هیچ عملی بدون اخلاص به درد نمی خورد بهترین راه اخلاص است. یعنی اگر ما در کارمان اخلاص کامل داشته باشیم، مخلصانه حرکت کنیم، موفقیت حاصل می شود.

جدید ساخته شده، حوزه های علمیه ایجاد شده، از ابزارهای رسانه ای استفاده می شود. علما و دانشمندان روشن ضمیر در عرصه آمده اند و روشنگری می کنند. این ها در مجموع امیدوار کننده است. ولی نباید از دشمن و از دو مانع مذکور غافل شد.

به نظر شما چگونه می توان فکر تقریب را در جوامع اسلامی گسترش داد؟

ببینید! باید برگردیم و ملاحظه کنیم که چرا و چگونه میان مسلمانان اختلاف افتاد تا بفهمیم که چگونه می توانیم وحدت داشته باشیم. این اختلاف از کجا سرچشمه می گیرد؟ یک مسلمان سنی با یک مسلمان شیعه چگونه و برای چه اختلاف می کند؟ مردم جوامع اسلامی از علمایشان پیروی می کنند. ما اگر تفکر تقریبی را میان علما اشاعه می دهیم برای آن است که آنان مرجع مردمشان هستند. اگر علما از ته دل بگویند وحدت ضروری است، قطعاً مردم پیروی می کنند. علمایی بودند در تاریخ که بعضی حرف ها و نظرات را طوری مطرح کردند که مردم را به جان یکدیگر انداختند. اگر علمایی که مردم را بر علیه یکدیگر تحریک می کنند و بر علیه دیگری حرف هایی را می سازند، از این کار دست بردارند و مردم را به وحدت دعوت کنند، این اختلافات در جهان اسلام از بین می رود.

با توجه به تفکرات دین ستیزانه و دین گریزانه که از جوامع غیر اسلامی به طرق مختلفی به جوامع اسلامی ارسال می شود، اندیشه تقریب چه آینده ای دارد؟

اندیشه تقریب وابسته است به اندیشه خود مسلمانان و اسلام. اگر تقریب را ما تقویت کنیم، آینده جهان اسلام موفق تر به نظر می رسد. اگر علمای زمان خواهان سربلندی اسلام هستند، اولین قدم آن، تقریب است. چرا؟ چون دشمن اسلام همیشه یک مذهب را وسیله سرکوب مذهب دیگر قرار داده است. یعنی در واقع آنها بدون اینکه هزینه ای کنند، از جیب مسلمانان برای سرکوب اسلام خرج می کنند. ما نمی توانیم جلوی تفکرات غربی را بگیریم ولی می توانیم و باید که اندیشه اسلامی و اندیشه وحدت مسلمانان

و گسترده تر و باارزش تر از دارالتقریب مصر را ایفا می کند. امروز کلیه امکانات جمهوری اسلامی و مردم و کسانی که طرفدار انقلابند، پشت سر مجمع است.

مهم ترین چالش ها در برابر حرکت تقریبی در جهان اسلام کدامند؟ فرصت های ملت ها و مذاهب مختلف اسلامی چیست؟

بزرگ ترین فرصت ها در واقع اگر خلاصه بگوییم، همین انقلاب اسلامی است. یک حکومت قدرتمند که از توان بالایی برخوردار است و مسئولین آن از جان و دل این هدف را دنبال می کنند. این برای جهان اسلام، بزرگ ترین فرصت است که ما بعد از صدر اسلام چنین فرصتی را نداشته ایم که یک حکومت توانمندی بیاید و از وحدت حمایت کند. البته هیچ دولتی در کشورهای اسلامی نیست که آشکارا و به صراحت با وحدت مخالفت کند. همه از این فکر استقبال می کنند. ولی این طور به صورت رسمی که ایران تمام امکاناتش را به کار می برد، هیچ دولت دیگری این کار را نکرده است. بقیه فرصت ها چیزهایی است که در واقع خیلی نمی شود به آنها تکیه کرد. ولی در بطن همین فرصت، فرصت هایی وجود دارد. هرچه تصور کنی در بطن همین حکومت اسلامی که از تقریب حمایت می کند و پشت سر این حرکت و این ایده و این اندیشه است، فرصت وجود دارد. اما موانع کار، من فکر کنم دو گروه است؛ یکی دوستان نادان اسلام، که فکر می کنند جنگ کردن و اختلاف کردن، نشانه بر حق بودن است. اینها تک روی می کنند، و به عقاید دیگران احترام نمی گذارند. فکر می کنند اگر بخواهند مذهب خودشان را تبیین کنند و بیان کنند و رشد بدهند، راهش این است که مذاهب دیگر را بکوبند. اگر بخواهند خودشان در دنیا بمانند باید دیگران را از بین ببرند. مانع دوم، دشمنان هوشیار ما هستند. اینها راه هایی را بلدند که در واقع خیلی از انسان های ساده را می توانند فریب بدهند. این ها با استفاده از ابزارهای مختلف در زمینه های اجتماعی و تاریخی که ملل مسلمان دارند، دائماً در حال تخطئه و تفرقه افکنی هستند. برای رهایی از این دو مانع خطرناک باید سطح آگاهی مردم مسلمان بالا برود. البته در دهه های اخیر تا اندازه ای این اتفاق افتاده. الحمدلله سطح آگاهی مسلمانان بالا رفته. امروز دانشگاه های

تفکر تقریب مذاهب اسلامی چه سابقه ای دارد؟

تقریب یا هر لفظ دیگری در این چهارچوب، همان وحدت است. خود وحدت از اصول قرآنی است و یکی از فرامین خداست که در صدر اسلام هم مورد تأکید بوده است. مهم ترین آیه ای که در این باره داریم «واعتصموا بحبل الله جميعاً» است. از نظر اصطلاحی، تقریب مفهومی است که از دارالتقریب مصر رواج گرفت. در آن زمان این تقریب در کشوری شکل گرفت که حرکت و سمت و سوی آن بر مبنای اسلام نبود. به هر حال، یک عده از علما جمع شده بودند و مردم و پیروان مذاهب را به تقریب و وحدت دعوت می کردند. در جمهوری اسلامی ایران، تقریب در واقع از روز اول انقلاب مورد توجه و تأکید بوده است. امام (ره) مهم ترین سخنرانی هایشان را اگر نگاه کنید، مدام به حفظ وحدت تذکر می دادند. اگر به فرمایش های مقام معظم رهبری نگاه کنیم باز هم همین گونه است و دستور ایشان به خصوص برای تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، حاکی از اهتمام ایشان به امر تقریب و وحدت در جهان اسلام است. در مجمع هم ابتدا آقای واعظ زاده و سپس آقای تسخیری تلاش های زیادی را برای ترویج و تعمیق این اندیشه در جهان اسلام به عمل آوردند. این معنایش این نیست که گذشتگان در واقع کاری نکردند. شما یک درختی را که می کارید، بزرگ می شود، ثمر می دهد، نتیجه می دهد. مجمع تقریب هم همین طور بوده است. از آن زمان الحمدلله پیشرفت کرده، هر سال از سال گذشته جلساتش گسترده تر و با اهمیت تر می شود. هر سال نقائص سال گذشته بررسی و برطرف می شود. امروزه در واقع تقریب، اصلی است در جهان اسلام که تقریباً همه مسلمانان پذیرفته اند. مجمع اجلاس های سالانه را با حضور علما و اندیشمندان برگزار می کند و یا در اجلاس مراکز تقریبی جهان اسلام فعالانه شرکت می کند. الحمدلله امروز فعالیت مجمع بسیار گسترده و در سراسر دنیا شناخته شده است به عنوان یک اداره رسمی که در جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده، هرچند این مجمع دولتی نیست، ولی از حمایت دولت و مقام معظم رهبری برخوردار است. همین است که در دنیا نقشی بسیار متفاوت

گفت و گو با دکتر محمد علی آذرشب مشاور دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و رئیس مرکز مطالعات فرهنگی ایران و عرب

حیات و احساس عزت، زمینه تقریب در جوامع اسلامی است



اندیشه تقریب و فکر تقریب در جهان اسلام از چه موقعی به ذهن اندیشمندان اسلامی راه یافته و چه تحولاتی داشته تا به امروز؟

مسئله تقریب در چهارچوب وحدت امت اسلامی می تواند قرار بگیرد و کلیه کسانی که در راه وحدت امت اسلامی فعالیت کردند، در واقع در راه تقریب کار کردند. ما در قرآن آیات فراوانی می بینیم برای اتحاد. در احادیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) موارد فراوانی می بینیم در دعوت به اتحاد. بنابراین بنیاد اتحاد امت اسلامی را در قرآن و سنت می توانیم پیدا کنیم که مورد تأکید قرآن و سنت است. چرا این همه تأکید روی وحدت صورت گرفته؟ چون طبیعت بشر اختلاف است، و مثل سایر موجوداتی که شبیه هم هستند، نیست. به هر حال، از چهره شان گرفته، نقش انگشت ابهام شان، تا صدایشان و ژن هایشان، هر یک عالم خاص خودش را دارد. امکان ندارد شما دو نفر در دنیا و در تاریخ و در آینده و حال پیدا کنید که صد درصد مانند همدیگر باشند. این واقعاً عظمت انسان است که موجودی مستقل از نظر فکر، اندیشه، روحیه، روان، طبیعت، تمایلات، و ذوق است. این عالم خاص یک عظمتی برای انسان است. ولی مشکلی که در پی می تواند داشته باشد، اختلاف است. اختلاف این است که دو نفر شبیه همدیگر نیستند ولی باید با هم باشند و همکاری بکنند. این اختلاف طبیعی است. مشکل موقعی بروز می کند که این اختلاف مبدل می شود به خلاف. بین اختلاف و خلاف فرق است.

اختلاف طبیعی است و در فطرت انسان است. خلاف این است که دو نفر به علت این اختلافات نمی توانند در کنار همدیگر قرار بگیرند. به همین جهت ملاحظه می فرمایید که در طول تاریخ اسلامی، ما اختلاف داشتیم، ولی در کنار این اختلاف، خلاف هم داشتیم. خلاف به معنای درگیری، قبول نکردن دیگری، تخطئه دیگران، خودخواهی و... وجود داشته است. به همین جهت، هم قرآن و هم سنت و هم کلیه کسانی که توجه داشتند به عظمت امت اسلامی و به عظمت اسلام و به عظمت مسلمین، اینها داعیان وحدت اسلامی بودند. در طول تاریخ از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تا علی ابن ابی طالب (علیه السلام) تا ائمه معصومین (علیهم السلام) اینها داعیان وحدتند به علت اینکه داعیان عظمت امت اسلامی، داعیان شکوه اسلام و جایگاه اسلام در کره زمین هستند. امت اسلامی تا قرن پنجم و ششم با عظمت، با شکوه و تمدن آفرین بود. از اندلس گرفته تا ماوراءالنهر، حرکت فکری، فرهنگی، علمی، تمدنی و در کنار آن، روحیه اتحاد و وحدت در جهان اسلام وجود داشت. وقتی صلیبی ها حمله می کنند به شام، خراسانی ها حرکت می کنند برای پشتیبانی از شامی ها، در اندلس وقتی که مشکلی پیش آمد از سوی صلیبی ها، شمال آفریقا همه حرکت می کند برای کمک به اندلسی ها. این روحیه، روحیه طبیعی موجود زنده است، یعنی جسم امت اسلامی زنده بود و این زنده بودن مستلزم ارتباط ارگانیک بین اعضاست. هر چه روح حیات وجود انسان ها، ملت ها و امت ها قوی تر باشد، این ارتباط ارگانیک قوی تر خواهد بود. ولی عواملی پیش آمد که منحنی این شکوه و عظمت و تمدن زایی امت اسلامی رو به افول نهاد. هر چه رو به افول بیشتر می رفت تجزیه جهان اسلام هم بیشتر می شد. تفرقه بیشتر می شد. انگار حیات جهان اسلام کاملاً پیوسته بوده است به وحدتش. این پراکندگی و تفرقه تقریباً از قرن ششم به بعد بود. این منحنی رو به افول نهاد تا عصر استعمار، و استعمار آمد و کار را یکسره کرد. جهان اسلام را تحت قبضه خود قرار داد و شکست عظیمی در

جهان اسلام به وجود آورد که شکست فرهنگی است. قبلاً بیشتر شکست نظامی بوده، در زمان مغول، در زمان غزان، در زمان حمله های صلیبی، ولی در عصر جدید، جنگ فرهنگی است. این جنگ فرهنگی باعث شد که درون انسان مسلمان، درون جامعه مسلمان فرسوده بشود و از بین برود و عقب نشینی کند. یعنی در واقع شکست روحی و شکست فرهنگی که از شکست نظامی به مراتب بالاتر است، وقوع پیدا کرد در مسلمانان. وقتی که این حالت پیش آمد، درگیری ها و خلاف ها در درون امت اسلامی به اوج رسید. فکر می کنید که خلاف بین شیعه و سنی بود؟ نه! خلاف حتی بین مذاهب اهل تسنن هم بود، شافعی، حنفی، حنبلی، همدیگر را تخطئه می کردند تا حد تکفیر. مساجد یک شهر با هم درگیر می شدند، این مسجد مال شافعی است، این مسجد مال حنبلی است، با هم درگیری و دعوا، در مناطق مختلف جهان اسلام این مسائل را می دیدیم. بین اشعری و بین معتزلی و بین صوفی و بین سلفی، انواع اختلاف ها شکل گرفت. حتی گاهی اتفاق می افتاد این خلاف ها بین کشورها، شهرها، و محله ها پیش می آمد و با هم درگیر می شدند.

این مشکل بود تا اینکه جهان اسلام رفت به سمت بیداری. بیداری اسلامی تقریباً از اوایل قرن نوزدهم شروع شد. شرایطی فراهم شد که جهان اسلام بیدار شد. در واقع یک نوع بیداری در او به وجود آمد که به هر حال مستلزم دعوت به وحدت امت اسلامی بود و به دلایلی اسمش را تقریب گذاشتند. این بیداری یک رشته عوامل خارجی داشت - که مفصل است و الآن نمی خواهم عرض کنم - و بخشی هم طبیعت خود مکتب اسلام بود. مکتب اسلام حتی در بدترین شرایط باز هم باعث بیداری جهان اسلام می شود. به عبارت دیگر، وضعیت جهان اسلام هیچ وقت به حد صفر نمی رسد. ضعیف می شود، ولی باز هم عمل مثبت خود را دارد.

این چه دلیلی می تواند داشته باشد؟

به نظر می رسد دلایل یکی حج است و یکی هم نماز جماعت و نماز جمعه و روزه ماه مبارک. یعنی یک سلسله عبادات جمعی. این از عوامل بیدار کننده است. به هر حال این بیداری در

جهان اسلام توأم بود با دعوت برای وحدت اسلامی. در صحنه جهان اسلام، افرادی به نام احیایران ظهور کردند. خیلی جالب است. یعنی اینها احساس کردند که در مقابل یک جسم تضعیف شده که روح حیات در آن ضعیف شده قرار دارند و باید احیا بشود. از آن طرف، کلیه احیایران، داعیه وحدت اسلامی هم داشتند. انگار یک احیایران از وظایف مهمش، وحدت جهان اسلام است.

تحولات مجمع را در این مدت فعالیت چطور ارزیابی می کنید؟

انتخاب آقای واعظ زاده به عنوان اولین دبیر کل مجمع، به نظرم خیلی بجا بود. ایشان از بهترین شاگردان مرحوم آیت الله بروجردی است و چهره معروف وحدتی و تقریبی است در ایران و جهان و با شیخ محمدتقی قمی و شیوخ الازهر و علمای سوریه و جهان اسلام رفاقت داشت. ایشان برگزار کننده هزاره شیخ طوسی در دانشگاه فردوسی مشهد بود و از همان موقع رابطه اش با علمای جهان اسلام کاملاً آشکار و واضح بود، و بزرگ ترین علمای جهان اسلام در آن زمان حاضر شدند در آن اجلاس. ایشان کارهای زیادی در آن زمان انجام داد. تقریباً مجمع به دست او به وجود آمد. ولی انصافاً از همان اوایل آقای تسخیری در کنارش بود به عنوان عضو عالی مجمع، آقای حکیم در کنارش بود به عنوان رئیس شورای عالی، و دیگران. در زمان او دانشگاه مذاهب اسلامی تأسیس شد و مجله رساله التقرب راه افتاد و کتاب های زیادی به زبان های مختلف منتشر شد.

یک سؤال هم درباره تفاوت فکر تقریب است با تساهل و تسامح دینی. اینها چه تفاوتی دارند؟

ذهن زنده این مطلب را کاملاً می فهمد کل بشریت وقتی که حیات داشته باشد و بخواهد تعامل داشته باشد، تعاملش باید بر این اساس باشد که اختلافاتی هست، اما اینکه من عیناً مثل دیگری بشوم، یا دیگری عیناً مثل من بشود، این معنا ندارند. به همین جهت آن ترس و وحشتی که در ذهن بعضی ها هست که در پی تقریب ممکن است تساهل ایجاد شود، ناشی از آنجاست که مفهوم تقریب را نفهمیده اند.

گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی عضو مجمع عمومی و مشاور دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

بررسی تاریخ اندیشه تقریب در جهان اسلام، نیازمند تهیه یک موسوعه است



خوشبختانه علی رغم بدبینی ها و اخلاص گری های عملی بعضی از متحجران و در گوشه و کنار جامعه، اندیشه تقریب جایگاه خود را میان محافل علمی حوزوی و نسل جوان روحانی - علاوه بر دانشمندان و اندیشمندان - پیدا کرده است. در واقع آنها به روشنی می بینند که تئوراه پیروزی در مقابل دشمنان صلیبی، صهیونی، احبار و رهبان، و عناصر مشکوکی که خود را نبوی یا سلفی می نامند، تقریب بین مسلمانان است. بنده خود شاهد عینی رشد این مسئله حیاتی در جوامع اسلامی هستم که

است که نه تنها علمای فریقین، بلکه حتی ائمه مسلمین، علی رغم تعصب های جاهلی حاکم بر جامعه عرب آن روز و مشکلات عدیده ای که بر سر راه بود، به طور عملی در ایجاد وحدت و تقریب کوشا بودند. تا آنجا که امام شافعی در شعری می گوید: اگر حب آل بیت معنی رفض دارد، پس همه بدانند که من یک رافضی هستم!

البته در مقابل، عناصر مشکوک و ابن ابی العوجاها و احبار و رهبان هم همیشه سعی می کردند که سد راه خدا شوند و با جعل حدیث و یا نشر اکاذیب، مانع وحدت مسلمین و گسترش اسلام در منطقه و جهان بشوند. در این میان عالم نمایانی از بین مسلمین هم برای حفظ منافع شخصی و طائفی خود، بر اختلافات می افزودند و با باب شدن سب و لعن از زمان معاویه ابن ابی سفیان، علیه حضرت علی (علیه السلام)، اقدام متقابل از سوی بعضی از شیعیان متعصب هم آغاز شد و بدین ترتیب بر اقدامات اختلاف برانگیز افزوده شد.

ولی همان طور که اشاره کردیم به موازات این اقدامات، باز تعلیمات و رهنمودهای ائمه شیعه در لزوم و ضرورت رفتار برادرانه در حیات و ممات

فکر تقریب و وحدت مسلمین چه سابقه تاریخی دارد؟

فکر وحدت و تقریب و الفت بین مسلمانان، سابقه تاریخی هزار و چهارصد ساله دارد. یعنی از آغاز دعوت قرآن مجید به اعتصام به حبل الله و عدم تفرقه و اینکه خداوند الفتی بین قلوب مسلمانان ایجاد کرده که هرگز با هیچ هزینه ای تحقق پذیر نبوده است، فکر وحدت و الفت سابقه دارد. پس از سپری شدن شکوفایی های صدر اسلام، با رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اختلاف بر سر خلافت، در واقع دوران پیدایش مذاهب فقهی در اسلام آغاز شد. این امر به تدریج گسترش یافت و متأسفانه دشمنان اسلام از جمله یهود و نصاری به این اختلافات دامن زدند تا بلکه بتوانند حرکت پیششاز اسلامی را متوقف سازند. اما در همان دوران نخستین، و با نشر معارف اسلامی توسط ائمه اهل بیت، تأثیر توطئه دشمنان کم رنگ شد. به ویژه که بعضی از رهبران و امامان اهل سنت مانند امام ابوحنیفه و امام شافعی رسماً در مجلس درس امام صادق (علیه السلام) شرکت می کردند، و این نشان دهنده این حقیقت

در جامعه ایران به خصوص پس از انقلاب اسلامی، اندیشه تقریب چه جایگاهی در سطوح دانشمندان و عامه مردم پیدا کرده است؟

و مشاورت عالی فرهنگی مقام معظم رهبری و ده ها نهاد و سازمان فرهنگی اسلامی در ایران و کشورهای اسلامی دیگر، مانند عضویت در مجمع فقه اسلامی، معاونت اتحاد بین المللی علمای مسلمان، عضویت در مجمع اللغة العربیه و... علاوه بر اینها آیت الله تسخیری در حوزه های علمیه و دانشگاه های مختلف کشور نیز به تدریس و تحقیق پرداخته و استاد راهنمای ده ها رساله دانشجویی در مقاطع مختلف دانشگاهی و حوزوی بوده است.

شرکت در بیش از دویست کنفرانس و سمینار داخلی و خارجی در ده ها کشور عربی، اسلامی، در اروپا و آفریقا و آسیا و انجام بیش از هفتصد مصاحبه رادیو تلویزیونی و مطبوعاتی در این کشورها، که اگر مجموعه آنها جمع آوری و چاپ شود، در واقع یک دائرة المعارف متنوعی خواهد بود، از دیگر خدمات ایشان است. در یک کلام، آیت الله تسخیری از علمای برجسته و فرهیخته کم نظیر معاصر است که "حجاب معاصرت" مانع از شناخت مقام علمی و خدمات ارزشی او در سطح بین المللی شده است.

اسلام داشته است و البته زحمات و خدمات دبیرکل قبلی این مجمع، آیت الله محمد واعظ زاده نیز قابل تقدیر و ستایش است.

نقش دبیرکل فعلی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ترویج اندیشه تقریب و پیشرفت کار مجمع را چگونه ارزیابی می کنید؟
به نظر من، بحث درباره چگونگی فعالیت های ایشان در زمینه های فوق، نیازمند تألیف یک کتاب مستقل و مستند است و در یک گفت و گوی کوتاه حتی نمی توان فهرست آنها را بیان کرد اما به عنوان اشاره "می توان گفت که آیت الله تسخیری پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نقش های مهمی در مدیریت بسیاری از نهادها و سازمان های فرهنگی، علمی، مذهبی ایفا کرده است؛ مانند همکاری در تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت بین الملل سازمان تبلیغات، ریاست مجمع جهانی اهل بیت، ریاست سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، نایب رئیسی مجمع فقه اهل بیت در قم، عضویت در هیئت امنای دانشگاه اصول الدین، عضویت در هیئت علمی دانشگاه مذاهب اسلامی

سید محمد حسین بروجردی هم در این میان باید اشاره کرد که اگر همکاری و همفکری ایشان به عنوان مرجعیت توانمند جهان تشیع نبود، موفقیت و پیشرفت فکر تقریب به این سرعت به سامان نمی رسید. گرچه فقها و علما و مراجع عظام دیگری در عراق و ایران نیز به پشتیبانی از این حرکت پرداختند که در رأس آنان آیات عظام سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خوئی، سید محمدهادی میلانی، سید کاظم شریعتمداری، شیخ محمد خالصی زاده و شیخ آصف محسنی و دیگران قرار داشتند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی چه گام هایی در این مسیر و از طرف چه مقاماتی برداشته شد؟
پس از پیروزی انقلاب، مرحوم امام خمینی (قدس سره) در اغلب بیانات و پیام ها و یادیدارهای خود با علما و یا مقامات اسلامی، همواره از مسئله تقریب و ضرورت وحدت مسلمین سخن می گفتند. پس از رحلت ایشان با اقدام قابل تقدیر حضرت آیت الله سید علی خامنه ای حفظه الله و تأسیس "مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی"، گام بزرگ و ارزشمندی در این راستا برداشته شد که به یاری حق تاکنون آثار مثبت بسیاری را در کل جهان

علی رغم سم پاشی های محافل امپریالیستی و به تعبیر قرآن "یهود و نصاری" و تهدید محافل ارتجاعی خودی و تکفیر غیرعقلانی از سوی مراکز وهابی گری و سلفی گری، دانشمندان و مردم عادی، اندیشه تقریب را برای پیشبرد اهداف اسلامی و ایجاد وحدت بین مسلمین، یک ضرورت و یا تنها "راهکار" مثبت می دانند.

از شخصیت های برجسته چه کسانی در ترویج اندیشه تقریب مؤثرتر بوده اند؟
البته در اینجا نمی توانیم به بررسی دوران های پیشین بپردازیم، ولی در دو قرن اخیر و از زمان حرکت وحدت طلبانه و تقریبی نادرشاه و به بعد، شخصیت های برجسته ای در جهان اسلام، از شیعه و سنی، در این راستا گام برداشته اند که در طلیعه آنها در قرن اخیر، سید جمال الدین حسینی اسدابادی و شاگرد او شیخ محمد عبده (مفتی مصر) قرار دارند پس از این دو شخصیت برجسته و تأثیرگذار، تربیت یافتگان آنها در مصر و عراق و ایران و مغرب عربی و شامات به حرکت تقریب بین مذاهب اسلامی ادامه دادند.

البته به نقش اساسی و عمده مرحوم آیت الله

گفت و گو با دکتر محمدحسن تبرائیان معاون بین الملل و دبیر هیئت علمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

برای برون رفت از تفرقه، راهی جز تقریب متصور نیست

امروز ما باید در اندیشه برون رفت از اختلاف و فرقه گرایی باشیم. به نظر می رسد که راهی جز تقریب در اندیشه و وحدت در عمل نیست و در حقیقت رسالت و هدف اصلی از تأسیس مجمع تقریب هم همین بوده است.

رسالت مجمع در چه چیزهایی می تواند باشد؟
موارد زیادی را می توان برشمرد، از جمله: تعمیق شناخت و آشنایی و تفاهم بین پیروان مذاهب اسلامی، اشاعه فرهنگ احترام متقابل و تحکیم پیوندهای اخوت و مودت، دنبال کردن اتحاد و اتفاق اسلامی، دوری از هر گونه تعصب، جمود فکری و خشک اندیشی، قرار گرفتن در مسیر عقلانیت دینی، توجه به اشتراکات فراوان میان مذاهب و فرق اسلامی، پی گرفتن گفت و گوهای سالم و سازنده، ادامه راه بزرگان دین و مصلحان از فریقین، اعم از شیعه و اهل سنت و سرانجام پیروی از اندیشه های بزرگان دین و دانش و اندیشه همچون شیخ محمد عبده، محمود شلتوت، عبدالمجید سلیم، آیت الله العظمی بروجردی، امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه)، و سرانجام حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) است تا بتوان آمال و آرزوهای این بزرگان و پیشتانان وحدت و تقریب را به بار نشانید.

این حرکت مبارک تقریب بر چه مبنا و پایه هایی استوار است؟

در واقع مبنای این حرکت، قرآن مجید و سنت است که شامل احادیث شریف نبوی و روایات مأثور از ائمه اطهار می شود. همچنین ایمان به اصول و ارکان اسلام است. بنابراین در این مورد، تمامی فرق و مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند و هیچ گونه اختلافی بین آنها نیست و لذا این مجمع با چنین رسالتی در واقع می تواند کانون و مرکز خدمت به عموم مسلمانان در جهان اسلام باشد و طبیعی است که کارهای بسیاری هم انجام گرفته و بحمدالله با هدایت حکیمانه و عالمانه دبیرکل محترم و اندیشمندان این مجمع، حضرت آیت الله تسخیری، از زمان تأسیس تا به امروز گام های بسیار بلند و مهمی برداشته شده و خدمات معنوی ارزشمندی برای عموم پیروان فریقین، اعم از شیعه و اهل سنت، ارائه شده و همواره رضای حق تعالی و خدمت به امت اسلامی را فوق همه منافع و

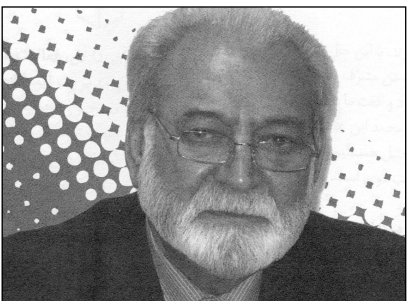
مسلمین و الفت و مودت گام بردارند. لازم است که آنها از نزاع و اختلاف بپرهیزند، زیرا تردیدی نیست که تفرقه و عدم انسجام نمی تواند از ذات احکام شرعی نشأت گرفته باشد و حتماً اینها و این ویژگی های منفی، زاینده و مولود افکار شوم اسلام ستیزان است که همواره در تلاشند به جدایی ها و بدبینی ها دامن بزنند و امت واحده اسلامی را دچار انشقاق و چند دستگی کنند. به همین لحاظ بوده که رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی به آسیب شناسی عمیق این امر مهم به عنوان یکی از چالش های کنونی فراروی امت اسلامی پرداختند و با تأکید بر لزوم شناخت دشمن، همه مسلمانان را به اتحاد و انسجام فراخواندند. از دیدگاه معظم له، دشمن بنیان وحدت و انسجام اسلامی را هدف گرفته است. جای تأسف دارد در حالی که مکتب عزیز اسلام حتی پیروان دیگر ادیان را به صلح و هم زیستی مسالمت آمیز فرا می خواند، ما مسلمانان در اثر تحریکات و فتنه انگیزی های اسلام ستیزان، خود نمی توانیم یکدیگر را تحمل کنیم و به واقع از قدرت و توان مشترک و جمعی خود غافل هستیم و به جای رفع آن موانع و رفع آن مشکلات و بسترسازی برای اتحاد و وحدت مسلمین، به علل و عوامل تفرقه و ضعف و وهن مسلمین دامن می زنیم.

برای تحقق انسجام اسلامی چه کار باید بکنیم؟

پیش از هر چیز لازم است که میل به کسب فضایل اخلاقی و مبانی دینی تربیتی و فرهنگی را در جامعه اسلامی تحکیم ببخشیم و در این راه بکوشیم. باید با استعمار سیاسی و فرهنگی، با روحیه خودباختگی و غرب زدگی به مبارزه جدی برخیزیم و باید به پیوند دین با سیاست و پای بندی به اصول مسلم دین و پرهیز از فرقه گرایی و تعصبات قومی و نژادی، خشک اندیشی های فکری، و مبارزه با اشاعه خرافات و بدعت ها بپردازیم و از آنها دوری کنیم. با این بسترسازی ها نه تنها دردهای اساسی جامعه اسلامی را می توان درمان و راه انسجام و اتحاد را هموار کرد، بلکه به لطف و عنایت حضرت حق، به مصداق آیه کریمه "وَمُكْرَمُوا وَمَكْرَاللهُ وَاللهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ" که در سوره مبارکه آل عمران آمده است، آن کید و نیرنگ دشمنان به خود آنها باز خواهد گشت.

به نظر جنابعالی فکر تقریب در جهان امروز چه ضرورتی دارد؟

لازم می بینم در بدو سخن، از تحول چشمگیری که در دو هفته نامه پیک تقریب حاصل شده بسیار قدردانی کنم و امیدوارم که انشاءالله روز به روز این مجله بهتر و مفیدتر بشود. اتحاد و انسجام اسلامی از ضروریات اقتدار، عزت و سرافرازی نه تنها جامعه اسلامی ایران، که تمامی جوامع اسلامی است و بحق رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام نوروزی چند سال پیش، درد را دقیق تشخیص دادند و درمان را هم معرفی فرمودند. دردی که رفته رفته در تار و پود و جسم و جان جامعه بزرگ اسلامی سریان یافته و همچنان ریشه می دواند و اگر چاره اندیشی نشود، جراحات عمیق و دردناک ناشی از افتراق و اختلاف و مشاجره و کشمکش، بدبینی و بدگمانی، خصومت و عداوت، روز به روز عمیق تر و فزون تر و درمان آن سخت تر و سخت تر می شود. تمامی این آسیب ها در واقع ناشی از عدم توجه، بل فاصله گرفتن و دوری جستن از منابع اصیل و غنی و مفاهیم ارزشمند و گرانسنگ و انسان ساز اسلام است. ما اگر در آموزه های اسلام که از آیات قرآنی و احادیث شریف نبوی و روایات مأثور از ائمه اطهار (علیهم السلام) اندکی تأمل کنیم، در می یابیم که مسئله انسجام و اتحاد و همبستگی و همدلی میان فرق و مذاهب اسلامی، از مؤکدات و مسلمات اسلام است. به ویژه آن وقتی که تفرقه و نزاع و جدال بیهوده موجب بهره برداری و سوء استفاده اجانب می شود و وهن مسلمانان و اسلام را در پی می آورد. ابتدا باید پرسید که چرا اختلاف و چرا افتراق و چرا نزاع و جدال؟ مگر نه اینکه اصول اسلام یکی است، و مگر نه اینکه تمامی مسلمانان به قبله واحد و قرآن مجید و رستاخیز معتقدند؟ و مگر نه اینکه همه مسلمانان به اصول اساسی اسلام ایمان دارند و اختلاف میان آنان بر سر اصول نیست؟ آنچه مشخص است و علمای بزرگ اسلام در گذشته و اکنون تصریح داشته و دارند اینکه اختلافات فرق اسلامی بر سر فروعی است که باید با مذاکره و گفت و گو و نشست و با حسن نیت آنها را حل کرد. در واقع به مصداق آیه شریفه "وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ الله جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا" همه مسلمانان ملزمند که به این حبل المتین چنگ بزنند و در راه وحدت و اتحاد بین



مصالح در سرلوحه اهداف و کارهای خودش قرار داده است.

استراتژی تقریب مذاهب بر چه مبانی استوار است؟

این حرکت یک رشته مبانی فکری و اصول علمی دارد، و یک سلسله قواعد رجحان بخش عقلی، که مستند به همان کتاب و سنت و متونی است که از ائمه اطهار (ع) به ما رسیده است. بزرگان جهان اسلام این اندیشه های ناب را مطرح کردند و از عموم مسلمانان جهان خواستند تا به آنها توجه کنند و از اندیشه های ناهنجار و ناسازگار که موجب اختلاف می شوند، دوری بجویند. گوهر وجودی دین ما واحد است و ما معتقدیم که هدف از طرح موارد اختلافی، باید در جهت شناخت حق و حقیقت باشد و نه به عنوان وسیله ای برای تضعیف این و آن. ما باید شناخت حق و حقیقت را دنبال کنیم و در پی حق جویی و حق یابی باشیم. همین شیوه و سلوک موجب می شود که فتنه انگیزی ها و تفرقه افکنی ها زدوده بشود. از طرفی نمی توانیم منکر آن باشیم که موانعی در راه تقریب وجود دارد. این موانع بسیار متنوع و متعدد است. کسانی که داعیه تقریب دارند، به خوبی می دانند که آن موانع چه چیزهایی است. به خوبی آن موانع را می شناسند. ولی مهم آن است که ما چگونه آن موانع را پشت سر بگذاریم تا راهبردهای تقریب و وحدت را به سر منزل مقصود برسانیم. بدیهی است که تحقق این امر خطیر در درجه اول نیاز به بیداری اسلامی دارد. یعنی همان تعبیری که مرحوم امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) تأکید می فرمودند که جهان اسلام و مسلمانان نباید از بیداری اسلامی غافل شوند و از این رهگذر می توانند روح تسامح و تعادل و میانه روی را اشاعه دهند و بذر اعتماد را بین اتباع مذاهب بکارند.

گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین علی اصغر اوحدی معاون فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

مجمع اندیشه تقریب را به یک واقعیت علمی تبدیل کرده است



بیشتر و گسترش قلمرو فعالیت فرهنگی و افزایش کمی و کیفی نتایج کارمان، پیشرفت داشته باشیم. این موارد البته کلی است و جزئیات آن باید مشخص شود که انشاءالله چنین خواهیم کرد. البته توجه داشته باشید که کلاً فعالیت مجمع در چند مقوله است؛ از جمله پژوهش، نشر، رسانه های مکتوب، و رسانه های دیجیتال و الکترونیک. در این زمینه ها ما برنامه ریزی هایی داریم و این برنامه ها را قطعاً توسعه خواهیم داد. مثلاً در زمینه آموزش های مجازی، افزایش پژوهش ها، توسعه انتشارات، حضور در مجامع بین المللی، ارائه دیدگاه ها و نظریات به زبان های مختلف که امیدواریم به بیش از بیست زبان برسد، و امثالهم، برنامه های خوبی را در دستور کار قرار داده ایم.

در راه ترویج اندیشه تقریب، جایگاه دبیر کل محترم چیست؟

ایشان به دلیل ارتباطاتی که در طول دوران مسئولیت بین المللی شان با شخصیت های برجسته جهان اسلام پیدا کردند، طبیعتاً راه گسترش دادن و بردن پیام تقریب و وحدت بین محافل علمی برایشان هموار بود. فرهیختگان جهان اسلام، از شیعه و سنی ایشان را می شناختند و ایشان را باور داشتند و با اخلاص ایشان آشنا بودند و احترام می گذاشتند. این خود بهترین زمینه را برای گسترش اندیشه تقریب فراهم ساخت. لذا انتخاب ایشان، انتخاب بسیار مناسبی بود از سوی مقام معظم رهبری برای دبیر کلی مجمع جهانی تقریب. از هنگامی که ایشان مسئولیت دبیر کلی مجمع جهانی تقریب را به عهده گرفتند، این مجمع یکی از مؤسسات بسیار برجسته بین المللی ایران شد. حتی از بسیاری از مؤسسات فرهنگی دیگر نیز جلوتر شد و در جهان اسلام مورد توجه بیشتری قرار گرفت.

محفوظ، شیعه مبانی فکری و اعتقادی خودش را دارد، سنی هم همین طور. ولی با توجه به آن مشترکاتی که وجود دارد، می تواند در مقابل دشمن مشترکشان موضعی واحد بگیرند. تبیین این موضوع هم یکی از دستاوردهای مهم مجمع جهانی تقریب است.

چه تعداد کتاب توسط مجمع و به چه زبان هایی منتشر شده؟

ببینید! کتاب هایی که مجمع منتشر کرده شاید از نظر کمی زیاد نباشد. ما الآن سقف پژوهش ها و کتاب هایمان به دویست عنوان می رسد. من می خواهم این را بگویم از نظر کمی ما هزاران عنوان کتاب منتشر نکردیم، بلکه فقط دویست عنوان منتشر کردیم، ولی مهم این است که این دویست عنوان کتاب، حاوی اندیشه های جدید است. کار موازی نیست. مخاطبانش هم کل جهان اسلام است، شیعه و سنی. مجمع پژوهش های منحصر به خودش را دارد. تکراری نیست. مجمع فعالیت هایش متمرکز در حوزه ای است که کار موازی در آن وجود ندارد. بنابراین دویست عنوان کتاب منتشر شده است ولی این دویست عنوان کتاب در حد امکان توانسته این خلأ را پر کند. این مهم است. من معتقدم اگر چه از نظر کمی شاید در مقایسه با تولید کتاب سایر مؤسسات از قبیل سازمان فرهنگ، دفتر تبلیغات یا احیاناً وزارت ارشاد و امثالهم در آن حد نباشد، ولی به لحاظ محتوا بسیار کارهای برجسته و بی بدیلی بوده اند.

درباره برنامه ریزی معاونت فرهنگی مجمع توضیح بفرمایید.

ما امیدواریم فعالیت فرهنگی مجمع انشاءالله در سطح بالاتری ادامه پیدا کند. ما باید افق دید خودمان را بالا ببریم. البته مجمع هدف والایی دارد که همانا تحقق وحدت مذاهب اسلامی و به حداقل رساندن اختلافات و تضادهایی است که کاذب هستند و عمدتاً توسط دشمنان اسلام القا و تقویت شده و می شوند. این غایت فعالیت مجمع است. اما در جهت رسیدن به این هدف بزرگ، باید مسیر را شناسایی کنیم و در این سطح معتقدم که می توانیم چشم اندازهای گوناگونی را ترسیم کرده و برای تحقق آنها، فعالیت بیشتری داشته باشیم. قطعاً تلاش مان را بیشتر می کنیم تا در جهت تحول

پذیرفتند. ولی الآن می بینید آرام آرام به سمتی می روند که دولت غیراسلامی را مهار کنند. یعنی دولت را آرام آرام به سمتی سوق می دهند که مجبور می شود از برنامه های استراتژیک خودش که جنبه غیردینی داشته، دست بردارد. این بیداری اسلامی است. کانون بیداری اسلامی، ایران است. انقلاب اسلامی ایران، کانون بیداری اسلامی است. بیداری اسلامی قبل از وقوع انقلاب اسلامی متفرق بود ولی به سبب این انقلاب، رشد و جهش و انسجام پیدا کرد.

... که منجر به تأسیس مجمع تقریب مذاهب اسلامی شد.

بله. منتها این اندیشه تقریب از ابتدا در انقلاب وجود داشت و امام خمینی (ره) منادی آن بودند و شعار وحدت را ایشان در جهان اسلام احیا کردند. **به نظر شما مهم ترین دستاورد مجمع جهانی تقریب در این دوره فعالیت چه بوده؟**

یکی از دستاوردهای مجمع، گرد هم آوردن شخصیت های اهل حل و عقد در جهان اسلام است. مجمع به هم پیوند داد و دور یک میز نشاند و باهمدیگر آشنا کرد و زمینه اتخاذ موضع واحد بین این علما را فراهم کرد. اندیشه تقریب را از یک شعار به یک واقعیت علمی مبدل کرد. الآن یکی از دستاوردهای مهم مجمع جهانی تقریب این است که از طرق علمی و پژوهش های علمی، نزدیک بودن و نقاط مشترک مذاهب را مبرهن ساخته است. در قالب کتاب و پژوهش، با استخراج احادیث و مشترکات مورد قبول فریقین، و امثالهم، این یکی از دستاوردهای بزرگ مجمع جهانی تقریب است که توانست با علم، استناد و استدلال، نقاط مشترک شیعه و سنی را تا حد نود درصد به اثبات برساند. بنابراین صرف اینکه ما شعار تقارب و تقریب را بدیم، کافی نیست. مجمع توانست به صورت علمی این معنا را ارائه بدهد. دستاوردهای مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در واقع دستاوردهای ویژه و خاص خود این مجمع بوده است. ما نمی گویم که مذاهب در هم ادغام شوند، یکی شوند، ما می گویم با هم نزدیک بشوند تا بتوانند موضع شان را یکی کنند. یکی شدن موضع، فرق می کند با یکی شدن مذاهب. ما نمی گویم مذاهب یکی شوند، نه، تعدد در جای خودش

اندیشه و فکر تقریب را ناشی از بیداری اسلامی توصیف می کنند. به نظر شما ویژگی های این بیداری اسلامی چیست؟ چرا اکنون صحبت از بیداری اسلامی می شود؟

ویژگی مهم بیداری اسلامی، فهم صحیح اسلام است. تاریخ اسلام فراز و نشیب زیادی داشته از زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله تاکنون. زمانی جوامع اسلامی تحت حاکمیت ملوک بودند. یعنی بعد از دوران سه خلیفه و دوران پنج ساله حضرت علی (علیه السلام) که حاکمیت اسلامی برقرار بود، مدیریت جوامع اسلامی از حاکمیت اسلامی تبدیل به حاکمیت ملوک شد. رژیم پادشاهی روی کار آمد. پادشاهی مانع حکومت اسلامی بود. اما مردم آن را پذیرفته بودند، حالا به زور یا از روی ناآگاهی! حتی تا زمان سقوط امپراطوری عثمانی، امپراطوری های عثمانی خودشان را خلیفه می نامیدند، یعنی خلیفه و جانشین پیامبر گرامی اسلام در حکومت و در مدیریت جامعه! اکثر مردم هم نمی توانستند بگویند این درست نیست. هنگامی که این اندیشه به وجود آمد که ما در اسلام پادشاهی نداریم و این پادشاهانی که در برنامه هایشان مطابق برنامه سیاسی اجتماعی اسلام عمل نمی کنند را حاکمان خودمان نمی دانیم و اینها حاکمان اسلامی نیستند، مرحله بیداری اسلامی آغاز شد. بیداری اسلامی به معنی زیاد شدن نمازخوان ها و روزه بگیرها نیست! بیداری اسلامی نام مقطعی است که مسلمانان از خواب غفلت بیدار شدند و گفتند جامعه اسلامی باید به شکل اسلامی اداره و مدیریت شود. دیگر نمی توان در ایران، شاهی که اصلاً در زندگی اش و در دیدگاه هایش اسلام وجود ندارد و در سیاست خارجی و سیاست داخلی اش دیدگاه اسلامی اصلاً لحاظ نمی شود، به عنوان حاکم و دولت مشروع در نظر گرفت. یا در مصر، جماعت اخوان المسلمین به نحوه مدیریت جامعه اعتراض کردند. آنها کاری با مثلاً عبدالناصر و امثال او نداشتند؛ بلکه می گفتند حکومت، اسلامی نیست و جمال عبدالناصر دارد حکومت غیر اسلامی را این جا اعمال می کند و ما به شیوه حکومتی این فرد اعتراض داریم. زمانی آتاتورک بعد از امپراطوری عثمانی در ترکیه حاکم شد و مسلمان ها او را

گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی تسخیری مدیر عامل خبرگزاری تقریب

امروز بحث تقریب خیلی جدی است

عملی جهان اسلام است که استکبار جهانی را به شکست کشانیده و خصومت آنها با انقلاب اسلامی هم از همین زاویه است. بسیاری از این اختلافاتی که امروزه شما می بینید در مورد مسائل و موضوعات بسیار کوچک وجود دارد میان مذاهب اسلامی، از ساخته های دشمنان اسلام است.

این موضوع را آیت الله تسخیری، دبیر کل مجمع هم بسیار مورد تأکید قرار داده اند که مشترکات مذاهب اسلامی بیش از ۹۵ درصد است...

دقیقاً. آن پنج درصد اصلاً موارد مهمی نیست که به خاطرش مسلمانان این گونه از هم جدا و متفرق و حتی با هم دشمن باشند. ارزش و عمق حرکت امام (ره) از همین جا آشکار می شود که ایشان با وجود آنکه یک مرجع بزرگ شیعه بودند، هیچ گاه روی نکات مورد اختلاف تأکید نکردند و همواره به مشترکات مسلمانان که قرآن و سیره پیامبر صلی الله علیه وآله است، استناد و اشاره می

دنبال می کردند و در هر دو جنبه، افق هایی را گشودند که باعث تحرک تمام جهان اسلام شد و مسلمانان از آن رخوت و رکود و سستی و ناامیدی ناشی از سلطه طولانی مدت استعمار و استکبار، بیرون آمدند. این رفتار امام (ره) و مواضع روشنی که در خصوص اتحاد مسلمانان اتخاذ کردند، زمینه ساز دور جدید حرکت تقریبی شد که بعد از ایشان توسط حضرت آیت الله خامنه ای با درایت و هوشمندی فوق العاده در قالب مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به عنوان یک نهاد جهانی و فارغ از وابستگی های سیاسی و دولتی، به ترویج اندیشه تقریب مذاهب اسلامی و تبیین جنبه های مختلف آن می پردازد. در واقع مجمع تقریب، نتیجه حرکت تاریخی امام خمینی (ره) است. چنان که ایشان بارها می فرمودند که این انقلاب، جهانی است و منظورشان این بود که این انقلاب موجب بیداری جهان است و از زمینه های تقریب همین بیداری است که امروزه الحمدلله شاهد هستیم بسیار گسترش یافته است. این در واقع وحدت

بود که ماهیت و وجهه مذهبی و دینی به آن صورت نداشتند و بیشتر به لحاظ سیاسی به دین توجه می کردند. در مواردی البته قضیه به عکس بود؛

انقلاب اسلامی ایران همان گونه که تغییرات بنیادی در بسیاری از جنبه ها ایجاد کرد، در این زمینه نیز باعث تغییر و تحول مهمی شد. این انقلاب برخلاف تفکرات غالب، بر پایه جنگ مسلحانه نبود و به سیاست از منظر دین می نگریست و فراتر از هر چیز، به طرح شعارها و دیدگاه های اسلام می پرداخت. این یک حرکت بی سابقه، دست کم در هزار سال گذشته بود. در زمینه تقریب هم شما نگاه کنید که در دوره معاصر ابتدا دیدگاه سید جمال الدین اسدآبادی مطرح بود که می گفت برای اتحاد جهان اسلام باید از حکومت ها شروع کرد و بعد از اینکه این دیدگاه نتیجه نداد، اخلاف او آمدند به سمت اینکه علما را ترغیب به وحدت کنند. اما حرکت امام خمینی (ره) خیلی عمیق تر و کامل تر از اینها بود. امام (ره) تفکر احیای عظمت اسلام و عزت مسلمین را در نظر و عمل



تحلیل شما از چگونگی و روند تشکیل مجمع تقریب چیست؟

بحث تقریب، بحثی است که از نیمه قرن گذشته مطرح بوده است و علما و شخصیت های برجسته ای در این زمینه وارد شدند. البته تاریخ آن بسیار طولانی تر است که من از ورود به آن خودداری می کنم. در دوره معاصر، از تأسیس دارالتقریب در مصر، این حرکت وارد مراحل جدید و جدی شد. در آن زمان این حرکت گذشته از وجوه بسیار مثبتی که داشت، به نظر من از یک جنبه دچار ضعف بود و آن وابستگی به نظام هایی

یکی از چالش های بسیار مهم است. یک چالش اساسی دیگر، ارتباط حاکمیت و مردم در برخی کشورهای اسلامی است چون حاکمیت، برخاسته از متن جامعه نیست. این حکومت ها به جای توجه به جهان اسلام، متوجه دشمنان جهان اسلام هستند و به همکاری با آنها می پردازند. ارتباطات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی آنها بیشتر با غرب است تا کشورهای اسلامی!

یکی دیگر از چالش هایی که شاید بشود گفت متفرّع بر جهل است، نپرداختن به میراث فرهنگی خودمان است. میراث فرهنگی اسلام نیازمند غربال است. این را باید از صافی رد کرد. بسیاری از اخبار تاریخی، بسیاری از احادیث و احکام فقهی، چیزهایی هستند که نه اساس دارند و نه تأثیر مثبتی به حال جامعه! موارد دیگری هم هست که از حوصله بحث خارج است و اکثر آنها جنبه فرهنگی دارند و رفع و مقابله با آنها، نیازمند عزم جدی و شجاعت زیادی است. اما چالش های برون اسلامی، مهم ترینش استکبار جهانی است.

تذکر: این مصاحبه ها برگرفته از پیک تقریب ویژه بیستمین سالگرد تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی می باشد.

تفکرات تندرو و تکفیری و امثال این جقدر برای منافع کشورهای اسلامی ضرر و زیان دارد. حکومت هایی هم که برای منافع سیاسی خاص به این گونه تفکرات اجازه فعالیت و امکانات می دادند، خودشان امروز مورد حمله همان جریانات قرار گرفته اند و فهمیده اند که اشتباه کرده اند. البته این پروژه تقریب بخصوص از نظر فرهنگی، به زمان بسیار طولانی احتیاج دارد تا نهادینه بشود. در جنبه های اقتصادی و امنیتی و سیاسی شاید در کوتاه مدت بتوان به نتایج آشکاری رسید اما در بعد فرهنگی خیلی زمان می خواهد. تفرقه مانند یک بیماری است که وارد کالبد جهان اسلام شده و بیرون رفتن آن از این کالبد، به تدریج صورت می گیرد.

چه چالش هایی در برابر این حرکت وجود دارد؟
اگر بخواهیم منصفانه نگاه کنیم، ما چالش های درون اسلامی و برون اسلامی داریم. چالش های درون اسلامی ما معروف است. یکی جهل است. جهلی که من می گویم در برابر علم نیست. مقصودم بی سوادی دینی است. یعنی هنوز بسیاری از دانشمندان مسلمان ما از میراث فرهنگی خودشان اطلاع ندارند. ممکن است کسی فقیه باشد، ولی جهل دارد نسبت به اصول دین. لذا جهل

وحدت اسلامی، در جهان اسلام دمیده است. این پیروزی های حزب الله در سال ۲۰۰۶ منشأ و پایه اش در همین روحیه است. امروز اغلب علمای برجسته در جهان اسلام به موضوع تقریب به طور جدی توجه دارند در حالی که در گذشته خیلی با احتیاط و با تردید به آن نگاه می کردند. دارند عناصر تندرو و مسئله ساز مانند وهابیون را کنار می زنند چون برایشان حقیقت دارد روشن می شود. اینها به برکت همین حرکت تقریبی جدید است. امروز دیگر کمتر کسی است که به زبان های تفرقه در جهان اسلام واقف و معترف نباشد.

مجمع تقریب هم انصافاً در این سال ها بسیار مؤثر بوده است. بسیاری از مباحث را در زمینه تقریب طی کنفرانس ها و همایش های متعدد و متوالی در میان علمای مذاهب مختلف برپا و توجه آنها را به موضوعات مختلف تقریبی جلب کرده است. امروز می بینیم بحث تقریب خیلی جدی است. رفت و آمدها خیلی جدی است. طرح هایی که از سوی حوزه علمیه و از سوی الازهر ارائه می شود برای تقریب مذاهب بیشتر شده و عملی تر. از آن طرف گرایش به انتشار کتب تفرقه انگیز بسیار کمتر شده. اصلا در جوامع اسلامی این هوشیاری به وجود آمده که ایده ها و

فرمودند. به همین جهت هم اغلب مسلمانان جهان، ایشان را به عنوان رهبر جهان اسلام می شناختند و نه فقط یک مرجع شیعه یا رهبر سیاسی یک کشور. محبوبیت امام(ره) در جهان اسلام برخاسته از این رویکرد وحدت گرا بود که برخلاف حرکت های تقریبی گذشته، جنبه عملی بسیار قوی و روشنی داشت و برای همه ملموس و قابل فهم و اجرا بود.

فکر می کنید که این حرکت تقریبی در دوره جدید بعد از انقلاب اسلامی تا چه اندازه موفق بوده است؟

گفتم که این نوع تقریب، این نوع حرکت برای وحدت بعد از پیروزی انقلاب، از آن روندی که قبلاً مطرح می شد در نیمه های قرن گذشته، متفاوت است. این حرکت جدید واقعاً به سوی ایجاد یک جهان اسلام متشکل و متحد و قوی در تمام زمینه هاست. اگر دقت کنید طی سی سال گذشته وضعیت جهان اسلام دگرگون شده است و اصلاً قابل مقایسه با قبل از آن نیست. امروز مسلمانان در سراسر جهان اسلام بسیار امیدوار شده اند که از آن عقب ماندگی تاریخی رها شوند و باز هم عظمت گذشته جهان اسلام احیا شود. این به خاطر روحی است که انقلاب اسلامی و جهت گیری این انقلاب به سمت

حرف های غلط و جاهلانه درباره زنان پیامبر

آیت الله دری نجف آبادی

هرگونه اعمالی که موجب ایجاد و تشدید اختلاف، تنازع، کشمکش و برخوردهای خشونت آمیز در دنیای اسلام شود، خلاف شرع است. تفسیق و تکفیر همه خلاف شرع است. بعضی کارهایی که عوام انجام می دهند خلاف شرع است؛ نمونه اش در میان ما قمه زدن است که مقام معظم رهبری مؤکداً نهی فرمودند، چون این کار حیثیت تشیع و حیثیت جامعه اسلامی و جامعه ولایی را در دنیای غرب زیر سؤال می برد.

هر رفتار دیگری که موجب بدبینی و دشمنی و عداوت در میان جامعه اسلامی شود؛ چه از جانب اهل سنت باشد چه از جانب شیعیان، به گونه ای که باعث هتک حرمت یکدیگر و توهین به مقدسات یکدیگر شود و زمینه را برای تنازع و تخاصم فراهم کند، قطعاً حرام است. مقام معظم رهبری هم از همین زاویه چنین فتوایی را صادر کردند. امروز تقریب و نزدیکی مذاهب اسلامی و تفاهم و تعامل و تواصی به صبر و حق و تعاون بر برّ و تقوا از اوجب واجبات است. اینها همه وظایفی است که همه مذاهب اسلامی باید نسبت به یکدیگر انجام دهند و از هرگونه اقدامی که موجب هتک حرمت یکدیگر و برانگیخته شدن کینه، دشمنی، عداوت و خونریزی و خشونت در جامعه اسلامی می شود، جدا پرهیز کنند؛ که اولاً به ضرر اسلام و دنیای اسلام و مسلمانان است و ثانیاً این درست خواست دشمنان اسلام و قرآن و خواست آمریکا و صهیونیست هاست.

اتهام تحریف قرآن به یکدیگر زدن و یا اسائه ادب به ساحت زنان پیامبر اکرم(ص) با هر عنوانی در درون جهان اسلام، بازی کردن در راستای اهداف دشمن و علیه جبهه خودی است. اینها به تمامی خلاف شرع و خلاف سیاست دنیای اسلام و مصلحت و امنیت دنیای اسلام و خلاف اخلاق است. کاری که این قدر آثار سوء دارد و موجب تقویت دشمنان اسلام و در راستای اهداف آنان باشد، قطعاً حرام است و هیچ عالم فهیم، فرهیخته و متعهدی اجازه نمی دهد که جهان اسلام علیه یکدیگر اقدام کنند. به هر صورت چه چماق تفسیق و تکفیر علیه برادران دینی خود برداریم، چه اقدامات خشونت آمیز و تروریستی علیه مسلمانان انجام دهیم؛ تماماً گناه و حرام است.

گاهی ممکن است افراد جاهلی آلت دست قرار بگیرند، ولی به هر صورت باید قبول کنیم که اینها آلت دست هستند و باید در برابر آنها هوشیار باشیم. قطعاً این فتوا نشان داد، که بحث وحدت برای ما یک استراتژی است. این حرف غلط و جاهلانه هم از موضع دشمنان و پایگاه دشمن مطرح می شود. اساساً پیروان اهل بیت پرچمداران وحدت در دنیای اسلام بوده و هستند. وجود مبارک امیرالمؤمنین در نوک پیکان تقریب و تفاهم و همدلی در دنیای اسلام قرار دارد. ایشان اگر از حق مسلم خود چشم پوشی کردند و ۲۵ سال خانه نشینی را برگزیدند همه به خاطر حفظ وحدت بوده است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی؛

ترور و خشونت در مکتب تشیع محکوم است

خشونت و تروریسم و ب خاک و خون کشیدن گروهی زن و مرد و کودک و پیر و جوان در مکتب اسلام و هدایت اهل بیت علیهم السلام محکوم است.

در تمام اعصار شیعیان به این مبانی تعهد خاص داشته و دارند. ممکن نیست در مکتب تشیع یک نفر تروریسم پرورش یابد. نهج البلاغه، صحیفه سجاده و... دعاهائی که بما تلقین کرده اند؛ همه بلندترین معانی انسان پذیر و مقبول فطرت بشر را پیشنهاد می نماید.

اینجانب به همه شما برادران و خواهران که با آن دلهای پاک در این اجلاسیه حضور دارند و خصوصاً برادران و خواهران آلمانی تبار آلمان سرافراز به سوابق خوب و خدمات به بشریت درود می فرستم و برای همه خوشنودی و سعادت و رضای قلب مبارک حضرت ولی عصر مولانا المهدی ارواح العالمین له الفدا را آرزو مندم

والسلام علیکم ورحمة الله بنی القعدة ۱۴۳۱
لطف الله صافی

نجات بخش قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام را که پاسخ گوی همه نیازهای روحی و فکری و تعلیمات عالی انسانی است، به همگان برسانید.

هرشخص با وجدان و منطقی که این پیامها و راهنماییهای اخلاقی و معنوی و خداشناسی و خیر و عدل و احسان به او برسد به فطرت پاک انسانی خود از آن استقبال می نماید. در جامعه ای مثل جامعه آلمان که از دیر زمان محققان و اسلام شناسان آن به اسلام گرایش نشان داده و حقیقت و حقانیت هدایتیهای جامع و کامل و انسان ساز آن را ستوده اند این اجلاسیه ها خدمت به همگان و دعوت به حقوق انسان است. اسلام دین توحید، دین یگانگی و مساوات و برادری و مهربانی و بی امتیازی است و به همه اقوام و نژادها و ملل به چشم واحد نگاه می کند. صلح و دوستی در این دین از مسائل اصلی است و اولیاء دین و ائمه معصومین علیهم السلام فرموده اند: "هل الدین الا الحب یعنی دین چیزی غیر از حب و دوستی نیست ظلم و بی رحمی و

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در پیامی به اجلاس سراسری اتحادیه شیعیان آلمان تصریح کردند: در مکتب تشیع تروریست پرورش نمی یابد؛ زیرا ظلم بی رحمی و خشونت و ترور در مکتب اسلام و اهل بیت(ع) محکوم است.

متن پیام آیت الله صافی گلپایگانی به اجلاس سراسری اتحادیه شیعیان آلمان، بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
اجلاسیه سراسری اتحادیه شیعیان آلمان السلام علیکم ورحمة الله با تقدیر و تشکر از برگزارکنندگان و شرکت کنندگان در اجلاسیه و با مسألت توفیق بیشتر آن عزیزان برای تعظیم قرآن مجید و تکریم عترت طاهره (ثقلین کریمین) که بر حسب روایات متواتر و قطعی الصدور از طرق فریقین شیعه و سنی و معتبرترین مصادر اسلامی تمسک به آنها موجب امان از ضلالت و گمراهی است امید است از برکت این اجلاسیه ها و حضور و اجتماعات بتوانید هدایتیهای

تقویت فرقه های جعلی

محسن پاک آیین - معاون فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

نخبه پروری با رویکرد نفوذ یا پرورش نخبگان سیاسی همچون نویسندگان، شعرا و هنرمندان در کشورهای کلیدی، به عنوان عناصر نفوذی و حمایت از این نخبگان برای بهره برداری های لازم، نیز از ترفندهای دیپلماسی عمومی اوپاما در جهان اسلام است.

برای سیاستگذاران غرب، ایجاد اسلام هراسی و مقابله با اتحاد مسلمانان، بکارگیری فنون عملیات روانی از جایگاه خاصی برخوردار است. در موضوع قران سوزی که متأسفانه برخی گروه های افراطی، یک بار دیگر به نام دین، فتنه ای دیگر را آغازکردند ،نیز نقش لابی صهیونیسم و حمایت آمریکا آشکار بود.

آمریکایی، به ویژه رئیس جمهور اوپاما، پیشنهاد کردند ، در سخنرانی ها از مفهوم "جهان اسلام" که نماد وحدت مسلمانان است اجتناب کرده و به جای آن تنها از مفهوم "مسلمانان" استفاده می کنند.

دولت اوپاما همانند دیگر دولت های غربی، یکی از راه های مقابله با اتحاد مسلمانان را تقویت فرقه های جعلی و منحرف چون بابی گری و "وهابیت" دانست. ایجاد اختلاف میان کشورهای مسلمان با ترفندهائی از جمله بزرگ نمائی تهدید نظامی ایران برای کشورهای منطقه، با هدف رودرو قرار دادن ایران با کشورهای خاورمیانه در همین چارچوب قابل طرح است.

از اهداف کلیدی و پنهان دیپلماسی عمومی آمریکا در حوزه امنیتی، تضعیف جهان اسلام از طریق ایجاد اختلاف میان کشورها و مذاهب اسلامی و تقویت فرقه های جعلی است.

دو تن از نومحافظه کاران آمریکا به اسامی توماس فریدمن در سال ۲۰۰۷ و چایکن در سال ۲۰۰۸ پس از انجام پروژهای تحقیقاتی خود اعلام کردند که "دنیای غرب اگر به امنیت آتی خود می اندیشد، باید از هیچ تلاشی برای جلوگیری از یکپارچگی مسلمانان فروگذار نکند؛ غرب باید بداند که زمینه ایجاد اختلاف نیز در میان مسلمانان وجود دارد." سیاست سازان غربی به همین منظور به دولتمردان

گزارشی از سفر به واتیکان و سخنرانی در مجمع اسقفهای خاورمیانه

لِكُتَابِ تَعَالَى إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا
اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا آيَاتِنَا
مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا
مُسْلِمُونَ (٣/٦٤)

آن روز هم شرک در اشکال مختلف از جمله پرستش خدایان زمینی ساخته و تراشیده شده به دست خود انسان‌ها، مایه سقوط انسانیت و ایستایی رشد و تکامل بشری بود. معنویت در سایه سیاه شرک از میان جوامع بشری رخت برپسته بود و تنها علاج و حرکت به سوی معنویت معرفت توحیدی بود.

آیا فکر می کنید امروز جامعه بشری در همان شرایط قرار ندارد؟ آیا امروز کمبود معنویت خطر اصلی جامعه انسانها نمی باشد؟ آیا شرک چهره پلید خود را با پوشش متناسب با جهان معاصر ارائه نداده و اخلاق و معنویت را هدف نگرفته است؟ آیا برده سازی انسان ها و به پرستش کشیدن انسان های مظلوم در گوشه و کنار جهان به چشم نمی خورد؟ اگر چنین است پس وظیفه ای که بر دوش مومنین به ادیان توحیدی یعنی فرزندان ابراهیم (ع) قرار دارد چیست؟

رابطه فرهنگی اسلام شیعی

رابطه فرهنگی اسلام شیعی با مسیحیت
سابقه‌ای دیرینه دارد. کافی است که من در اینجا به
یک نمونه اشاره کنم.

ابو محمد حسن بن علی معروف به ابن شعبه
اهل شهر "حران" بود. حران شهری است بر سر راه
موصل، شام و روم. اهالی آن صابئی، مسیحی و
نسیس مسلمان شیعی بوده‌اند و بسیاری از
ریاضی دانان و پزشکان و اکثر مترجمان کتاب‌های
حکمی و طبیعی در دو دوره "نهضت ترجمه" از اهالی
حران بودند. به گفته برخی مورخین معتبر این شهر
بنام "هاران" برادر حضرت ابراهیم (ع) است که آن را
بنیاد نهاد و اولین شهری است که پس از طوفان نوح
ساخته شده (یا قوت الحموی)، معجم البلدان، تحقیق
فرید عبدالعزیز الجندی (بیروت: دار الکتب العلمیه،
۱۴۱۰ هـ. ق)، ج ۲، ص. ۲۷۱.)

ابن شعبه که از علمای نامدار شیعی قرن چهارم هجری (دهم میلادی) است، فقیه و محدث و استاد بسیاری از بزرگان شیعه است. وی کتابی با عنوان تحف العقول فی ما جاء من الحکم و المواعظ عن آل الرسول، تألیف کرده است. کتاب در ۱۶ فصل سامان یافته است؛ برخی از فصول به مناجات‌ها و اندرزهای حضرت عیسی (ع) در انجیل و جز آن و حکمت‌های او اختصاص دارد که از امام صادق (ع) رئیس مکتب جعفری منقول است. آن حضرت مردم را به توجه به انجیل و پیروی از مواعظ و توصیه‌های آمده در آن سفارش کرده است. مواعظ آمده در آن کتاب عیناً در انجیل موجود است و این اسناد حکایت از وجود روابط عمیق فرهنگی میان شیعیان با مسیحیان دارد.

نشست‌های حاشیه اجلاس

دکتر محقق داماد در ادامه تشریح سفر به مقر پاپ به نشست‌های حاشیه‌ای اجلاس اشاره کرد و گفت: در حاشیه اجلاس علاوه بر دیدار خصوصی با آقای پاپ، مصاحبه‌های مطبوعاتی و رادیو-تلوویزیونی متعددی انجام و به سؤالات خبرنگاران پاسخ داده شد. سؤالات متعددی از جمله درباره موضوع ارتداد مطرح شد که در پاسخ گفتیم: دین امری است قلبی و هر کس نسبت به معتقدات قلبی خود آزاد است. و از نظر موازین اسلامی هیچ کس مجاز نیست نسبت به امر قلبی کسی جستجو و تنقیش کند. ولی چنانچه شخصی با ورود و خروج خود در دین اسلام علیه دین دست به اقدامات تبلیغی بزند و مرتکب افعال و اعمالی تحریک‌آمیز با انگیزه‌های سیاسی و یا هر انگیزه‌ای دیگر شود بی تردید موجب جریحه‌دار شدن احساسات مذهبی جامعه ما منین خواهد شد.

پیروان راستین هر دینی بیش از هر کس دیگری حق و صلاحیت برای ارائه تفسیر دین خود را دارند.

شکی نیست که هر دینی باید تفسیر معاصرانه خود را عرضه دارد، چرا که در غیر این صورت منسکات فراوانی به وجود خواهد آمد. هیچ دینی نمی‌تواند و نباید این ضرورت را نادیده انگارد. اما مسئولیت ارائه این تفسیر نیز در نهایت به عهده‌ی مؤمنان است. حداکثر این است که به آنها کمک شود تا بتوانند این مهم را به انجام رسانند. اما هیچ کس نمی‌تواند از جانب آنها تصمیم بگیرد و یا نظریه‌ای ابراز کند. هر دینی منطق و روش خاص خود را برای انطباق با زمان و الزامات آن را دارد. هر نوع انطباقی که خارج از این چارچوب انجام شود بدان لحاظ که از دیدگاه مؤمنانش فاقد مشروعیت و اعتبار است، بیایا و کارساز نیست.

این به نفع اصل دین و تمامی دین باوران است که پیروان تمامی ادیان بتوانند آزادانه و بدون احساس شرم و ترس بر اساس ضوابط دینی و میراث‌های تاریخی و سنتی خود زندگی کنند. ثبات جهان، مرهون ثبات گروه‌های کوچک و بزرگ انسانی آن است و این ثبات در صورتی حاصل می‌آید که اینان بتوانند، به دور از فشار و تضییق و تهدید زندگی کنند. این مهمترین عامل، برای ایجاد ثبات اجتماعی و اخلاقی جامعه است، این، وظیفه ما است که به فراهم آوردن چنین شرایطی کمک کنیم. در بخشی دیگر از سخنان خود چنین گفت:

رابطه اسلام و مسیحیت از روزهای نخستین طلوع اسلام در جزیره العرب کاملاً دوستانه بوده است. در قرآن مجید عیسی و تولد او از مریم مقدس و یاکره چنان زیبا معرفی شده که همواره توجه پیروان مسیح را به خود جلب کرده است. او را کلمه خدا خوانده است. اِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ اِنَّ اللّٰهَ يَبْشُرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِهَاً فَاٰی الدِّیْنِ وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِیْنَ (۴۵)

[یاد کن] هنگامی [را] که فرشتگان گفتند: ای
 مریم، خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود، که
 نامش مسیح، عیسی بن مریم است مژده می‌دهد، در
 حالی که [او] در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان
 [درگاه خدا] است.

و نیز به صراحت قرآن مجید نزدیک ترین و دوست ترین گروه های دینی از ادیان ابراهیمی نسبت به مسلمانان را مسیحیان دانسته است:

وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا
بِصَارَى ذَلِكَ بَأْسٌ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرَهْبَانًا وَهُمْ لَا
يَسْتَكْبِرُونَ (٣/٨٢)

و قطعاً کسانی را که گفتند: ما نصرانی هستیم، نزدیک‌ترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت، زیرا برخی از آنان دانشمندان و رهبانانی‌اند که تکریم و پرستش را به موجب آیات صریح قرآنی اعتقاد به عیسی و سایر انبیاء الهی یکی از ارکان ایمان اسلامی است.

بر همین اساس همواره میانشان دوستی و مودت برقرار بوده و چنانچه در مقاطعی از زمان به تحریک قدرت‌ها مشکلاتی پیش آمده با کمال درایت و خردمندی به آشتی تبدیل شده‌است.

در کشور من ایران اسلامی هموطنان مسیحی در کمال آرامش زندگی می کنند، معابد آنان مورد احترام است. ما هیچگاه آنان را اقلیت مذهبی نخوانده ایم همیشه آنان را هموطن مسیحی می خوانیم و پاره ای از پیکر کشور خود می دانیم. من خودم در ایران دوستان بسیار نزدیکی از مسیحیان دارم. آنان به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مجلس نماینده مستقلی دارند که همیشه در کنار ما هستند و با آزادی تمام مصالح و منافع آنان را مطرح می سازد.

عالیجناب!

در همان روزهای نخستین اسلام پیامبر رحمت (ص) به موجب فرمان الهی مسیحیان را به نقطه مشترک توحید و نفی شرک دعوت کرد. فَاِذَا يَا اَهْلَ

قیام و قعود کردند. از لحظه استقرار ایشان به پایان وقت اجلاس نیم ساعت بیشتر نبود که این نیم ساعت اختصاص به ما دو میهمان مسلمان داده شده بود که هر یک ۱۵ دقیقه سخن بگوئیم. گوی ایشان برای استماع سخنان ما حاضر شده بودند. سخنرانی ما با دیگران از نظر تشریفات از این نظر متمایز بود که برای ایراد سخنرانی، جایگاه مخصوص در کنار جناب پاپ پیش بینی شده بود. زبان اجلاس انگلیسی، فرانسه و ایتالیایی بود، به هر زبان که بود همزمان به سایر زبان ها ترجمه می شد. اینجانب سخنرانی خود را با سلام بر انبیاء الهی آغاز و با توجه به محدودیت وقت بر چند نکته تاکید کردم.

در بخشی از سخنرانی خود گفتم که در طی سال‌های پایانی دهه نود، موضوع جامعه چند فرهنگی به عنوان یک واقعیت، عملاً پذیرفته شد، حال آنکه دو دهه قبل از آن چنین باوری وجود نداشت. امروزه دیگر کمتر کسی است که از جامعه یک فرهنگی دفاع کند. تجربه بالکان به خوبی نشان داد که دیگر نمی‌توان از سیطره یک جانبه فرهنگ متعلق به یک گروه نژادی خاص دفاع کرد و دیگران را نادیده گرفت و مورد تبعیض قرار داد. مهم این است که این یک ضرورت عملی است و نه یک مسأله روشنفکر پسندانه انتزاعی.

این است واقعیت‌ها و شرایط عینی زمان ما، چنانکه گفتیم درک متقابل دینی، عمیقاً متأثر از این اوضاع و احوال بوده و هست. در آینده تلقی نسبت به ادیان دیگر، متأثر از این شرایط و واقعیت خواهد بود. مسأله این است که در آینده همه در سرنوشت یکدیگر سهم خواهند بود و در این میان نمیتوان هیچ کس را کنار گذاشت.

این اندیشه هم اکنون در بین نخبگان کنونی طرفداران فراوانی دارد و با اطمینان می‌توان گفت که در آینده طرفداران بیشتری حتی در بین توده مردم خواهد یافت. لازمه این طرز تفکر این است که دیدگاه سنتی خود نسبت به ادیان دیگر را به یکسو نهمیم و از موضعی بی‌طرفانه‌تر و بلکه همدلانه‌تر و احترام‌آمیزتر به آنها بنگریم. پدیده‌ای که در حال رخ نمودن است و می‌توان نمونه‌هایی از آن را سراغ گرفت.

البته قابل انکار نیست که هنوز هم اندیشه‌های واپس‌گرایانه‌ای که مدافع تعصبات خشک تاریخی و یا توسعه‌طلبی و برترجویی سیاسی و فرهنگی هستند، زنده و فعال است و مسلماً در آینده هم وجود خواهد داشت. اما این تفکرات در برابر آنچه ذکرش گذشت فروغ و طرفداران چندانی نخواهد داشت.

در کنار این همه دگرگونی‌ها، تحولات فکری و فرهنگی، هم اکنون عطش فراوانی برای کشف دیگران و میراث فکری و فلسفی و دینی و هنر آنها وجود دارد. این عطش بیش از آنکه ناشی از کنجکاوی باشد، ناشی از نوعی نیاز روانی و درونی است. این نیاز در گذشته به این صورت و با این وسعت وجود نداشت. اما امروزه به ویژه در نزد جوانان و نخبگان فکری جوامع یاد شده، وجود دارد.

مهم این است که این جریان بیش از همه، تلقی دینی نسبت به ادیان دیگر را تحت تأثیر قرار می دهد. در اینجا باید درباره شرایط مطلوب نیز سخن گفت و اینکه برای معتقدان و مؤمنان به دین، موقعیت مطلوب چیست و چگونه به دست می آید، بدین معنا که کدام دیدگاه نسبت به ادیان دیگر به سود دین و دین باوران است.

به نظر می آید جهان مطلوب، جهانی خواهد بود که معتقدان به هر دینی حق داشته باشند که بر اساس اصول و معیارهای برآمده از آیین خویش زندگی کنند، بدون آنکه مورد فشار و تهدید و یا تمسخر و استهزا قرار گیرند. باید این حق به رسمیت شناخته شود. همچنان که باید حق تفسیر دین، در آنجا که این تفسیر بر اصول علمی برآمده از مبانی و روح آن دین، مبتنی است، به مؤمنان بدان دین، داده شود. اصل این است که

آیت الله سید مصطفیٰ محقق داماد، چندی پیش به دعوت پاپ بندیکت شانزدهم در اجلاس مجمع اسقف های خاور میانه (سینود) که در واتیکان برگزار می شد، شرکت کرد و به سخنرانی پرداخت.

دکتر محقق داماد در پاسخ به سؤال خبرنگار آن که از چگونگی دعوت توسط پاپ و مسائل مطرح شده در مجمع اسقف های خاورمیانه، پرسید، گفت: در ماه ژوئن ۲۰۱۰ اینجانب نامه ای با امضای آقای آتراویچ^۱ مدیر کل دفتر امور بین المللی واتیکان دریافت کردم. خلاصه نامه این بود که جناب آقای پاپ بندیکت شانزدهم اینجانب را برای شرکت در اجلاس مجمع اسقف های خاورمیانه (سینود) از ۱۰ تا ۲۴ اکتبر (۲۰ مهر تا ۴ آبان) وایراد سخنرانی در آن مجمع در روز ۱۴ (۲۱ مهر) دعوت کرده بودند. در آن نامه این توضیح آمده بود که تشکیل اجلاس مزبور به دنبال درخواست کلیساهای مستقر در خاورمیانه تشکیل شده که وضعیت ادامه زندگی مسیحیان در کنار مسلمانان در کشورهای اسلامی مورد بحث و گفتگو قرار گیرد. جناب آقای پاپ ضمن قبول درخواست اسقف های مزبور از دو عالم مسلمان یکی شیعه و دیگر از اهل تسنن دعوت به عمل آوردند. از شیعه اینجانب و از علمای اهل تسنن جناب دکتر محمد سماک از متفکرین و نویسندگان لبنان دعوت شدیم.

اینجانب قبول این دعوت را فرصتی مغتنم و رسالتی برای انعکاس موضع فکری اسلام شیعی در یک تربیون بین المللی دانستم و با مشورت برخی مراجع بزرگ دینی و فرهنگی و مدیریت فرهنگستان علوم ایران و سایر مقامات علمی اعلام قبولی نمودم. و خداوند را شکر گذارم که نسبت به مقاصد و اهداف پیش‌بینی شده حضور خود را قرین با موفقیت می‌بینم. شاید فرصتی کم سابقه بود که یکی از پیروان مکتب عصمت و طهارت (ع) از کشور ایران، خانه اهل بیت (ع) و از فرزندان قم یعنی عشاء آل محمد (ص) در مرکز جهان مسیحیت با حضور عالی‌ترین مقامات مسیحی و تمامی روحانیون بزرگ مسیحی منطقه برای بیان افکار و مواضع شیعی نسبت به نحوه تعامل، همزیستی مسالمت آمیز بر محور نقطه مشترک یعنی توحید و پرستش خداوند و اجتناب از هرگونه مظاهر شرک لب به سخن می‌گشاید و مورد استقبال تمامی حاضرین قرار می‌گیرد.

در تاریخ تعیین شده، یعنی عصر پنج شنبه مورخ ۲۲ مهر ما دو میهمان مسلمان، از محل استقرار در حالی که بعضی از اعضای واتیکان ما را همراهی می کردند در جلسه شرکت کردیم. اجلاس در سالن آفنی تئاتر داخل واتیکان تشکیل شده بود. ۱۸۵ میهمان از اسقف های خاورمیانه و تعداد زیادی از مقامات واتیکان هر یک در صندلی معین قرار داشتند. جلسه از ساعت ۴ بعد از ظهر به ریاست معاون جناب پاپ شروع شد و طی دو ساعت تعدادی از شرکت کنندگان که نامشان توسط رئیس جلسه اعلان می شد فقط ۵ دقیقه از بلندگوی صندلی خود صحبت می کردند.

برخی سخنان بر محور اسلام‌هراسی دور می‌زد. می‌گفتند در برخی از کشورهای اسلامی مشکلات ما به عنوان اقلیت دینی زیاد شده که ما مجبور به مهاجرت هستیم. ولی جالب این است که متقابلاً برخی به صراحت گفتند که اسلام به هیچوجه امروز برای ما خطر نیست، خطر برای ما چیز دیگری است که بایستی نگران آن باشیم و آن عبارت است از ضعف معنویت در میان جامعه روحانیت!! ما روحانیون تا وقتی روحانی هستیم و حق پیشوایی دینی و هدایت معنوی داریم که واقعاً روحانی باشیم و چنانچه از معنویت فاصله بگیریم هویت خود را از دست داده‌ایم.

دقائقی قبل از ساعت ۶ بعد از ظهر جناب پاپ وارد شد و حاضران در جلسه به احترام ورود ایشان

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی:

سخنرانی بین دو نماز

شبیه گروگانگیری است

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی با حضور در برنامه صبح بخیر ایران که به صورت زنده از شبکه اول سیما پخش می شود انتقادات تندی را نسبت به عملکرد دولت و شهرداری مطرح کرد. وی در بخشی از سخنانش گفت شهردار چگونه می تواند جدول های خیابان را رنگ آمیزی کند در حالی که برخی از مساجد با مشکلات جدی مواجهند. حجت الاسلام قرائتی افزود: بلاخره دوران مسئولیت شما در شهرداری پایان می یابد، امروز و فردا مسئولید آیا می توانید پس از پایان مسئولیت خود پاسخ گو باشید؟ چگونه است که به فضای سبز و چمن و جدول های خیابان رسیدگی می کنید اما به مساجد نه؟

رئیس ستاد اقامه نماز در بخشی دیگر از سخنانش خطاب به مردم گفت: چطور می توانید برای دخترتان خانه بسازید اما ۱۰۰ هزار تومان به مسجد کمک نمی کنید. وی در پایان خطاب به مسئولان مساجد هم گفت: برنامه های مساجد نباید طولانی باشد دوماه به یکدیگر نزدیک باشند، سخنرانی بین دو نماز شبیه گروگانگیری است سخنرانی یک قیقه ای هم داریم.

همچنین بیان داشت: در هیأ امنای مسجد شخص نوجوان و دبیر و استاد دانشگاه و افراد تحصیل کرده باشند در هیأت امنای یک خانم تحصیل کرده هم باشد چون حضرت مریم خادم مسجد بود.

وی گفت شاه عباس در کویر کاروان سرا ساخت بدونه ۱۸ چرخ، ما با ۱۰۰ دلار و ۸۰ دلار نمی شود بگویم نمی توانیم. اگر مسجد نیست دولت و ملت مقصرند.

آیت الله مقتدایی:

عده ای به دنبال انزوای حوزه هستند

دراجمت حضور داشته باشد و در امور سیاسی کشور صاحب نظر باشد و مردمی که علاقه مند به دین و تابع روحانیت هستند در مسائل سیاسی هم باید از آنها رهنمود بگیرند. مدیر حوزه های علمیه خاطرنشان کرد: اگر روحانیت در عرصه نباشد و مبنای علمی سیاست، مدیریت و اقتصاد را مطرح نکند مردم حیران می مانند. وی حوزه را مادر نظام دانست و با طرح این سؤال که مگر می شود یک مادر، فرزندش را راه کند، اظهار داشت: وقتی نظام، نظام اسلامی شد، روحانیت و حوزه های علمیه پشتیبان نظام هستند پس نسبت حوزه به نظام نسبت دفاع و حمایت و نصیحت است. آیت الله مقتدایی خاطرنشان کرد: حوزه پشتیبان و حامی نظام است و نظام هم برای تامین پایه های علمی و اسلامی خود به حوزه نیاز دارد.



کرد: تبعیت از فرامین و رهنمودهای مقام معظم رهبری و جمع شدن حول محور ولایت مهمترین زمینه ایجاد وحدت در جامعه اسلامی است.

نماینده مردم قم هم افزایش مرجعیت و ولایت را مهمترین دستاورد سفر مقام معظم رهبری به قم دانست و تصریح کرد: بلندگوهای تبلیغاتی دشمنان از مدتها قبل توطئه می کردند که بین مرجعیت و ولایت زاویه وجود دارد اما با استقبال بی نظیر مراجع تقلید از مقام معظم رهبری و تاکید رهبر معظم انقلاب مبنی بر لزوم تجلیل از مراجع تقلید، همگان فهمیدند که چه رابطه عمیقی بین مرجعیت و ولایت وجود دارد.

مطالب انحرافی در مورد نظام و حوزه مطرح می کنند این است که از یک طرف می خواهند حوزه را منزوی کنند و از طرفی این پشتوانه عظیم علمی نظام را از جمهوری اسلامی بگیرند.

وی در مورد تلاش دشمنان برای ترویج فرهنگ جدایی روحانیت از سیاست اظهار داشت: شبهات فراوانی از سوی دشمنان برای جدا کردن حوزه از نظام و نظام از حوزه مطرح شده است از جمله می گویند اگر روحانیت وارد سیاست شود محبوبیتش در اجتماع کم می شود و ضرر می کند. مقام معظم رهبری نسبت به این توطئه ها پاسخ مبتنی دادند و فرمودند که اگر روحانیت کنار باشد منزوی می شود و اگر منزوی شد نمی تواند شان و جایگاهی در اجتماع داشته باشد.

آیت الله مقتدایی گفت: روحانیت زمانی محبوب است که



مدیر حوزه های علمیه گفت: عده ای به دنبال منزوی کردن حوزه هستند تا این پشتوانه عظیم علمی را از نظام جدا کنند.

آیت الله مرتضی مقتدایی به فرمایشات مقام معظم رهبری در مورد تفکیک آخوند حکومتی و غیرحکومتی اشاره کرد و یادآور شد: رهبر معظم انقلاب اسلامی تاکید کردند که اگر ورود روحانیون در تشکیلات برای رضای خدا باشد از مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر است و اگر این ورود برای غیرخدا باشد در هر جا که باشد زشت و مردود است. مدیر حوزه های علمیه تاکید کرد: هدف کسانی که

حجت الاسلام والمسلمین بنایی:

با شناخت دقیق جایگاه روحانیت، توطئه ها خنثی می شود

این طرز تفکر همان راهی است که مقام معظم رهبری اشاره کرده اند، تصریح کرد: با اعتبار بخشیدن به روحانیت و توجه به نقش عظیم این قشر تاثیر گذار در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و شناخت جایگاه روحانیت و این اعتقاد که روحانیت امنای دین هستند، می توان تحرکات و توطئه های دشمنان را خنثی کرد.

نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی ترویج اسلام بدون روحانیت را کاری غیرممکن دانست و تصریح کرد: تفکر روحانیت به همان سمتی گرایش دارد که پیامبر عظیم الشان اسلام و ائمه اطهار (ع) به دنبال آن بوده اند.

حجت الاسلام والمسلمین بنایی در بخش دیگری از سخنان خود به مولفه های وحدت از منظر مقام معظم رهبری اشاره کرد و افزود: وحدت باید همه جانبه و مبنایی باشد و صرف دادن شعارهای وحدت آمیز، این مهم تحقق نمی یابد. وی اضافه

نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی دو تفکر جدایی دین از سیاست و اسلام منهای روحانیت را وارداتی دانست. حجت الاسلام والمسلمین علی بنایی در گفتگو با مهر، با اشاره به فرمایشات رهبر معظم انقلاب در جمع هزاران نفر از اقشار مختلف مردم قم اظهار داشت: بصیرت یابی و بصیرت دهی به جوانان و مردم و اینکه دشمن چه هدفی را دنبال می کند، یکی از محورهای مهم فرمایشات مقام معظم رهبری در این سخنرانی بوده است.

وی ادامه داد: همان طوری که مقام معظم رهبری فرمودند دشمنان در فکر ترویج جدایی دین از سیاست و اسلام منهای روحانیت هستند، البته این افکار تز انگلیسی است که از قدیم الایام استفاده می شد و دوله قیچی برای مقابله با اسلام و دین است.

حجت الاسلام بنایی با بیان اینکه راه برخورد با

حجت الاسلام والمسلمین اکرمی:

پیروان اسلام منهای روحانیت با تذکرات رهبری شکست خواهند خورد

بردن وحدت در کشور است که البته باید در راستای مبارزه با دشمن، نسبت به حفظ و تقویت آن تلاش کرد. نماینده تهران گفت: زمانی که نظام جمهوری اسلامی به رای گذاشته شد دو درصد از مردم به آن رای ندادند، شاید این عده مخالف باشند و بر تعدادشان هم افزوده شده باشد اما این دشمن است که می خواهد از این اختلاف سوء استفاده کرده و به همه ما زیان وارد کند.

وی تصریح کرد: حال مقام معظم رهبری با رصد کردن این شرایط نسبت به وجود وحدت در کشور هشدار می دهند و از عوام و خواص می خواهند نسبت به رعایت آن جدی باشند. اکرمی گفت: تنها براساس وحدت است که کشور می تواند مقتدرانه روی پای خود بایستد.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در مورد تذکر رهبر معظم انقلاب در خصوص تفکر اسلام منهای روحانیت نیز گفت: از همان زمان که نظام جمهوری اسلامی شکل گرفت این تفکرات به انحای مختلف

حجت الاسلام سید رضا اکرمی با تاکید بر اینکه پیروان تفکر اسلام منهای روحانیت کم رنگ و بیشتر در بین ملی گرایان هستند، گفت: با تذکرات مقام معظم رهبری این عده کم هم در اهداف خود شکست خواهند خورد.

وی با اشاره به سخنان مقام معظم رهبری در رعایت وحدت در کشور از سوی عوام و خواص و پرهیز از شعار صرف در این خصوص، اظهار داشت: از آنجا که مقام معظم رهبری همواره بر مصالح و منافع کشور تاکید دارند در این برهه از زمان نیز ضرورت وحدت را چون گذشته یادآور شدند و این اظهارات در راستای تذکر به مردم و مسئولان بود.

حجت الاسلام اکرمی خاطرنشان کرد: ما در طور ۳۲ سال گذشته با توطئه های فراوانی از بیرون مواجه بوده ایم که حتی برخی هم از داخل تلاش داشتند تا به نظام ضربه بزنند، این عده امروز هم با استفاده از ابزارهایی در تلاشند تا به هدف خود برسند و یکی از این راه ها از بین

وجود داشت، اما پیروان آن همواره شکست خوردند و نتوانستند تزیینات خود را عملی کنند امروز هم عده ای این تفکر را در کشور دنبال می کنند، علت آن هم این است که این عده نسبت به جایگاه روحانیت آشنایی ندارند و مسئولیت روحانیت را نمی دانند.

وی ادامه داد: وقتی گروهی در کشور مسئولیت فراگیری در علوم اسلامی دارند و کارشناس مباحث اسلامی هستند چطور می توانیم بگویم اسلام منهای روحانیت باید پیگیری و دنبال شود. البته گروهی که این تفکر را در کشور پیگیری می کنند کم رنگ هستند عده اندکی هستند که با دین و دیانت مخالفند و در بین ملی گرایان و قشرهای تحصیل کرده به چشم می خورند.

حجت الاسلام والمسلمین اکرمی گفت: این عده کم با این تفکر منحرف جایی برای رشد ندارند و با تذکرات مقام معظم رهبری همین عده کم هم در اهداف با شکست مواجه می شوند.

شماره جدید «نسیم بیداری» منتشر شد

ائمه جمعه آمده است.

بخش سیاست «نسیم بیداری» به ویژه نامه زندگی و آثار آیت الله طالقانی اختصاص یافته و این مطالب در آن به چاپ رسیده است: انقلابی روسفید (سید محمد مهدی طباطبایی) / سال شمار زندگی / محمد بسته نگار: فقدان طالقانی، کمر روشنفکری دینی را شکست / حسین شاه حسینی: طالقانی را خیلی بازی نمی دادند /



شماره جدید ماهنامه سیاسی، فرهنگی «نسیم بیداری» به صاحب امتیازی و مدیریت مسئولی سید محمد مهدی طباطبایی ویژه مروری بر آراء، آثار و زندگی آیت الله طالقانی منتشر شد.

در بخش پیشخوان مجله به سفر مقام معظم رهبری به قم به صورت مصور پرداخته شده است. همچنین گزارشی از دیدار مقام معظم رهبری با

مجموعه سایت های مرکز:

سایت مرکز بررسی های اسلامی
www.iscq.ir

سایت استاد خسرو شاهی
www.khosroshahi.org

سایت سید جمال الدین اسدآبادی:
www.moslehesargh.com

سایت تحلیلی - خبری بعثت
www.besatonline.com

بعثت

نشریه مرکز بررسی های اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول:

سید هادی خسرو شاهی

سر دبیر:

سید محمود خسرو شاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفایه) نبش ممتاز

تلفنکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com